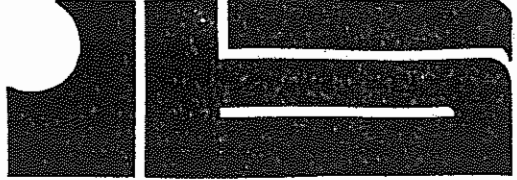


**مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما**



**کارگران و زحمتکشان
متحد شوید**

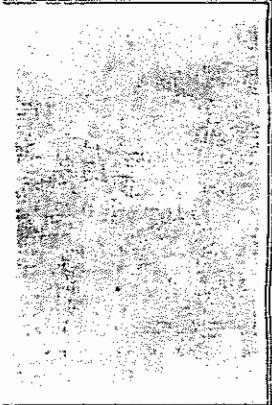
**ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
((اكثریت))**

سال سوم - چهارشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۶۰

شماره ۱۴۹ ۲۸ صفحه - ۳۰ ریال

ایران در سومین سالگرد انقلاب خروش برداشت:

مرگ بر آمریکا



نهران در صبح ۲۲ بهمن ،
دریای خروشان خلق بود ،
انبوه مردم در حالی که
متربکهای ریگان و عموسام و
پرچم امریکا را آتش می زدند
در میدان آزادی گرد آمدند .
نیروهای مسلح جمهوری
باسداران ، نیروهای بسیج
مردمی به روی پرچم امریکا ،
پای کوبان رژه رفتند ، همه جا
فریاد مقدس " مرگ بر امریکا"
بگوش می رسید و کاخ ستمگران
جهان را می لرزاند .

در صفحه ۲۶

**امام خمینی:
این پائین شهری ها
و این پابرنه ها
ولی نعمت ما هستند**

اساس سلطه ای که بر
کشور ما از طرف غیر واقع
شده است ، افراد مرفه و
کسانی که سرمایه های بزرگ
داشته اند ، یا قدرت برای
حفظ خویش و حیثیت
خودش در دست داشته
است (بود) .

در صفحه ۲۵

درس بزرگ انقلاب ما

• اکنون سه سال از انقلاب گذشته است . در
این سه ساله ، انقلاب ما رویدادهای تلخ و شیرین
بسیار به خود دیده است . رویدادهایی که هر یک
برای ما درسی است . اما مهمترین درسی که از
مجموعه همه آنچه که بر ما گذشته است باید گرفت
درسی که کلید حل مهمترین معماها و بفرنجی های
انقلاب است و اکنون توسط وسیع ترین توده های
خلق وسیعاً درک می شود آن است که :

اولا :
- دشمن اصلی انقلاب ما ، دشمنی که هرگز
نمی توان از او غافل ماند ، دشمنی که هرگز و تا
به آخر با انقلاب آشتی نخواهد کرد همانسا
امپریالیسم امریکاست .

ثانیا :
- فقط کسانی دوست انقلاب ما هستند که
جهت اصلی مبارزه شان متوجه امپریالیسم امریکا
باشد و تن به هیچ سازشی با امپریالیسم ندهند .
ثالثا :

- اگر انقلاب در راستای تثبیت و تعمیق
خصلت ضدامپریالیستی خود پیش برود ، اگر
شعار مرگ بر امریکا زنده بماند و فراموش نشود ،
حتما انقلاب ، در سایر راستاها نیز پیش خواهد
رفت .

و در این گفتار مکت اساسی ما روی همین
سخن اخیر است . آری ، اگر انقلاب در راستای
تثبیت و تعمیق خصلت ضدامپریالیستی خود پیش
برود . اگر مبارزه در راه استقلال ، بیگیرانه دنبال
شود ، اگر ...

بقیه در صفحه ۲

توطئه امریکا برای براندازی جمهوری اسلامی

جدی است

تهدید سرخپوشان!



رئیس جمهور : حضور روزافزون آمریکا در منطقه را
تحمل نخواهیم کرد . در صفحه ۵

چهارمین کنگره شوراهاى اسلامی کارخانجات :

آقای وزیر کار به استناد کدام قانون

حکم به انحلال شوراها داده اند

در صفحه ۷

افتتاح کوره دوم
ذوب آهن اصفهان
گامی بلند در راه
شکوفائی
جمهوری اسلامی ایران
در صفحه ۲۳

اتحاد شوروی
بار دیگر بر پشتیبانی خود
از انقلاب ایران
قاطعانه تأکید کرد
در صفحه ۲۱

حجت الاسلام
رفسنجانی :

ستون پنجم
دشمن
میخواهد در
سیاست خارجی
ما خرابکاری کند

در صفحه ۱۳

چرا گروهک ها

هضم کل می شوند؟

در صفحه ۱۷

رفیق اردشیر کمالی
در دفاع از جمهوری
اسلامی در جبهه
دزفول
بشهادت رسید

در صفحه ۲۴



متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

درس بزرگ انقلاب ما

...موضع قاطع و سارشان‌ناپذیر سیستم کم‌درمبارزه علیه امپریالیسم حفظ شود، حتماً و روتا و قاعدتا انقلاب در جهت حلب بیانی به‌ترین توده‌های مردم، محروم و رنجکش ر جهت نزدیکی همه نیروهای ضدامپریالیستی را ادامه خود در جهت اتحاد همه نیروهای دبی در داخل کشور و در عرصه جهانی خواهد رفت و به همین لحاظ آزادی سیاسی همه نیروهای انقلابی، نیروهایی که علیه امپریالیسم پیگار می‌کنند، تأمین خواهد شد و مردم در تعیین سرنوشت خود شرکت خواهند داشت.

درست است به همین ترتیب است سمت‌گیری لب در جهت مردمی آن، وقتی انقلاب در تار ضدامپریالیستی خود گسترش می‌یابد و مع حکومت در برابر امپریالیسم رو به قاطعیت رود، قطعاً و ضرورتاً انقلاب در جهت استقرار لت اجتماعی و مهار کردن چپاولگری طبقات سبه به سود محرومان و رنجمندان خلق، گیری خواهد کرد. تثبیت و تعمیق تگیری ضدامپریالیستی، انقلاب را به سوی تگیری ضد سرمایه‌داری سوق می‌دهد.

این است مهمترین درس انقلاب ما. این است ن انقلابات رهاشیش عصر ما. بیگیری در ره ضدامپریالیستی، آن حلقه اصلی رنجیرهای که با تکان دادن آن همه حلقه‌های دیگر به ت می‌آیند. این تجربه گرانقدر سه ساله لب ما و حاصل تمام تجارب همه انقلاب‌های شیش عصر ما است.

نیروها و لیبرال‌ها تا زمانی که نفس داشتند بر ونگ می‌زدند که مبارزه ضدامپریالیستی از ره برای دموکراسی جدا نیست. بنی‌صدر ن در دومین سالگرد انقلاب در میدان آزادی میسوطی در تشریح اصل ۹ قانون اساسی در به ارتباط آزادی و استقلال افراد کرد. محافل بالیسی نیر در این سه ساله تا آنجا کسه سندان جمهوری اسلامی را به عدم پای‌بندی سه دموکراسی بنهم کرده‌اند. آنها درک کردند و یا خیلی خوب درک می‌کردند اما را به نادانی می‌زدند که گسترش پیگار علیه بالیسم و تضعیف مواضع نیروهای وابسته بالیسم و یا هوادار سارش با امپریالیسم حکومت و در جامعه، هرچند نوام با نوسان تا ناخیر فار. ضرورتاً زمینه اتحاد همه های مردمی و انقلابی و با دست‌کم بگیریم آزادی فعالیت آنان را فراهم می‌آورد.

نیروها و لیبرال‌ها شعار آزادی را وسیله به شی‌سیردن شعار مرگ بر امریکا قرار دادند. سعی داشتند به مردم بقبولانند که اگر خط بطور کامل غلبه کند، حکومت، استبدادی ود و همه نیروهای ضدامپریالیستی، سرکوب وند. و حال آنکه درست برعکس برای آنکه های واقعا ضدامپریالیست سرکوب نشوند، اینکه آنها حق آزادی فعالیت داشته باشند با ضروری بود که نیروهای طرفدار سارش با بالیسم از اریکه قدرت بربر کشیده شوند و دامه مبارزه ضدامپریالیستی غلبه کند.

ناسفانه باند رجوی - بنی‌صدر خائن و سندان آنان از ماتوئیست‌ها گرفته تا نت‌طلبان در سال گذشته موفق شدند بخش ار نوجوانان و نیروهای کم‌آگاه که نتوانسته د از بغرنجی‌های انقلاب سردرآورند را بند و از این طریق ضربات مهیبه به انقلاب آورند. اما شکست قطعی و انفراد آنها و به نسبتاً گسترده وابستگان آنها از حکومت ت برعکس، موجب گردید خط ضدامپریالیستی

و مردمی اصمام خبیثی در حاکمیت استقرار باید و درست به دلیل همین شکست‌های مدهش و پیروزی‌های سترگ انقلاب بود که زمینه تأمین و تثبیت آزادی سیاسی برای همه نیروهای مردمی و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم گردیده است.

اکنون زمانی که تمام آنچه را که در دهه فجر گذشت در نظر می‌آوریم و گفته‌ها و پیام‌های مونترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی را مرور می‌کنیم می‌بینیم که برجسته‌ترین عنصر، در تمامی آنچه که در این دهه گذشت حاکی از روشن‌بینی قابل‌ملاحظه‌ای در شناخت ماهیت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و ضرورت ادامه مبارزه علیه آن بود. همه شواهد حکایت دارد که ما در عرصه پیگار ضدامپریالیستی در یک سال گذشته پیشرفت‌های محسوسی بدست آورده‌ایم. و نکته قابل توجه اینکه چنین پیشرفتی بازتاب خود را در بارشدن فضای سیاسی و سمت‌گیری بسوی رعایت آزادی‌های دمکراتیک، نشان داد. پیام تاریخی امام به مناسبت سالگرد انقلاب و تأکید بسیار جدی ایشان بر لزوم رعایت حداکثر نرمش در برخورد با نیروهایی که به دامان انقلاب بار می‌گردند و کوششی که رئیس دیوان عالی کشور پس از رهنمود امام برای آزادی زندانیان سیاسی آغاز کرده است این امید را آفریده که مردم مادر مهابی نه چندان دور شاهد تضعیف جدی مواضع عناصر و محافل ضددمکراتیک و ضدقانون در دستگاه دولت جمهوری اسلامی و پیشرفت معینی در راستای سناسایی نسبی حق فعالیت سیاسی برای همه نیروهای مدافع انقلاب در چارچوب قانون اساسی ایران باشیم. نحوه برخورد تثبیت و منطقی مسئولان طرازاول جمهوری اسلامی ایران در این‌باره از نشانه‌های قابل تأکید است. در مجموع به نظر می‌رسد که علیرغم کارشکنی‌های ریادی که صورت می‌گیرد هرچند نه به سرعت، ما در ماههای آتی بتوانیم شاهد حد معینی از رعایت آزادی‌های سیاسی مضرحه در قانون اساسی ایران باشیم. پیشرفت مبارزه علیه امپریالیسم و تضعیف خط سارش و مهار توطئه براندازی ضدانقلاب داخلی که به شکل تروریسم ظاهر می‌شد عوامل نهی هستند که پیشرفت در این راستا را میسر می‌سازند. هرچند که عناصر و محافل تنگ‌نظر، کوه‌بین، مترلزل، مشکوک و همچنین عوامل نفوذی دشمن تمام سعی خود را بکار می‌برند که مانع این سمت‌گیری شوند. نمونه اعدام ناجوانمردانه رفقای ما در سندنج و احوار که درست در آستانه جشن‌های دهه فجر صورت گرفت (هفته آینده با تکمیل تحقیقات، گزارش آن در نشریه درج می‌شود) و دیگر نمونه‌های صدور احکام اعلام‌نشده غیرقانونی نشانه آخریسن نلاش‌هایی است که در فضایی نویدمانه می‌خواهد مانع حرکت جدی به سوی تأمین آزادی‌های مضرحه در قانون اساسی گردد. آینده روشنی که در این عرصه به چشم می‌خورد بطورکلی متکی است بر تثبیت و گسترش خصلت ضدامپریالیستی انقلاب و تعمیق شناخت نیروهای مدافع انقلاب از امپریالیسم و ماهیت آن. تجربه گسترش انقلاب ما بار دیگر نشان داد که پیوند جدایی‌ناپذیر میان استقلال و آزادی، میان مبارزه ضدامپریالیستی و مبارزه در راه دموکراسی سیاسی نه‌آنگونه است که لیبرال‌ها و آثارشیت‌های چپ‌زده می‌گفتند. آنها زیر پوشش تبلیغ جدایی‌ناپذیری این دو در پیشرفت مبارزه ضدامپریالیستی سنگ می‌انداختند که راه تأمین آزادی‌های دمکراتیک را هم سد کنند، همه نقشه آنان این بود که شعار مرگ بر امریکا از یادها برود. چرا که در آخرین تحلیل یگانه راه پیشرفت جدی در جهت تأمین آزادی‌های

دمکراتیک زنده‌ماندن این شعار و پیشبرد آن تا به‌آخر بوده و هست.

تجربه تمام انقلاب‌های رهاشیش ملی در عصر ما نشان می‌دهد که پیشرفت مبارزه علیه امپریالیسم و تثبیت موضع‌گیری فعال علیه آن پیگیری مداوم درمبارزه به خاطر کسب و حفظ استقلال کامل و همه‌جانبه ملی و در یک کلام ایستادگی روی شعار "مرگ بر امریکا" الزاماً مجموعه نیروهای ضدسرمایه‌داری را رشد می‌دهد و آنان را در عرصه پیکار طبقات در موقعیت مستحکم‌تری قرار می‌دهد. نیروهای مدافع فتودالیسم و سرمایه‌داری هرچند ممکن است در اینجا و آنجا علیه امپریالیسم سخنرانی کنند و خود را هرندک جماعت جلوه دهند ولی راست این است که پیشرفت عملی مبارزه استقلال‌طلبانه در تحلیل، نهایی مجموعه نیروهای طرفدار سرمایه‌داری و فتودالیسم را در مقابل انقلاب قرار می‌دهد. انقلاب ما بار دیگر این قانونسندی خدشه‌ناپذیر انقلاب‌های رهاشیش عصر ما را عیان می‌سازد.

لیبرال‌ها و آثارشیت‌های چپ‌زده در این سه ساله با هو و جنجال بسیار مدام آیه یاس خوانده‌اند که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند در ساخت و یافت نظام سرمایه‌داری ایران هیچ تغییری بدهد. لیبرال‌ها می‌گفتند هر نوع ایجاد محدودیت برای سرمایه‌داران و هر نوع کوششی در جهت مهار چپاولگری آنها باعث رنجش سرمایه‌داران محترم و امتناع آقایان از بکار انداختن سرمایه‌هایشان خواهد شد. گروهک‌های

چپ‌زده هم همین را می‌گفتند منتها با زبان دیگر آنها می‌گفتند بجز گروهک خودشان هیچکس دیگری قادر نیست سرمایه‌داری را مهار کند و بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری را براندارد و در راه تأمین عدالت اجتماعی کام بردارد. واقعیات امروزین انقلاب ما خلاف این ادعاها را ثابت می‌کند. پیگیری پیرومردانه جمهوری اسلامی در مبارزه ضدامپریالیستی و فروغ شعار مرگ بر امریکا راه را بر محافل سرمایه‌داران و فتودالها سد می‌کند و آنها را از اریکه قدرت به ربر می‌کشد. این پدیده یک قانون مسلم انقلابات رها شیش عصر ما است. انقلاباتی که با شرکت وسیع‌ترین طیف اقشار مختلف مردم آغاز می‌شود و در رهجوی پیرومردانه به سوی کسب همه‌جانبه استقلال ملی، لروما راه رشد سرمایه‌داری را رد می‌کنند، خواهان انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی اقتصادی می‌گردند. اصلاحاتی که هدف اصلی آن براندازی بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری (که همواره به سوی سارش با امپریالیسم تمایل دارند و متحد آنند) و مهار رشد سرمایه‌داری است.

زمانی که یک‌سال پیش در دومین سالگرد انقلاب، بنی‌صدر، در مقام علمدار خط سارش با امپریالیسم همه نیروهای طرفدار سرمایه‌داران و گروهک‌های چپ‌رو و چپ‌نما را متشکل می‌کرد ما پیش‌بینی کردیم که اولاً آنها ضعیف‌تر از آنند که خط ضدامپریالیستی و مردمی امام را شکست دهند، ثانیاً اگر توطئه آنها شکست بخورد - که خورد - راه برای انجام اصلاحات بنیادین به شود محرومان و مستضعفان گشود خواهد شد. اکنون این اریبایی در تمامی ابعاد آن راه تحقق می‌یابد. دردهه فجر هم‌جدا صحبت از عدالت اجتماعی بود. همه مسئولان طرازاول جمهوری با روشن‌بینی کم‌سابقه‌ای بین راه خود و راه سرمایه‌داران و فتودالها خط و مرز روشنی ترسیم کردند. برجسته‌ترین و در عین حال شورانگیزترین موضع‌گیری در پیام روز ۲۱ بهمن ماه امام در مراسم بنیاد شهید تجلی یافت. امام با صراحتی بکلی کم‌نظیر مشخصه‌های دو جریان اصلی طبقاتی درون جامعه را برشرد و

ار صفحه ۲

گروههای محدود اعیان و اشراف بالانشین را در مقابل توده‌های میلیونی مردم محروم و مستضعف قرار داد و خواهان رسیدگی جدی به حال این توده مردم محروم و ستمکش گردید. آیت‌الله منتظری، رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، نخست‌وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، امام جمعه قم و دیگر شخصیت‌های طراز اول جمهوری رأی و نظر مثبت خود را در جهت انجام اصلاحات بنیادین به منظور حذف کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی ابرار داشتند. حد انجم فکری و همراهی مسئولان درجه اول جمهوری در این زمینه، امروز بیش از هر زمان دیگر در طول سه سال گذشته است. هرچند که نیروهای معینی که این بار ریز پرچم اسلام گرد آمده‌اند مدتی است که آخرین تلاش خود را بکار می‌برند تا بلکه بتوانند مانع این سمت‌گیری شوند در میان سیل موضوع‌گیری‌های مثبت و امیدوارکننده دهه فجر که همگی در دفاع از محرومان و زحمتکشان جامعه‌بود، موضع‌گیری‌های منفی و متزلزل نیر بچشم می‌خورد. کسانی پیدا شدند که در خود شهادت آن را یافتند که در مخالفت با مدافعان حرکت به سوی عدالت اجتماعی ماهیت خود را به مردم نشاناسانند و نشان دهند که انقلاب را در این راستا مددکار نیستند. آنها با مخالفت با انجام اصلاحات ارضی مخالفت با لایحه مسکن و اراضی موات شهری و همچنین با دفاع از آزادی بی‌بندوبار تجارت داخلی یعنی با دفاع از آزادی احتکارسار و گرانفروشی نشان دادند که بیشتر سنگ اعیان را به سینه می‌زنند تا بایرهنه‌ها را. آنها بسا موضع‌گیری قاطع آیت‌الله مشکینی و اظهارات صریح رئیس‌مجلس و رئیس‌جمهور مخالفت کردند و آن را هو و جنجال نامیدند.

مردم ما اکنون دیگر کمابیش مطلعند که در این جمهوری متاسفانه هنوز مراکز و خوددارند که بیشتر به فکر "اشخاص متمکن" و پولدار هستند و چشمانشان اصلا میلیونها دهقانی را که حتی یک جفت گاو زمین هم ندارند نمی‌بینند. راست این است که ما از زبان بخشی از فقهای شورای نگهبان کمتر صحبتی از ضرورت رسیدگی به فریب‌داد "توده‌های میلیونی محرومان" که امام اینقدر روی آن تاکید دارند شنیده‌ایم. اظهارنظرهای آنها تا امروز همواره یک جهت خاصی داشته‌است جعتی که بیشتر مورد رضایت و مقبول طبع مورها زمین‌دارها و به قول رایج در جمهوری اسلامی "مستکبرین" جامعه‌ما بوده‌است. نکته قابل توجه و تا حدودی نیر غیرمنتظره در این میان موضع‌گیری مغشوش حجت‌الاسلام شیخ‌محمد بردی ناشر رئیس مجلس شورای اسلامی بود. اوکه تا امروز خود را صراحتاً از نزدیک‌ترین یاران امام دور نکرده بود، اکنون با اینگونه موضع‌گیری‌های پرخاش‌گرانه و توأم با عصیبت که در عین حال فاقد استواری ضرور در دفاع از اهداف اساسی انقلاب است بین خود و نیروهای راستین خط امام فاصله معینی پدید آورده‌است که چنانچه در ادامه آن اصرار ورزد به حدایی‌های بازم بیشتر منجر می‌شود. مسلم این است که این نوع موضع‌گیری‌ها چه ارجحان ایشان باشد، چه از جانب وزیر بازرگانی در دفاع از آزادی عمل تجار بزرگ و چه از جانب هرکس دیگر صورت گیرد، مسلماً یک نتیجه بیشتر نخواهد داشت: خشود کردن قشر محدود و قلیل سرمایه‌دارانی که حاصل رنج و زحمت مردم را به بغما می‌برند و نامیدکردن توده‌های میلیونی مردم زحمتکشی که همه هستی ما از آنهاست.

بیرگفته این کاملاً مسلم و اجتناب‌ناپذیر است سوق‌یافتن انقلاب به سوی انجام اصلاحات بنیادین ضرورتاً نیروهای متزلزل جدیدی را به

سوی دفاع از سرمایه‌داری سوق می‌دهد، درست به همان‌گونه که این اصلاحات می‌تواند توده‌های میلیونی محرومان را به سوی دفاع جانانه‌تر از انقلاب رهنمون گردد. آثار این موضع‌گیری‌های جدید از ماهها قبل بدین سو بتدریج آشکار شد و می‌شود. ابتدا حجتی‌های‌ها و برخی مراجع مخالف خط مشی امام شروع کردند و امروز نیر کسانی به مخالفت برخاسته‌اند که تا دیروز هنوز در خط امام بودند.

وقایع اخیر حوزه علمیه قم و قبل از آن فعل و انفعال در ستاد انقلاب فرهنگی و برخوردهای تند در جهت بسته نگاه‌داشتن دانشگاهها و شکست همه این تلاش، نشانه‌های دیگری دال بر ضعف آن دسته از نیروهای قشری راستگر است که از طرق مختلف در راه پیشرفت همه‌جانبه انقلاب به عناوین گوناگون مانع‌تراشی و سنگ‌اندازی می‌کنند. خط مشی بنیادین تفرقه‌جویانه و تکروری‌های آقای سخنگوی دولت و وزیر کار و به‌ویژه بی‌اعتنایی هشداردهنده او نسبت به حرف توده‌های کارگران کسه جدایی‌های معینی را بین او و کارگران و در نتیجه بین او و جمهوری اسلامی پدید می‌آورد، نمونه دیگری از همین تلاش‌هاست.

انقلاب ما با اینکه سه سال بیشتر از عمر آن نمی‌گذرد، علیرغم تمام بفرنجی‌ها و پیچیدگی‌هایش بار دیگر قانون سترک انقلابات رها نشیخ عصر ما را تکرار کرده‌است. بار دیگر درستی این اصل به اثبات می‌رسد که فروغ شعار مرگ بر امریکا می‌تواند و باید انقلاب را در سایر خفیات به پیش‌راند و به پیش‌می‌راند. تا زمانی که جمهوری اسلامی ایران در مواضع ضدامپریالیستی خود پیگیر است، قطع و ضرورتاً انقلاب، نیروی بیشتری می‌گیرد و در راستای نزدیکی و تقاضم با همه نیروهای ضدامپریالیستی چه در داخل کشور و چه در عرصه جهانی پیش می‌رود. این پیگیری در آخرین تحلیل در داخل، به جبهه متحد خلق و در عرصه جهانی به پیوند با جبهه جهانی ضدامپریالیستی با اردوی انقلاب جهانی، با توده‌های میلیاردری زحمتکشان جهان منجر می‌شود. و این نزدیکی‌ها و اتحادها و پیوندها خود به توبه خود رزم ضدامپریالیستی ما را نوار بیشتری می‌بخشد و آن را بازم به پیش می‌راند.

نیروهای ارتجاعی نیر بخوبی پی به این اصل اساسی برده‌اند و با تمام قدرت می‌کوشند این پیگیری را به ناپیگیری و تناقض تنزل دهند. آخرین تلاش‌های دردانه آنها در دهه فجر نمود یافت. آنها اکنون که می‌بینند علیرغم تمام ترنندهایشان جمهوری اسلامی به سمت‌گیری قاطع ضدامپریالیستی دست می‌یابد، اکنون کسه می‌بینند سیر عمومی سیاست خارجی در جهت حل تناقضات آن سیر نمی‌کند و دشمنی با دوستان انقلاب ایران دیگر نه چندان خرداری دارد و نه چندان قابل توسعه، دست به اعمال دیوانه‌وار و کاملاً مذبحوحانه، از نوعی که در جن‌های ۲۲ بهمن در تهران بچشم می‌خورد می‌زنند (آنها کارسان بجایی کشیده که دزدانه و ناگهان پرچم و شعار مرگ بر شوروی را هم کنار پرچم امریکا روی زمین پهن کردند تا با رژه را برهم رنند و جمهوری را مضحکه کنند و یا نظامیان از روی آن رژه‌روند تا از آن عکس بگیرند و در روزنامه حزب جمهوری اسلامی بچاپ رسانند. و بدین ترتیب حربی را آلت دست فرار دهند و تحقیر کنند که رهبران آن مهمترین مسئولیت‌ها را در این جمهوری برعهده دارند.)

مسلم این است که تلاش برای خارج کردن امریکا از زیر ضرب و بازگشت به سیاست قطب‌زاده‌ها و همنشیی با ضیاء‌الحق‌ها دیگر در این جمهوری هر روز با شکست‌های جدی‌تری مواجه می‌شود. این شکست و پیگیری در تداوم و گسترش مبارزه

ضدامپریالیستی لزوماً انقلاب را در تمامی جهات در جهت تأمین آزادی فعالیت سیاسی برای همه نیروهای انقلابی و در جهت تأمین عدالت اجتماعی و براننداری بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌دار؛ و در راستای سایر اصلاحات سیاسی و اقتصادی؛ و اجتماعی و فرهنگی کمابیش پیش می‌راند. هرچند که این پیشرفت در عرصه‌های فوق همواره یک‌دست و ساده و موزون نیست اما در چشم‌انداز کلی در میان مدت لزوماً کمابیش هماهنگ خواهد بود. پیکار ضدامپریالیستی آن حلقه اصلی است که ادامه آن و پیشرفت در آن راستا پیشرفت در سایر عرصه‌ها را الزامی و گریزناپذیر می‌سازد. درست به‌همان‌گونه که عقب‌نشینی از جبهه نبرد علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکا لزوماً به عقب‌نشینی در سایر عرصه‌ها منتهی می‌شو. این درس بزرگ انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی، و گرایش مسلط در انقلابات ۵۰، مشخص عصر ماست ما اکنون بروشنی دست‌انگاز بکار این تجرب هستیم. ما بار هم بی‌کوشش زنده‌باد "مرگ بر امریکا" و بغین داریم که بکار این شعار برای ما صلح، استقلال، دمکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی است. فروغ شعار مرگ بر امریکا هر روزه که می‌گذرد سبای جمعیور؛ اسلامی ایران را در جسم میلیونی توده محروم زحمتکش سین با غریب‌رو و آمان را به آینده حو. برامید بر می‌سازد. به‌همان‌گونه که بکار طنین این شعار کینه سرمایه‌داران و ملاکین راستبند اب جمهوری هر روز تیرس و آمان را از آسده خود د این کشور نوسدنر بی‌کند، سحر و افسون و اعجا این شعار و بکار آن امروز راه‌زهایی از نید هم ستم‌های ملی و طبقاتی را به ما می‌نماید و د را به سویی رهنمون می‌کند که تاریخ بی‌ظلمد آری "مرگ بر امریکا" اعجاز میکند و این در بزرگ انقلاب ماست :

زنده‌باد "مرگ بر امریکا"



راهی که آقای توکلی می رود

کاروان بلند نام شهیدان فدایی و توده‌ای که در راه انقلاب جان باختند مانع از آن می‌شد که ایشان اینطور رک و راست و صریح از دوربین تلویزیون به مردم نگاه کند و این حرف‌ها را بزند.

اظهارات کین‌توزانه و توهن‌آمیز آقای توکلی نسبت به پیروان سوسیالیسم علمی این مدافعین صدیق انقلاب و خط مردمی و ضدامپریالیستی امام خمینی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های دیگر ایشان نیز تکرار شده است، این تنها اشتباهات ایشان نیست.

آقای توکلی در اوایل تصدی وزارت کار در کابینه کنونی نیز در برخورد به مسائل کارگران روی خوش به آنان نشان نداد و در جلسه معارفه با کارکنان و کارگران وزارت کار صریحا گفته است که "ما به کارگران باج نمی‌دهیم" سخنان ایشان در مقابل سخنان امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی که کارگران را "ستون فقرات انقلاب" می‌داند و وظیفه و هدف انقلاب را خدمت به کارگران و کشاورزان و بازرگانان و کوششگران و رفع نابرابری‌هایی که تاکنون بر آنان روا می‌شده، می‌داند همخوانی ندارد.

آیا سخنگوی دولتی که با جانبازی همین کارگران و کشاورزان و محرومین در مصدر امور نشسته باید این چنین با سخنگوی کارگران باشد؟ وزارت کار در زمان تصدی ایشان دستور توقف شوراها را صادر کرد آقای توکلی برای توجیه این حرکت وزارت کار در چهارمین کنگره شوراها اسلامی کارخانجات گفت:

"ما در اسلام نظام شورایی نداریم" در صورتی که اصل ۱۰۷ قانون اساسی معتقد است که شوراها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره کشور هستند و اصل ۱۰۴ قانون اساسی می‌گوید:

"به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور و واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، شوراها مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی و خدماتی و مانند اینها شوراها مرکب از نمایندگان اعضا این واحدها تشکیل می‌شود"

همچنین مطابق اصل ۱۰۶ قانون اساسی هیچ مرجع اجرایی حق انحلال و یا توقف تشکیل شوراها یا افساد آن را ندارد و در صورت انحراف از وظایف قانونی نیز مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها

و طرز تشکیل مجدد آن را قانون تعیین می‌کند نه دستگاههای اجرایی بهرحال گفتار و کردار آقای توکلی در مواردی که برشمرديم و به عنوان سخنگوی دولت بیان‌کننده بقیه در صفحه ۲۳

مردم آگاه به پوچ بودن این حرف‌ها پی می‌برند. ما متأسفیم از اینکه کسی در حد سخنگوی دولت راه بازی با کلمات و فریفتن عوام را می‌آزماید. آقای توکلی در همان مصاحبه، پیروان سوسیالیسم علمی را متهم کرده‌اند به اینکه در انقلاب اسلامی نقشی نداشته‌اند:

"و اینها در آن موقع در خارج بوده‌اند و حالا چقدر وقیح هستند که این قبیل شعارها را عنوان می‌کنند"

یک نگاه به روزنامه‌های دوران انقلاب و آرشو صدا و سیما جمهوری اسلامی در روزهای پیروزی انقلاب نشان می‌دهد که واقعیت آنطور نیست که آقای توکلی گفتمان پیروانده‌های پلیس و ساواک شاهنشاهی نشان می‌دهد که هزاران رزمنده طرفدار سوسیالیسم علمی در سالهای سیاه دیکتاتوری زیر چکمه دژخیمان شاه معدوم و درست به همین دلیل دفاع از عدالت اجتماعی برای مردم محروم و رنج‌دیده میهن، جان باختند و یا سالها در زندان‌های شاه اسیر بوده‌اند و یا زیر پیگرد پلیس خونخوار شاه از وطن خویش مهاجرت کرده‌اند. شاید سن آقای توکلی هم مثل بسیاری از جوانان نسل ما اقتضا نکند که تمام سابقه ۴۰ سال مبارزه توده‌ای‌ها را بخاطر آورد. این موضوع مسلما نگاه ایشان نیست. اما آقای سخنگوی دولت می‌توانست به خود زحمت دهد و از دیگران بی‌رسد که رهبران حزب توده ایران از چه تاریخی مبارزه علیه رژیم پهلوی را آغاز کرده‌اند؟ آقای توکلی می‌توانست تحقیق کند و متوجه شود که اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران مجموعا داغ قزقها اسارت در سیاهچال‌های رژیم پلید پهلوی را به چهره دارند. و این واقعیتی است که آقای توکلی نمی‌خواهد و اصلا میل ندارد متوجه آن گردد.

علاوه بر این ما فکر می‌کنیم که اگر آقای توکلی یک سر سوزن انصاف عاریت می‌گرفت و اندکی هم در عمل، آن اخلاق اسلامی را که جنابان بسیار هم دواتش در هر کوی و برزن خود را مدافع و مبلغ آن می‌نمایانند، بکار می‌بستند، حتما

دارای یک مفهوم و معنای سیاسی - اجتماعی - اقتصادی است که توسط قانون اساسی و بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی و مقامات طراز اول جمهوری اسلامی تعریف شده و وقتی نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی می‌گویند آرمان و هدف انقلاب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است این تعریف را از جیب خود در نیآورده‌اند.

اسام خمینی رهبر انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی ایران هدف و غایت جمهوری اسلامی را قیام به قسط و رسیدن به عدالت اجتماعی می‌دانند درست دقت کنید: "غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم‌ها از بین برود ستم‌گری‌ها از بین برود، ضحفا بهشان رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود" (امام خمینی ۲۱ شهریور ۶۰)

اصل سوم قانون اساسی یعنی منشور انقلاب مردم ما نیز دولت جمهوری اسلامی را موظف می‌داند که برای نیل به عدالت اجتماعی به طرق زیر بکوشد:

"آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، نحو هرگونه استبداد و جلوگیری از نفوذ اجانب" و "تأمین آزادی‌های سیاسی" مشارکت عامه مردم در سرنوشت خود "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی" پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق اقتضای اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیست در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و ..."

چنین است تعریفی که رهبر انقلاب و منشور انقلاب از جمهوری اسلامی ارائه می‌دهند. بنابراین ناسازگویی به نیروهای مدافع انقلاب بجرم اینکه از شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی یعنی از مضمون و محتوای اصلی جمهوری اسلامی ایران آنگونه که رهبر انقلاب و منشور انقلاب توضیح داده است دفاع کرده‌اند، قطعاً در شان یک مسئول رسمی جمهوری اسلامی نبوده و نیست ما بسیار از این متأسفیم که چرا باید سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران حرفی بزند که بی‌پایه است و خودش نیز خوب می‌داند که همه

آقای احمد توکلی که وزیر کار و مور اجتماعی و سخنگوی دولت هم است! در یک مصاحبه تلویزیونی به من آن در کیهان چهارشنبه ۲۱ بهمن ۶۰ درج شده در پاسخ خبرنگاری که پرسیده بود "اخیرا حزب توده شعار استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را مطرح کرده" گفت:

"وقتی من می‌گویم این حزب بی‌آبرو است برای همین است آدم چقدر باید پررو باشد که سه سال از انقلاب گذشته و هنوز مردم شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی سرمی‌دهند آن وقت حزب توده شعار استقلال آزادی، عدالت اجتماعی را مطرح می‌کند"

در مورد این نحوه برخورد یک نام رسمی دولتی چه باید گفت؟ منظور که جمهوری اسلامی از تمام حزب و سازمان‌ها انتظار دارد که بخورد آنها انتقادی، سالم و آزرده باشد، ما و دیگر نیروهای دمی متقابلا از مقامات رسمی جمهوری اسلامی انتظار داریم که ثوابت جمهوری اسلامی را در نظر نبرند و در حد یک مقام رسمی نیروها و احزاب مدافع انقلاب خورد محترمانه و مسئولانه داشته باشند.

این شیوه برخورد به نیروهای باادار سوسیالیسم علمی و مدافع قلاب کهنه است و قبلا نیز توسط ساری از نیروهایی که اکنون توسط روهایی خط امام بخوبی شناخته نه‌اند، و برخی از سربر قدرت به ر کشیده شده و برخی به پاریس بختانند تکرار گردیده است.

از آنجا که سازمان ما نیز مدافع بخت شعار استقلال آزادی و الت اجتماعی به‌منابه مضمون اسی جمهوری اسلامی است و به سین دلیل توهمن آقای توکلی به زمان ما نیز باز می‌گردد جهت اطلاع ایشان توضیحات زیر را وری دانستیم:

با این شرح و بسطی که آقای کلی در مصاحبه داده است باید از برسد وقتی بخواهد محتوای اصلی سهری اسلامی را توضیح دهد چه اهد گفت؟ آنطور که از قرائن ناست جفات ایشان قاعدتا باید بد جمهوری اسلامی یعنی جمهوری لایمی همین و بس. نه یک کلمه ستر و نه یک کلمه کمتر. اما همه می‌دانیم که جمهوری اسلامی

توطئه امریکا برای براندازی جمهوری اسلامی

جدی است

هتک نسویم!

رئیس جمهور: حضور روزافزون آمریکا در منطقه را تحمل نخواهیم کرد.

نیوزویک بر این حقیقت انگشت گذاشتند که حضور امریکا در منطقه به حد غیرقابل تحملی رسیده است و این حضور نیز البتة جز منظر هدایت منصف توطئه‌های جنایتکارانه علیه انقلاب ایران کشورهای منطقه و نیز سرکوب جنبش‌های آزادیبخش خلقهای منطقه نیست. رئیس جمهور در این مصاحبه تأکید کرد:

"حضور روزافزون آمریکا در منطقه را تحمل نخواهیم کرد"

امریالیسم امریکا در حالی تلاش می‌کند جنبه اصلی نبرد را متوجه انقلاب ایران سازد که مجمع عمومی سازمان ملل که در اجلاس ویزه خود پس از بحث پیرامون الحاق جولان توسط رژیم صهیونیستی اخیر اقدام تجاوزگرانه توسعه‌طلبانه را با ۸۶ رای محکوم ساخت و از تمام کشورهای جهان خواست که تمام مناسبات خود را با ابر رژیم ضد بشری و تجاوز قتل نمایند تصمیم این اجلاس که با تهدید و شائبه امریالیسم امریکا روبرو بود، یک پیروزی سیاسی بزرگ برای تمام نیروهای آزادیخواه صلح‌دوست در سراسر جهان می‌باشد.

رای قاطع مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت رژیم اسرائیل که در واقع رای بدمحکومیت امریالیسم امریکا است بیاتر آن است که نیروهای ترقیخواه صلح‌دوست در سراسر جهان وزنه بسیار نیرومندی را تشکیل می‌دهند که بر سیاست توسعه‌طلبی و باج‌خواهی مهر باطل می‌گیند و از همدیگر در برابر تجاوزات امریالیسم جهانی سرکردگی امریکا حمایت می‌کنند.

دکتر ولایتی وزیر امور خارجه ایران ضمن شرکت در مجمع عمومی قاطعانه از موضع برحق "کشور قهرمان سوریه" پشتیبانی کرد و عبدالحلیم خدام در گفتگو با دکتر ولایتی "مجداد مواضع بحق ایران در دفاع از خود در تهاجم عراق به ایران را مورد تأکید قرار داد" و از موضع انقلابی ایران در مقابل مسأله فلسطین و الحاق بلندی‌های جولان ستایش کرد پیش از برگزاری اجلاس مجمع عمومی نماینده دائمی بقیه در صفحه ۲۱

سریع در حال گسترش است، همچنین با اعلام جنگ رسمی رژیم‌هایی که در جنگ تحمیلی به حمایت فعال از رژیم صدام برخاسته‌اند، نه جمهوری اسلامی ایران توطئه هشتم امریالیسم امریکا وارد مرحله بسیار حساس و جدی می‌شود. علاوه بر نقش ارزنده و بزرگ ایران انقلابی در مبارزه با امریالیسم امریکا در منطقه‌ای چنین حیاتی، که وی را وادار می‌کند سرکوب انقلاب ایسران را مقدم برین هدف خود بشمار آورد، جلوگیری از گسترش همبستگی و اتحاد ملت‌های عرب و مبارزه با جنبش رهاشیش این ملت‌ها که منافع امریالیسم و رژیم صهیونیستی اسرائیل را تهدید می‌کند. امریالیسم امریکا را واداشته است تا با همدستی رژیم مزدور خود در منطقه خطر موهومی را که تنها از جانب ایران این کشورها را تهدید می‌کند جانشین خطر واقعی صهیونیسم و امریالیسم نماید. با بدین طریق خلقهای منطقه را از مبارزه با دشمن اصلی منحرف ساختند و با دادن زین به تاسونالیم ارتجاعی، آتش جنگ میان ملت‌ها را وسیله رژیم‌های مترشح غلغور سازد.

حجت‌الاسلام رفسنجایی حوسخخانه بر این امر تأکید کرده است که "امریکایی‌ها تمایل دارند این جنگ ادامه پیدا کند ضم به دلیل تضعیف در کشور اسلامی و هم به دلیل مسائل اقتصادی و سیاسی و هم به دلیل راحت گذاشتن اسرائیل هم به دلیل فروش تسلیحات و هم به دلیل باج‌گرفتن از عراق آیت‌الله منتظری نیز طی اطلاعاتی هدف‌های امریکا را از گسترش جنگ در منطقه تضمین امنیت کامل برای اسرائیل و "خاموشی و یا تضعیف انقلاب عظیم مردم ایران دانست و افزود هدف اقدامات امریکا و رژیم‌های دست‌نشانده منطقه تأمین منافع امریکاست که در نتیجه انقلاب ایران و رشد جنبش‌های رهاشیش در منطقه به مخاطره افتاده و آسیب دیده است. آیت‌الله منتظری از نیروهای ترقیخواه اردن خواست که "توطئه گسترش جنگ تحمیلی امریکایی در منطقه را افشاء نمایند و با هر قدرتی از آن جلوگیری کنند." حجت‌الاسلام خامنه‌ای نیز در مصاحبه‌اش با مجله

چیزی نگفت، اما همه شواهد و قرائن حکایت از این دارد که امریالیسم امریکا در جنگ غلبه جمهوری اسلامی ایران کاملاً از موضع نفیبت نظامی رژیم ارتجاعی صدام و هرچه طولانی‌تر سردر جنگ حرکت می‌کند. و این گفته و این برگر که ما موعظت عراق را درک می‌کنیم بسیار گویا و روشن‌کننده است.

همزمان با مسافرت وزیر دفاع امریکا، عبدالله یسار دیرکل شورای همکاری خلیج فارس و مزدور امریکا اعلام کرد وزیر خارجه کشورهای عضو این پیمان در اجلاس عمومی خود در مورد قطع رابطه با ایران به بحث خواهند پرداخت.

بدین ترتیب می‌توان ملاحظه نمود که با مسافرت واین‌برگر به عربستان سعودی و عمان که اولی بدنیات امریکا سرکردگی تمام رژیم‌های مرتجع عرب را برعهده گرفته و در دومی با یگان‌های امریکایی نیروهای واکنش

پیروزی‌های اخیر رزمندگان ایران در جبهه‌های جنگ تحمیلی، مزدوران خود را به شرکت هرچه فعال‌تر در این جنگ تشویق نمود. رژیم امریکایی حسین‌اردنی که از آغاز جنگ تحمیلی بسا کمک‌های گوناگون از صدام پشتیبانی کرده است، اعلام نمود که ۳۵ هزار داوطلب اردنی را به جبهه‌های جنگ علیه ایران خواهد فرستاد و به دنبال آن رژیم عرب از اردن پشتیبانی نمود و اعلام کرد که او نیروهای را به کمک صدام خواهد فرستاد. مصر نیز از دوران سادات معدوم تاکنون هزاران نفر مزدور را به جبهه‌های جنگ صدام علیه ایران فرستاده است.

در جریان مسافرت واین‌برگر به ریاض طهایین رمضان معاون اول نخست‌وزیر عراق و رئیس ستاد ارتش این کشور با پیامی از صدام به دیدار وی شتافت اگرچه واین‌برگر در مورد این ملاقات

"گاسپار واین‌برگر" وزیر دفاع امریکا هفته گذشته از عربستان سعودی بازدید کرد در این دیدار واین‌برگر ضمن گفتگو با مقامات عربستان از جمله در دیدار با "سلطان بن عبدالعزیز" وزیر دفاع عربستان سعودی مجدداً تسلیح بیش از پیش عربستان سعودی و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را از جانب امریکا مورد تأکید قرار داد.

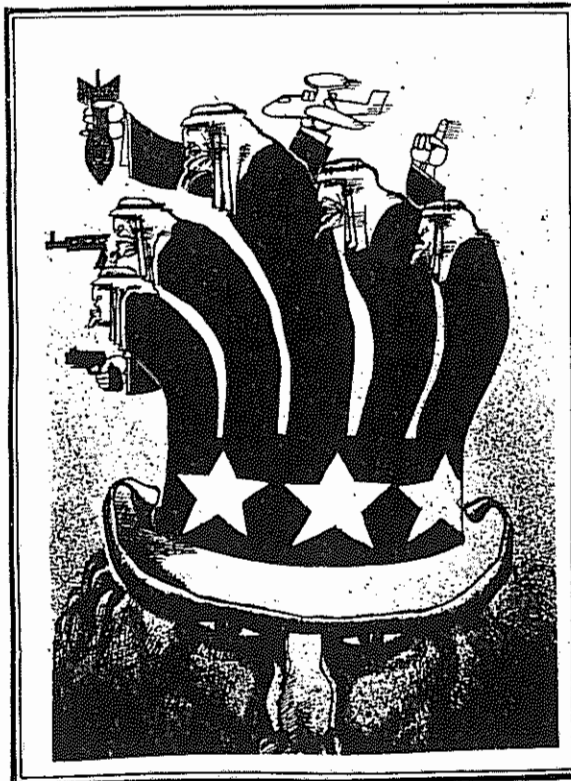
"واین‌برگر" هنگام عزیمت از ریاض در یک مصاحبه مطبوعاتی تشکیل کمیته مشترک نظامی امریکا و رژیم سعودی را اعلام کرد تشکیل چنین کمیته‌ای از مدت‌ها قبل در دستور کار امریالیسم امریکا قرار داشت و مقامات امریکایی اعلام تشکیل آن را روشن‌ترین حرکت عربستان سعودی تاکنون برای همکاری نظامی آشکار با امریکا دانسته‌اند.

در این دیدار همچنین امکان استفاده رژیم‌های دست‌نشانده خلیج‌فارس از اطلاعات آواکس‌های امریکایی مستقر در عربستان سعودی مورد تأکید قرار گرفت. در سال جاری امریالیسم امریکا ۱۴ میلیارد دلار اسلحه و سازوبرگ نظامی به عربستان تحویل خواهد داد. همزمان با ورود واین‌برگر به عربستان رادیو امریکا گفت:

"امریکا از پایگاه‌های خود در عمان به منظور مقابله با خطر انقلاب اسلامی در موقع مناسب استفاده خواهد کرد"

مسافرت وزیر دفاع امریکا به عربستان سعودی و وقایعی که در روزهای گذشته در منطقه اتفاق افتاده است. موبد این امر است که توطئه هشتم امریالیسم امریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران وارد مراحل جدی خود می‌شود.

امریالیسم امریکا که سیاست ادامه‌یافتن جنگ تحمیلی صدام علیه ایران را می‌پسندد، پس از



اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سومین سالگرد انقلاب

فرخنده باد سومین سالگرد انقلاب بزرگ ضد استبدادی ضدامپریالیستی و مردمی میهن عزیز ما ایران!

• در مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب متحد شویم!

هموطنان گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران سومین سالگرد انقلاب ضد استبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران را به شما، به امام خمینی رهبر انقلاب و شناکدار جمهوری اسلامی ایران و به همه نیروهای انقلابی صمانه شادباش می گوید.

هموطنان گرامی!

انقلاب شکوهمند ما در سومین سال حیات خود برای تحقق به شعار اصلی جمهوری اسلامی ایران استقلال آزادی و بغرنجی را از سرگذراند و به پیروزی های بزرگی نائل آمد.
" تجاوز امریکایی صدام، که با هدف پیروزی بری آمریکا در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، به قیمت ایثار و فداکاری کم نظیر مردم قهرمان میهن ما در حبشه و بیت جبیه، در اساس شکست خورد. رزمندگان دلیر میهن ما، از اسناد ارستنی و سیخ و نیروهای مردمی، با نثار جان خود سنگ در کار آمدند که سرزمین ایران عزیز ما را از وجود تجاوزگران صدامی پاک کند.

نوطه جنبه متحد ضد انقلاب به رهبری پنی صدر حائ و فراری برای روی کار آوردن دولت ساردووی مورد علاقه امریکا، یعنی مسخ انقلاب، به برکت آگاهی و استواری مردم ایران و همه نیروهای انقلابی و درایت و عاطفت رهبر انقلاب در هم شکست. مردم ایران و همه نیروهای انقلابی با غلبه بر خرابکاری حساس و کار شکنی ها و تحرکات لیب رالها، مانوشت های امریکایی، مانوشت های تازه سلمان و رهبری حائن سازمان مجاهدین خلق، توانستند این جنبه را در اساس از حاکمیت طرد کند و موقعیت بیروان صدیق خط امام خمینی را در حاکمیت بطور جدی تحکیم نمایند.
جنبه متحد ضد انقلاب با اتحاد ناکتیک ترور، که در اجرای آن ساواکی ها و سلطنت طلبان و " مجاهدین خلق" و " اقلیت" و " بیکار" و " نجبران" و نظایرشان شرکت داشتند، کوشید، تا با ایجاد محط رعب و وحشت، با دامن زدن به درگیری خونین میان نیروهای اصیل بیرو خط امام و گول خوردگانی که با نیت انقلابی به دام ضد انقلاب افتاده بودند، با از بین بین خصم های ساخته شده بیرو خط امام یعنی، حاکمیت جمهوری رژیم را نصیب کند، رعبه را برای مسخ انقلاب از دین فراهم نماید و رابرا برای سرکوب قهرامز انقلاب هموار سازد.

این نوطه نیز در اساس شکست خورد، ولی به جمهوری اسلامی نیز لطافت سختی وارد آمد. در جریان این نوطه از یک سو گروهی از دول برادران انقلابی و صدیق بیرو خط امام خمینی و از سوی دیگر گروهی از نیروهای جوانی که می توانستند در جنبه انقلاب باشند، نبودند، جوی پدید شد که در آن آزادی های دیکرناکتیک، به ویژه برای دیکراندیشان انقلابی و در درجه اول حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محدودتر گردید و تفرقه و نفاق میان نیروهای انقلابی شدت یافت، و همه اینها برد امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب سروردانی بود.
نبرد طبقاتی در سومین سال انقلاب شکوهمند ما، به ویژه در زمینه تحقق به شعار اصلی جمهوری اسلامی ایران: استقلال، آزادی و

عدالت اجتماعی روز به روز شدیدتر شد. در همان حال که مردم انقلابی زحمتکش و محروم ما و همه نیروهای راستین بیرو و پشتیبان خط امام خمینی صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، برای ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم در تمام شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تامین استقلال همه جانبه میهن ما، برای تامین و تضمین آزادی های فردی و اجتماعی، صرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و شرکت توده های میلیونی مردم زحمتکش و محروم ما در تعیین سرنوشت خویش، برای از بین بردن با گناه های امپریالیسم - کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی - و بهبود زندگی مادی و معنوی زحمتکشان و محرومان تلاش می کردند، تمام طبقات استثمارگر و غارتگر، تمام نیروهای ارتجاعی تمام پارامانگان رژیم سرنگون شده بهلوی تمام عقابل آشکار و پنهان امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی همه نیروی خود را بکار انداختند، تا از سر تکمیلی انقلاب در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی جلوگیری کنند.
با آنکه مردم و نیروهای انقلابی در شناخت دوسان و دشمنان انقلاب در داخل و خارج بیشتتر رفتند و برای تحقق شعارهای بی گانه بنیادی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مصمم تر شدند، ولی ساخته نیروهای ضد انقلابی در تحریک و اغلال و کار شکنی، به ویژه در زمینه جلوگیری از نایس و تضمین آزادی های فردی و اجتماعی و جلوگیری از تدوین و تصویب و اجرا قوانین انقلابی به سود زحمتکشان و محرومان موفق تر بودند.

هموطنان گرامی!

در آستانه چهارمین سال انقلاب شکوهمند ما راهی که برای تحقق همه جانبه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و به سخن دیگر، تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران، در برابر ما قرار دارد، همچنان راهی است دشوار، بغرنج و طولانی.
امپریالیسم امریکا، با کمک مستقیم و غیر مستقیم به رژیم جنایتکار صدام برای ادامه جنگ تجاوزکارانه علیه ایران انقلابی، با تقویت روز افزون نیروهای نظامی - دریایی خود، از جمله " نیروی واکنش سریع" در جامع تونس، در پای عمان و اقلانین هند، با تسلیح روز افزون پاکستان و برنده و تقویت پایگاه های فضا خلابیون فراری ایران در این دو کشور، با ایجاد و گسترش پایگاه های نظامی در کشورهای دست نشانده منطقه به سرهم بندی کردن سامان های " امنیتی" بین دولت های دست نشانده خود، در منطقه و ... تمام آن تدارکاتی را که برای یک اقدام تفرآمیز علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران لازم است، انجام می دهد.

همزمان و همراه با این مدارکات، نوطه های گوناگون برای تضعیف انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور نیز با شدت روز افزون ادامه دارد، تا ضربه نهایی فبرآمیز کاری تر باشد. از نفاق افکنی میان نیروهای انقلابی گرفته تا ایجاد پایگاه های مسلح ضد انقلابی در داخل کشور، از محدود تر کردن مرز میان دوسان و دشمنان انقلاب در داخل و خارج گرفته تا فشار اقتصادی و خرابکاری و کار شکنی در تمام دستگاه دولتی، از پنتاگون آوردن توده های مردم از راه احتکار و بالا بردن قیمت ها گرفته تا

تشدید ناراضی قشرهای گوناگون از دهها راه و با بهره گیری از انواع شگردها و ترفندها حتی از راه بهره گیری از برخی اقدامات افراطی به نام و زیر پوشش چتر شعار مذهبی، بدین سان روشن است که خطر امپریالیسم و ارتجاع جهانی و ضد انقلاب داخلی بسرگردگی امپریالیسم امریکا، باقی است، خدی است، فوری است.

هموطنان گرامی!

تجربه سه سالی که از انقلاب شکوهمند ما می گذرد، به روشنی نشان می دهد که برای مقابله با نوطه های براندازی امپریالیسم امریکا و متحدان و دست یاران داخلی و خارجی اش برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باید در برابر دشمنان انقلاب هشیار بود. آنها را دقیقاً شناخت و با قاطعیت با آنها روبرو شد باید دوستان انقلاب را دقیقاً شناخت، آنها را جلب و جذب کرد، از آنها کمک و یاری گرفت، باید برای تحقق آمواج های اصلی انقلاب: استقلال آزادی و عدالت اجتماعی گام های جدی عملی و موثر برداشت، و ضامن پیروزی در تمام این زمینه ها و جنبه ها تجهیز تمام نیروی خلق و اتحاد همه نیروهای انقلابی، طرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی است. راه دیگری وجود ندارد.

هموطنان گرامی!

توده های ما سراسر اتراند که در سال سوم انقلاب نیز، مانند دو سال قبیل از آن، همراه مردم قهرمان ایران، برای غلبه بر دشواری ها و بغرنجی ها، بری مقابله با دشمنان انقلاب، برای انفا، نوطه های براندازی امپریالیسم و ضد انقلاب برای تحقق آمواج های اصلی انقلاب و برای تجهیز خلق و اتحاد نیروهای انقلابی، هم نیروی خود را تا حد ایثار جان به کار برده اند.
توده های ما در سومین سالگرد انقلاب در برابر خلق قهرمان ما بار دیگر سمان می بندند که مانند همیشه با تمام توان و با ایثار هرچه دارند با تحمل همه دشواری ها و بغرنجی ها و محدودیت ها و نااطلیات و فادار به مشی اصولی و انقلابی حزب برافتخار خود و آگاه به وظائف سببی و انقلابی خویش، برای دفاع از انقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش آن مبارزه کنند.
حزب ما اعتقاد راسخ دارد که انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران، توان آن را دارد که به پیروزی قطعی و نهایی برسد.

جسودان یاد خاطره تابناک شهیدان راه انقلاب و دفاع از میهن انقلابی!

درد پرشور به رزمندگان دلیر جنبه و یشت جنبه!

برقرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی برای دفاع از انقلاب ایران و پیشبرد امر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

پیروزیاد انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی میهن عزیز ما ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۶۰

چهارمین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات :

« آقای وزیر کار »

به استناد کدام قانون

حکم به انحلال شوراهای داده‌اند؟

● به دعوت شورای مرکزی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی (خانه کارگر) چهارمین کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۴ و ۱۵ بهمن در تالار ۱۷ شهریور وزارت کار برگزار شد. این کنگره، بار دیگر عزم راسخ و اراده واحد کارگران انقلابی میهن‌مان را در دفاع از انقلاب و تلاش به خاطر تثبیت و گسترش دستاوردهای آن به نمایش گذاشت. نمایندگان شوراهای کارگری سراسر کشور عزم استوار خود را در شرکت هرچه موثرتر در جنگ میهنی علیه تجاوز امریکایی صدام، افزایش تولید به منظور درهم شکستن توطئه حصر اقتصادی امپریالیسم و بازسازی اقتصاد ملی، خنثی کردن توطئه‌های براندازی که از سوی جبهه متحد دشمنان انقلاب به سرکردگی امریکا سازمان داده می‌شود، و بالاخره پشتیبانی قاطع از حاکمیت انقلابی و انجام دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان، اعلام داشتند، که این همه در قطعنامه مصوب کنگره به روشنی بازتاب یافت.

اعتراض به توقف تشکیل شوراهای

از مهمترین جنبه‌های کار این کنگره، اعتراض نمایندگان کارگران به اقدام غیرقانونی وزارت کار در توقف تشکیل شوراهای اسلامی و انحلال شوراهایی بود که به اصطلاح قانونی نشده‌اند. نمایندگان شوراهای از آقای توکلی وزیر کار و امور اجتماعی پرسیدند که:

آنکه عناصر نفوذی (ضدانقلابی) هم در آنها پیدا می‌شود منحل کرد؟ این مثل آن می‌ماند که حزب جمهوری اسلامی و دولت را نیز به خاطر نفوذ عناصر غیر خرابکاری نظیر کلاهی‌ها و کشمیری‌ها، منحل کنند! توجه کنید که چگونه به هنگام توقف تشکیل شوراهای مطالب مختلفی عنوان شد: اول اشاره به کمبود نیرو کردند، بعد گفته شد که عملکرد شوراهای مورد بررسی است و بعد هم...

چرا موجودیت شوراهایی که توسط خود کارگران، به نفع سازمان‌های صنفی - انقلابی اصیل آنها، در جریان انقلاب و پس از آن تشکیل شده‌اند نفی می‌شود؟ آیا این دهن‌کجی آشکار به حقوق صنفی و شورایی کارگران به حق تشکیل صنفی مستقل و آزاد کارگران، به یکی از مهمترین گرانقدرترین دستاوردهای مردمی انقلاب و به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست؟

متأسفانه آقای وزیر کار که خود نیز در این کنگره حضور داشت و در ابتدای آن سخنرانی کرد، نه تنها به این "چرا"ها پاسخ روشنی نداد، بلکه با سخنان دوپهلوی، گنگ و توجیه‌گرانه پر اغتشاش و سردرگمی‌های موجود نیز افزود.

آقای توکلی: نظام شورایی نداریم کارگران: مشارکت در اداره تولید حق مسلم و قانونی ماست

آقای توکلی در خلال سخنان خود گفتند: " ما مسلمانان نظام

ولایتی را قبول داریم و نه نظام شورایی را. در اسلام نظام شورایی نداریم و ولایت را از آن خدا، پیامبران و امامان و در غیاب آنها از آن نایب امام می‌دانیم (اطلاعات - پنجشنبه ۱۵ بهمن ماه)

صنعتیان و از طریق نهاد قانونی شورایی صورت می‌گیرد نه تنها ناقض حقوق مدیریت انقلابی نبوده و نیست، بلکه مکمل ضرورت آن است. این امری بدیهی و روشن است که کارگران و سازمان‌های صنفی اصیل آنها نیز بدان واقفند و آقای توکلی هم خوب می‌دانند که منظور کارگران و شوراهای کارگری از مشارکت در اداره تولید "حکومت در کارخانه" و "نفی و براندازی مدیریت نیست. چه رسد به نفی ولایت فقیه. کار با این نحوه طرح موضوع خواسته‌اند در زیر پوشش دفاع از نظام ولایتی، مخالفت جدی خود را با حق مشارکت کارگران در اداره تولید که یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب برای طبقه کارگر ایران است، بپوشانند.

علاوه بر این، لازم به تاکید است که قبل از آنکه بحث بر سر نظام شورایی (و در اینجا مشارکت کارگران در اداره تولید) در میان بیفتد، بحث بر سر موجودیت شوراهای کارگری به مثابه تشکلهای صنفی - انقلابی اصیل کارگران است. سخنانی از این دست که ما در اسلام نظام شورایی نداریم "نه تنها نفی می‌تواند پایمال کردن حق مشارکت کارگران در اداره تولید یعنی نفی حقوق شورایی کارگران را توجیه کند، بلکه در عین حال و از آن فراتر، نمی‌تواند توجیه‌کننده تصمیمات آقای توکلی در امر نفی موجودیت و مشروعیت شوراهای کارگری باشد. آقای توکلی به این ترتیب هم حق تشکیل صنفی مستقل و آزاد کارگران و هم حقوق شورایی کارگران را زیر پا گذاشته و می‌گذارد. چرا باید هنوز، پس از گذشت سه سال از پیروزی انقلاب، وزیر کاری که به قول یکی از نمایندگان کنگره، "اصلاً درد کارگر را نمی‌فهمد و روحاً رنج کارگر را لمس نکرده است" با این زبان و اینجینان بی‌پروا با کارگران سخن گوید و حقوق مسلم و قانونی صنفی و شورایی آنان را آشکارا نقض کند؟

علیرغم آنکه آقای توکلی با تصمیمات ضد شورایی و ضد کارگری خود و با بیانات غیرمستولانه‌اش در کنگره، بی‌اعتقادی خود را به حق مشارکت کارگران در اداره تولید و تشکیل صنفی مستقل کارگران در شوراهای، نشان

داد، خوشبختانه کارگران انقلابی میهن ما به انگیزه پشوتانه درخشان مبارزات - ساله اخیر، با مبارزات انقلابی بیگیرانه علی - تصمیمات و مصوبات ضد کارگری و ضد شورایی همچنین با اعلام آشکار صریح اعتراضات اصولی خود در کنگره اخیر شوراهای اعتقاد راسخ خود را اهمیت و لزوم شکل مسدود و مستقل‌شان در سازمان‌ها اصل صنفی - انقلابی ابر داشتند و اراده واحد خود در حفظ، تحکیم و گسترش این تشکلهای صریحاً اعلا نمودند. نمایندگان کارگر بدستی شوراهای کارگر را وثیقه دفاع سازمان‌یاد و بیگیر از انقلاب و حاکمیت انقلابی خط امام و شرکت موثر در عرصه‌های سراسر ضد امپریالیستی و مردم - دانستند.

نمایندگان شوراهای - درستی بر ضرورت وحد هرچه گسترده‌تر شوراهای کارگری سراسر ایران، تاکید کردند و خواستار نام شرایط ضروری جهت تحقق اهداف انقلابی شدند. کنگره اخیر شوراهای کارگری یک بار دیگر به دادگاه صفا جسی صنف تشکلی سفلی و صنف طبقه کارگر می‌باید - گردآوردن این سه میلیون کارگران میهنمان در صف مترده‌های همه نیروی ابد قوه ایثار، بر انقلاب آگاهی سبک کارگران را دفاع از انقلاب و حاکمیت خط امام تجهیز کند، یا اجتماعی انقلاب و حاکمیت شورایی را در میان کارگر مستحکم‌تر سازد و آن ضامن مشارکت هرچه مو توده‌های کارگر در اند بزرگ صداسناده ضد امپریالیستی و مر: ایران قرار دهد. ما مسئولین طراز اول جنبه اسلامی به‌ویژه رئیس‌رجه حجت‌الاسلام خاصه‌ای رئیس‌مجلس شورای اسل حجت‌الاسلام رفسنجانی آقای موسوی رئیس دولت را به اهم مسائل مطروحه این کنگره منجمله و به مسئله مهم و حیاتی سربو شوراهای کارگری جلب می، و بار دیگر آقای توکلی کار را به در نظر گر مقتضیات جمهوری اسلام تجدیدنظر بنیادی پیرا تصمیمات و اقدامات ضد شورایی‌شان، ف می‌خوانیم.

اعضای شورای اسلامی ستای دُمروبا، واقع بخش احمدآباد مشهد یکی از فعالترین و رزترین شوراهای روستاهای همد می باشد اخیرا بر اثر تایت ارباب غاصب روستا حاجی محمود اصغری " سبط دادگاه جلب گردیده و دانی شده اند. " مهدی اربابی " ارباب ستای سورون از بخش ادگان مشهد که از طرف دگاه انقلاب مدتی قبل به سال زندان محکوم شده د ، به قید سند آزاد دید. این آزادی اثرات - و میدکننده ای بر روی ستائیان داشته است . به ته یکی از اهالی روستا: روستائیان جرات نمی کنند ترس ارباب و ایادی و وامل وی شبها به تنهایی ای سرکشی به زمین هایشان برون برونند. "

در روستای " عاشقون " قع در بخش نیادگان شهد ۲۰ هکتار از زمین های صبی " شاه رجب بیگ راسانی " ارباب روستا که سبط روستائیان روستاهای خین " عاشقون " و مرغزار " مصادره گردیده به زیر کشت رفته بود ، جدا از طرف شورای کشت ه ارباب واگذار گردیده است - حاجی فرشی از بزرگ سالکان تربت جام در وستاهای نیل آباد ، منصوریه قی آباد ، قلعه باغ سنگان وای کند خالو و محمودآباد صاحب اراضی وسیع و پاهبهای عمیق می باشد . باغ ی در نیل آباد که توسط حاجی عزت اخیرا اجاره شده ست تنها ۲ میلیون تومان در سال جاری از بابت فروش میوه درآمد داشته است و در نیل آباد ۵ حلقه چاه عمیق دارد که ۳ حلقه آن را به نام زن و فرزندانش کرده است .

روستائیان سیرزار در بخش رخ تربت حیدریه خواهان مصادره زمین های غصبی ارباب و نیز بازگشت اهالی مهاجر روستا هستند در این روستا که ۹۰۰ هکتار زمین مرغوب دارد قیلا ۳۱ خانوار سکونت داشته اند که بر اثر تهدید و ارعاب ارباب روستا (اسدجعفریان) و غصب املاک روستائیان تنها ۶ خانوار در روستا باقی ماندند. ارباب روستا تمام زمین ها را به اهالی روستای آبدارو که مجاور این روستا است فروخته است - از ۱۲۷۰ هکتار زمین

زمین روستا متعلق به احمد خزایی و علیرضا خزایی از مالکین غاصب منطقه است و ۱۲۰ خانوار جمعیت روستا هیچ مالکیتی ندارند و همگی برای ارباب کار می کنند. - در روستای نسر از بخش رخ تربت حیدریه حاجی شرکت و سایر فئودالهای منطقه ۴۰۰۰ هکتار زمین و ۳۰ حلقه چاه در اختیار دارند در صورتی که ۳۰۰ خرده مالک روستا جمعاً ۳۰۰۰ هکتار زمین و ۷

" عرب آباد " واقع در تربت حیدریه ، کلیه سکنه روستا بر اثر غصب املاک و زمین هایشان توسط حاجی شرکت و ظلم و ستم فراوان وی مجبور به ترک روستا شدند ، لازم به تذکر است که در حال حاضر فئودال نامبرده در این روستا ۲۴۰ هکتار زمین مرغوب ، ۵ حلقه چاه آب و ۷۲۰۰ گوسفند دارد. - در روستای داراب آباد در بخش رخ تربت حیدریه

فقط حاجی شرکت فئودال معروف منطقه ۲۴ حلقه چاه آب را به تملک خود در آورده است . ضرورت اجرای اصلاحات ارضی و بند " ج " و " د " آن وجدی بودن این امر حیاتی بخصوص با مطالعه ارقامی که در فوق به آنها اشاره کردیم هرچه بیشتر روشن می شود . مسئولین جمهوری اسلامی باید بطور جدی به این مسئله بسیار مهم و به جور و ستمی که به روستائیان اعمال می شود توجه کنند . بیش از این تاخیر به هیچوجه جایز نیست و عواقب ناگواری به همراه خواهد داشت . این در شرایطی است که روستائیان منطقه به دور از هرگونه خدمات رفاهی و عمرانی در روستاها با بدترین شرایط به زندگی مشغولند . تقریباً هیچیک از روستاهای منطقه غسلخانه ، آب آشامیدنی ، مدرسه و امکانات بهداشتی و درمانی ندارد . میزان زمین های متعلق به زحمتکشان روستایی بسیار ناچیز و در حد صفر است . اکثر آنها با شیوه های قرون وسطایی به کار بر روی زمین های ارباب اشتغال دارند ، مهاجرت روستائیان و ترک خانه و کاشانه شان به دلیل وضع بد معیشتی و فشارهای بیش از اندازه فئودالها بسیار زیاد است و کمآکان ادامه دارد . مسئولین امور باید بطور جدی به این امور رسیدگی کنند و به وضع روستاهای کشور سرو سامانی بخشند .

اجرای بند " ج " و " د " در راس خواست های روستائیان تربت جام است . در حال حاضر در حدود ۱۲۰۰۰۰ نفر در روستاهای شهرستان تربت جام که در شرق استان خراسان قرار دارد ساکن هستند ، علاوه بر ساکنان این روستاها در مجموع یکصد هزار نفر از افغانی های فراری نیز در منطقه مقیم شده و به انواع از قاچاق تا جنایت و دزدی مبادرت می ورزند . منطبقه تربت جام برای کشاورزی و دامداری بسیار مساعد است حدود ۶۱۰ حلقه چاه عمیق در این ناحیه وجود دارد که از نظر حفر چاه منطقه به حد اشباع رسیده است و دیگر

با اجرای بند ج و د بند از پای دهقانان زحمتکش باز کنید!

نمونه هایی از توطئه های رنگارنگ بزرگ مالکان خراسان

هر روز که تصویب بند " ج " و " د " به تاخیر می افتد ، یک ضربه بر بیکرانقلاب ما وارد می شود بزرگ مالکین امکان پیدا می کنند تا در آخرین روزهای زندگی شان رقم از روستائیان زحمتکش برگرفته و با غارت و چپاولگری بی حد و حصرشان دهقانان را به روز سیاه بنشانند و همه این جنایات را هم به حساب " حمایت " جمهوری اسلامی ایران از خود گذارند . به این وضع اسف بار و خطرناک پایان دهید .

تنها ۶ خانوار در روستا باقی ماندند. " باقرزاده " ارباب روستا برای گریز از قانون اصلاحات ارضی ۲ حلقه چاه خود را به نام پسر و دختر خردسال خود کرده است . - در روستای نصرت آباد میان رخ تربت حیدریه " ۴۰۰ هکتار زمین مرغوب متعلق به سه عمده مالک است (علیرزاده ها) و زمین های ناچیز دهقانان زحمتکش تماماً دیم زار می باشد ، سال قبل مردم روستا که از ظلم و ستم سالیان متدادی این بزرگ مالکان به تنگ آمده بودند ضمن درگیری با فئودالهای روستا و شکایت از آنها موفق شدند تا ۵۰ هکتار زمین را بین ۳۴ نفر آفتاب نشین تقسیم نمایند . ولی این میزان زمین ناچیز برای تامین زندگی روستائیان به هیچوجه کفاف نمی دهد ، روستائیان زحمتکش این روستا خواهان اجرای بند " ج " و " د " و تعیین تکلیف مالکین بزرگ روستا هستند . - در روستای احمدآباد خزائی کلیه ۲۱۰۰ هکتار حلقه چاه در اختیار دارند . - در روستای اسلام آباد خلیج در بخش بالا رخ تربت حیدریه ۲ بزرگ مالک منطقه " حاجی شرکت و حاجی معاون " ۴۷۰ هکتار زمین و ۷ حلقه چاه عمیق دارند ، ۱۴ خانوار خرده مالک جمعاً ۲۰۰ هکتار زمین دارند و ۱۴ خانوار دیگر اصلاً زمین ندارند . - روستای محمودآباد واقع در بالا رخ تربت حیدریه با ۷۶۰ هکتار زمین مرغوب و ۶ حلقه چاه عمیق که متعلق به حاجی شرکت ، ارباب غاصب منطقه می باشد ، هیچ سکنه ندارد ، روستا قیلا ۷۰ خانوار سکنه داشته که غصب زمین ها و املاک روستائیان زحمتکش و نیز ظلم و جور فراوان ارباب روستا باعث مهاجرت روستائیان گردید . - در روستای اربابسات

کلیه زمین های قابل کشت متعلق به فئودال معروف " داراب سہامی " است و روستائیان باقی مانده در روستا به هیچوجه زمین در اختیار ندارند . - حاجی شرکت فئودال معروف منطقه در روستای قنرآباد که قیلا ۱۷۰ خانوار در آن سکنی داشته اند و هم اکنون ۶۰ خانوار آن باقی مانده اند ، ۴۹۳ هکتار زمین ۴ حلقه چاه و ۷۰۰۰ رأس گوسفند و یک گاوداری مدرن با ۶۰ رأس گاو خارجی دارد . بطوری که نمونه های فوق نشان می دهد متأسفانه بعد از گذشت ۳ سال از انقلاب هنوز بیشتر روستاهای استان خراسان جولانگاه بزرگ مالکین و فئودالهاست . روز به روز بر اثر فشار بیش از اندازه آنها زحمتکشان روستایی به شهرها مهاجرت می کنند و به خیل بیگاران شهری می پیوندند این نمونه ها " مثنی نمونه خروار " هستند بزرگ مالکین در استان خراسان عمده منابع آب (چاه های عمیق) را در اختیار دارند

از صفحه ۸

اجازه حفر چاه داده نمی‌شود مالکیت عمده در منطقه، بزرگ مالکی است، بزرگ مالکان با حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق از یک سو باعث خشک شدن بسیاری از قنوات منطقه گردیده‌اند و از سوی دیگر روستائیان بیکار شده را در زمین‌های غمبی خود به کار گرفته‌اند.

هیئت‌هفت نفره در این منطقه کار چندانی انجام نداده است. هرگاه هم که درگیری و اختلافی بین زمینداران بزرگ و فتودالها و روستائیان ایجاد گردیده عملکرد قاطعی نداشته است. تشکیل مجتمع‌های دامداری و نیز ایجاد سدهای کوتاه می‌تواند کمک‌های شایانی به دامپروری و کشاورزی منطقه بنماید. ترویج دامداری سنتی و نیز جایگزین کردن تدریجی دامداری مدرن به جای آن ضروری است. مشکل کم‌آبی از مسائل بسیار مرم کشاورزی منطقه است. تامین آب زراعی و توزیع اصولی آشامیدنی از مسائل و مشکلات دهقانان زحمتکش روستاهای تربت جام می‌باشد عمده‌ترین خواست‌های روستائیان تربت جام به شرح زیر است:

الف - خلع ید از بزرگ مالکان زمین و چاه در منطقه و واگذاری آنها به دهقانانی که بر روی آنها کار می‌کنند روستائیان منطقه خواهان قاطعیت در اجرای بندج و "د" قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان هستند که با توسل به شیوه‌های مختلف از قبیل اعمال نفوذ در ادارات و ارگانها ارسال شکایات و نیز تنظیم اسناد مالکیت به نام اقوام و خویشاوندان خودشان سعی در جلوگیری از تقسیم املاکشان را دارند.

ب - کمک و همیاری دولت به روستائیان با سرو سامان بخشیدن به مساله آب و آبیاری و دادن وام، بذر، کود و دیگر امکانات، احیاء و بازسازی قنوات و ترمیم و گسترش شبکه راههای روستایی، بهداشت، مدرسه حمام، آب آشامیدنی و دیگر امکانات و خدمات از خواست‌های اساسی روستائیان می‌باشد.

بزرگ مالکین در غارت روستائیان همچنان آراند!

تایباد - در روستای

مشهدریزه واقع در ۲۵ کیلومتری شهرستان تایباد وضع توزیع مالکیت به صورت زیر است:

جمعیت روستا ۳۰۰۰ نفر بزرگ مالکان و خوانین که ۸٪ کل اهالی هستند بیش از ۸۰٪ زمین‌های مزروعی و مرغوب‌ترین آنها را در اختیار دارند این زمین‌ها قبلا از کشاورزان این روستا به زور گرفته شده است. ایادی آریاب‌ها که تعداد آنها انگشت‌شمار است ۱۰٪ زمین‌های مزروعی را در اختیار دارند. ۹۰٪ اهالی روستا مالک ۱۰٪ زمین‌های مزروعی روستا هستند. روستائیان که مخارج آنها به هیچوجه از زمین‌های تحت تسلک آنها تامین نمی‌گردد مجبورند برای ادامه زندگی برای مالکین بزرگ و روی زمین‌های آنها کار کنند. پس از خان‌ها، تجار بزرگ و توزیع کنندگان عمده بزرگترین غارتگران روستا می‌باشند. که با احتکارس مواد غذایی و گرانروشی بیش از حد به جاول روستائیان مشغولند. خان‌ها و تجار بزرگ به علت عقب ماندگی فرهنگی و

فقر مادی نفوذ زیادی در میان روستائیان دارند و همیشه علیه حاکمیت و ارگان‌های انقلابی سمپاشی می‌نمایند این تبلیغات خرابکارانه اخیرا افزایش یافته است. حدود هشت درصد اهالی به صورت فعلی برای کار به شهرها مهاجرت می‌کنند. امکانات بهداشتی روستا بسیار ناچیز است و تنها درمانگاه روستا یا تعطیل است و یا اکثرا در خدمت خوانین و تجار بزرگ می‌باشد آب آشامیدنی روستائیان عمدتا از آبیاری که دارای آبی کثیف و غیربهداشتی است تامین می‌گردد. با به پای سمپاشی‌های آریاب‌ها و تجار بزرگ ضدانقلاب و منافقانه دولت و ارگان‌های انقلاب نتوانسته‌اند در روستا کاری انجام بدهند. مردم روستا بر اثر تبلیغات ضدانقلابی ملاکین و تجار بزرگ نسبت به سیاه پاداران چندان خوشبین نیستند. هیئت‌های هفت نفره به علت نفوذ خان‌ها و کارشکنی‌هایشان تاکنون نتوانسته‌اند کاری انجام بدهند. هنوز اقدام جدی از سوی سباهای انقلابی به

سود روستائیان این منطقه صورت نگرفته تا اهالی این روستاها بدانند که سیاه، جهاد و هیئت‌های هفت نفره از خود مردم و در خدمت مردم هستند.

یک شرکت تعاونی که در انحصار فتودالها و تجار بزرگ است امر توزیع کالا و مواد غذایی را در دست دارد و توزیع کالا غیر عادلانه است خصوصا توزیع غیرعادلانه سوخت، اعتراض روستائیان را شدیداً به همراه دارد، با وجود همه مشکلات یادشده به دلیل نفوذ ملاکین بزرگ هنوز شورای اسلامی و یا هیچ نوع تشکیلی در روستا وجود نیامده است.

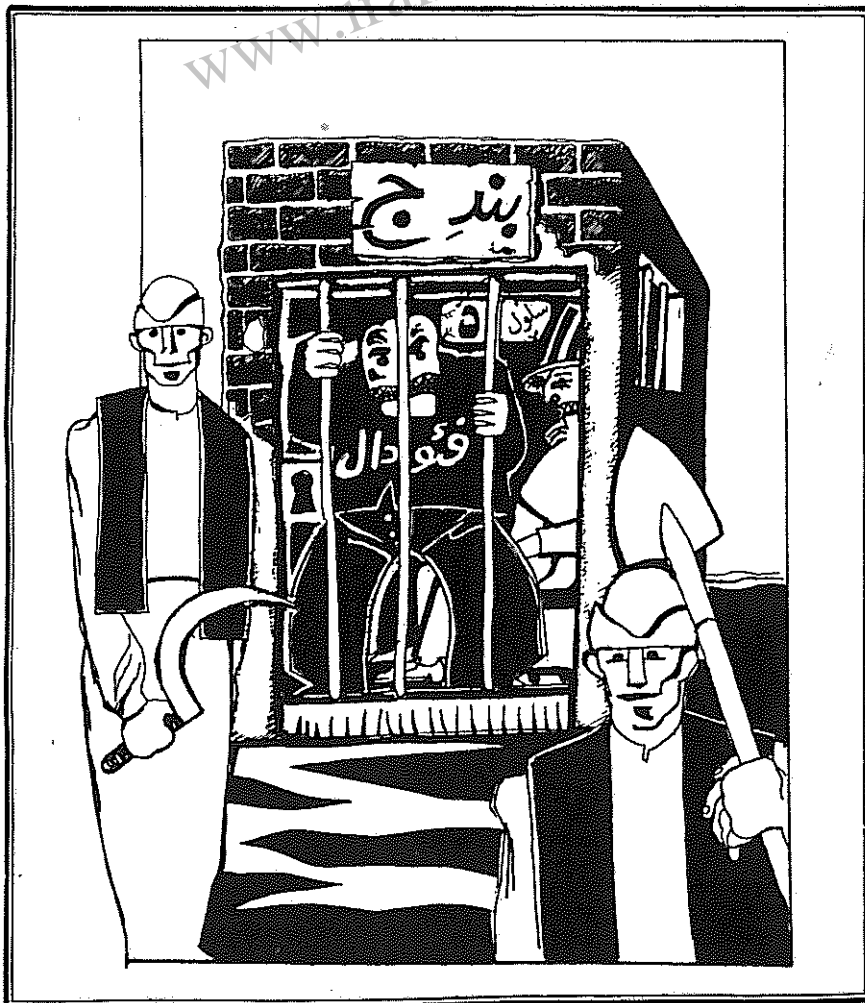
توطئه‌های ضدانقلابی بزرگ مالکین افزایش یافته است

تایباد - در روستاهای حینی و چهاربرج واقع در ۲۵ کیلومتری شهرستان تایباد سه تن از فتودالهای منطقه به نام‌های "حیدرخان اکبرخان و احمدخان" اکثر زمین‌ها و املاک روستا را در

نفس برآب می‌گردانند. فتودالهای فوق با سایر فتودالهای اسناد ایجاد عمل دارند یکی از سردمداران معروف آنها "سیداحمدخان" است که ماهیت انشاء سدهای دارد. مالکیت این فتودالها که جری کوچک از فتودالهای منطقه هستند به شرح زیر است:

- ۱ - حیدرخان اسکندری دارای چهار حلقه چاه و املاک زیادی در روستاهای حینی چهاربرج و مشهدریزه می‌باشد.
- ۲ - سیداحمدخان دارای ۲۵ حلقه چاه عمیق و املاک زیادی در روستاهای جوزتان و سوران می‌باشد.
- ۳ - احمدخان دارای ۲۵ حلقه چاه عمیق و املاک زیادی در مشهدریزه، چهاربرج و سوران می‌باشد.
- ۴ - اکبرخان دارای ۴ حلقه چاه عمیق و املاکی در روستاهای مشهدریزه و چهاربرج می‌باشد.

قابل توجه است که املاک فتودالهای مزبور شامل هزاران زمین مزروعی قابل کشت آبی است.



گسترش و پیشرفت اهداف انقلاب در روستاها را گسترش بخشید. با توجه به خطوط عمومی که پیرامون ایجاد تشکل‌های روستایی مطرح گردید، اینک به این مهم که در عرصه روستاهای مبین انقلابی مان کدام تشکل‌ها باید ایجاد شوند و چه مضامین و وظایف داشته باشند، خواهیم پرداخت.

با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، میزان پیشرفت انقلاب، وظایف آتی آن همچنین مطالبات و خواسته‌های روستائیان در حال حاضر می‌توان تشکل‌های زیر را در عرصه روستاها مورد نظر قرار داد:

الف - تشکل‌های حکومتی - خلقی (شوراها)

ب - تشکل‌های صنفی - سیاسی (اتحادیه‌های دهقانی)

ج - تشکل‌های تولیدی - مصرفی (تعاونی‌ها)

الف - شوراهای روستایی مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین تشکل‌های روستایی است. شوراهای روستایی از تشکل‌هایی است که در حال حاضر بطور عینی ایجاد و گسترش آن در دستور کار قرار دارد و زمینه‌های عینی برای تشکیل و تقویت همه‌جانبه آنها موجود است. سمت عمومی و جهت عمده فعالیت این شوراها که البته در بسیاری موارد باید راه‌راه درازی را بیامیاند تا مضمون واقعی خود را باز یابند، پاسخگویی به نیازهای عمومی توده‌های دهقانی است. این شوراها به یزانی با نهادهای انقلابی و ارگان‌های حکومتی ارتباط دارند و در حد معینی نیز نماینده توده‌های دهقانی روستاها هستند.

ب - شوراهای روستایی تشکل‌هایی هستند که مضمون حکومتی - خلقی آنها از تشکل‌های روستایی است. اگرچه ارگان منتخب اقشار خلقی است ولی با این حال باید عملاً از آنچنان حوزه عملکرد داشته باشد، امکانی و پشتیبانی مادی و معنوی جمهوری اسلامی برخوردار باشد تا به سلول حاکمیت جمهوری اسلامی نیز روستا نیز متصل گردد.

ج - تشکل‌های خلقی در عین حال تشکل‌های مصرفی است که جهت حفظ مابقی طبقات

موضوعیت و ضرورت وجودی خود را از دست می‌دهند و معمولاً پایه ایجاد تشکل‌های دیگری قرار می‌گیرند. به علاوه ایجاد تشکل‌ها را نمی‌توان به صورت الگویی و قالبی مورد نظر قرار داد. ممکن است میان آنچه که ما بطور اصولی و نظری و وظایف یک تشکل می‌دانیم با آنچه که آنها در عمل انجام می‌دهند فاصله‌های چند وجود داشته باشد و ویژگی‌های گوناگون مهر و نشان خود را بر تشکل‌ها خواهند کوبید و آنها را بعضاً متفاوت با آن چارچوبه نظری مورد قبول ما شکل خواهند داد، در این حالت نباید به‌گونه‌ای قالبی برخورد کرده و یکباره چنین تشکل‌هایی مردود شناخته شود، باید ویژگی‌های مبارزات دهقانی و تنوع آن از زوایای مختلف در نظر گرفته شود، باید سعی کرد آنها را در جهت مضامین و اشکال اصولی مورد نظر سوق داد و تلاش نمود که آن تشکل، مضمون واقعی خود را آنچه که گفته شد سمت داده شود. بطور مثال در حال حاضر شوراهای اسلامی روستاها اغلب آن وظایفی را که ما بر اساس تجربیات مشابه در سایر کشورهای انقلابی و بسته به اوضاع و احوال عمومی اجتماعی و خواسته‌های اقشار خلقی روستا برای آنها در نظر می‌گیریم، به عهده ندارند. در چنین حالتی باید در جهت دست‌یابی به مضمون واقعی این تشکل‌ها حرکت نمود و در جهت تقویت و گسترش آنها با مضامین واقعی براساس پیوند استوار با توده‌ها و ارتباط منطقی با حکومت کوشید و نباید این پیوندها را بخصوص در مکان‌هایی که به سختی شکل می‌گیرند از هم گسست، بلکه باید به‌گونه‌ای خلاق با آنها به سنت‌هایی که به حوی از آنها همیاری و تصمیم‌گیری جمعی را در خود دارند مضمونی نو و مطابق با روح زمان به آنها بخشید.

هر تشکلی باید بطور کلی دارای مضمون، وظایف و ترکیب طبقاتی مشخص باشد. این سه ویژگی، تشکل‌های مختلف را از یکدیگر جدا می‌کند و حد وجود هر یک را مشخص می‌سازد. اگر این سه ویژگی را از نظر می‌گیریم در واقع خطوط این تشکل‌ها را مشخص کرده و روند

تحولات قطعی تشکل‌های روستاها یکسان نیست. تشکل‌های بزرگ زمینداران با هرنوع تشکلی که به سود زحمتکشان ایجاد شود مخالفت می‌ورزند. با دهقانان مرفه با انجام برخی از خواسته‌ها موافقت در حالیکه نسبت به انجام برخی دیگر بی‌تفاوت و یا حتی مخالف‌اند. در عین حال اقشار خلقی روستایی ماهیتا خواهان انجام تحولات قطعی در عرصه روستاها هستند. این نیروها بالقوه خواهان متشکل شدن در سازمان‌های توده‌ای مستقل برای دست‌یابی به اهداف انقلابی خویش‌اند. ولذا هرگونه کوششی در جهت تشکل این نیروها باید مصروف تجمع و سازمان‌یابی آنها برای از بالقوه به بالفعل درآوردن این خواسته‌ها و مطالبات گردد. با این همه تنوع وظایف انقلابی در روستا و گستردگی اقشار خلقی به این مفهوم نیست که همه اقشار خلقی می‌خواهند و یا می‌توانند در جهت برآوردن کلیه این وظایف شرکت جویند به همین لحاظ است که در روستاها تشکل‌های گوناگونی ضرورت می‌یابد و طیف نیروهایی که در این تشکل‌ها شرکت می‌کنند متفاوتند. مثلا در شوراهای روستایی همه اقشار خلقی می‌توانند شرکت کنند و شرکت هم می‌کنند ولی در تعاونی‌های تولید عمومنا دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و متوسط الحال شرکت دارند یا اینکه اتحادیه‌های دهقانی از عناصر پهلرو و آگاه روستایی که برای پیشبرد خواسته‌های خود متحد می‌شوند تشکیل می‌گردند.

همچنین از آنجایی که انقلاب تاکنون در حال تغییر و تحول است وظایف آن نیز به میزان پویایی آن تغییر می‌کند، لذا در هر مرحله یک تشکل جنبه عمومی‌تری نسبت به دیگری می‌یابد یا حتی در مرحله‌ای یک تشکل موضوعیت خود را از دست می‌دهد و دیگر لزومی به وجود آن نیست. مثلا به هنگام اعتلای جنبش در انقلابات دمکراتیک مسئله مسیاداره اراضی بزرگ زمینداران و فئودالها در دستور کار قرار می‌گیرد و دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین با تشکل کینه‌های انقلابی خود به این امر می‌پردازند. این تشکل‌ها با پایان یافتن وظیفه خود جنبه مصرفی زمین‌های بزرگ‌مالکین

آگاهی درست نسبت به تنوع تشکل‌های دهقانی و مضمون، وظایف و ترکیب طبقاتی آنها یک امر مهم سازمانی - سیاسی است. درک روشن و درست، از این مسائل به ما در فعالیت‌های عملی - روزمره سیاسی و سازمانی مان از بین توده میلیون‌ها دهقانان یاری می‌رساند از اینروست که ما توجه همه رفق را به مطالعه دقیق این مطالب جلب می‌کنیم. آموزش دقیق این مطالب و بحث خلاق پیرامون آنها و نتیجه‌گیری عملی از آنها را در مورد اعضا و هواداران که در محیط روستایی زندگی و کار می‌کنند، یا با روستائیان در تماس مستقیم هستند، با تاکید بازم بیشتر توصیه می‌کنیم.

تشکل‌های روستایی مضمون، وظایف و ترکیب طبقاتی آنها

برای آنکه درایم ایجاد چه تشکل‌هایی در عرصه روستاها بطور عمده ضروری‌اند این تشکل‌ها چه وظایفی دارند و از چه طیف نیروهایی تشکیل می‌شوند، باید ابتدا روشن کنیم که انقلاب در عرصه روستاها کدامین وظایف را بر دوش دارد و چه نیروهایی فراخور موقعیت طبقاتی - اجتماعی خویش خواهان انجام این وظایفند. مسلماً به نسبت تنوع وظایف انقلاب در روستاها و متناسب با خواسته‌ها و گرایش‌های طبقاتی متفاوت - مواجه یا تنوع تشکل‌ها نیز هستیم. براین وظایف کیفیتا از یکدیگر متمایزند و نیروهای گرایش‌های طبقاتی متفاوتی است به آنها از خود صابیت نشان می‌دهند. بین وظایف حوزه بسیار سترده‌ای را دربر می‌گیرند که اهم آنها به شرح زیر است: صادیره و واگذاری اراضی بزرگ زمینداران و فئودالها. دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین لغا کامل باقیمانده‌های وایط فئودالی و نیمه فئودالی ا تجدید سازمان تولید در شاورزی از طریق ایجاد مابقی‌های تولید به منظور جلوگیری از خانه‌جرائی دهقانان زحمتکش و ایجاد

زمینه مناسب برای افزایش تولید و درآمد آنها با استفاده از شیوه‌های تولید در مقیاس بزرگ و مدرن، ارتقا سطح زندگی روستائیان و کم کردن فاصله بین شهر و ده از طریق نامین خدمات عمرانی بهداشتی، درمانی، آموزشی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها و سلف‌خران و نزول خواران از عرصه روستاها با ایجاد تعاونی‌های توزیع، مصرف و اعتبار، بسط و گسترش دمکراسی در عرصه روستاها برای شرکت‌دادن هرچه فعال‌تر روستائیان در کلیه امور تولیدی و رفاهی و کم کردن از حجم کارهای ارگان‌های دولتی و مبارزه با بوروکراسی.

بطوری که ملاحظه می‌شود این وظایف بسیار با اهمیت و اساسی و بسیار گسترده‌اند و حل آنها باید با دست برنامه‌ریزی شود و با تکیه بر نیروی عظیم توده‌های دهقانی و با مشارکت دادن آنها در امور و استفاده سازمان‌یافته از نیرو و توان و انرژی آنها صورت پذیرد. چون نیروهایی با مواضع طبقاتی گوناگونی در روستاها زندگی می‌کنند، لذا عکس‌العمل هر یک از این نیروها نسبت به انجام

حاکمه سازمان حکومتی خویش را بر مبنای بوروکراسی گسترده و ارتش قزاق می دهند بر توده های میلیونی خلق اتکا دارند ، اتکا به سر توده های خلق یگانه امکانی است که ضمن تامین و تضمین پیشبرد وظایف حکومت از گرفتار شدن آن به بوروکراسی بی معنی و دست و پاگیر و ائتلاف انرژی جلوگیری کرده و بر این اساس خواست های توده های میلیونی در تصمیمات مسئولین انعکاس می یابد . اتکا به توده ها و تامین واقعی خواست ها و نیازهای آنها همچنین ایجاد زمینه لازم برای دخالت فعال و همه جانبه آنها در پیشبرد برنامه ها با ایجاد شکل شورایی که عالی ترین شکل اعمال اراده توده ها و بسط دموکراسی در تمام ابعاد آن است ، امکان پذیر می گردد . در اصل یکصد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، تصریح شده است که :

" برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی ، اقتصادی ، عمرانی ، بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده ، بخش ، شهر ، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضاء آن را مردم همان محل انتخاب می کنند

این اصل قانون اساسی ناظر است بر بسط و گسترش حاکمیت انقلاب در کلیه مناطق و عرصه ها و از آن جمله در روستاها . تحقق این اصل زمینه عینی شرکت توده های روستایی را در حیات اجتماعی ، سیاسی مبین با تضمین می کند . علاوه بر این ، ایجاد شوراهای روستایی با مضمون حکومتی - خلقی بر روند عینی پیشرفت اجتماعی که پس از هر انقلاب ضد امپریالیستی - مردمی باید در پیش گرفته شود منطبق است . حاکمیت مردمی برای آنکه پایه های انقلاب را در عرصه روستاها هر چه بیشتر گسترش دهد ، برای آنگاه به دهقانان از هر نظر کمک کند تا به وسایل مختلف اجمع فلاکت بار سابقشان دست یابد ، برای آنکه جلوی ضد انقلاب در روستاها را بگیرد و برای آنکه امکان

باید تا به کمک توده های دهقانی تحولات اساسی در روستاها را جامه عمل پوشاند و . . . باید حضور خود را در روستاها گسترش دهد و این برخلاف آنچه که در رژیم های ضد خلقی انجام می پذیرد ، به مفهوم گسترش بوروکراسی نیست ، بلکه به مفهوم ایجاد و قانونیت بخشیدن به شوراهایی است که منتخب مردم و نماینده حکومتند . در شوراهای روستایی همه ساکنین روستاها جز ضد انقلابیون و ایادی آنها از دهقانان و پیشه وران گرفته تا معلم مدرسه می توانند شرکت داشته باشند . انتخاب شوند و انتخاب کنند . روستائیان در انتخاب اعضا شورا باید حداکثر تلاش خود را بنمایند تا نمایندگانی مومن و معتمد به انقلاب ، مورد اعتماد و کاردان را انتخاب نمایند . اعضا شورا باید برای سایر روستائیان نمونه ای از اعتماد و فعالیت باشند . آنها باید به عنوان اراده مردم عمل کنند . خواست های آنها را انعکاس دهند و مردم را در جریان کلیه امور محوله قرار دهد . وظایف شوراهای روستایی

بسیار متنوع و گسترده است . در واقع اگر قرار است که شوراهای روستایی به مثابه سلول های حاکمیت مردمی در روستاها عمل نمایند ، سلما وظایف آنها باید تمام مواردی را دربرگیرد که حکومت ، وظیفه انجام آنها را در روستاها به عهده دارد . بر سرمدن مشروح وظایف شوراهای روستایی هم از حوصله این مقاله خارج است و هم در شرایط کنونی ناممکن زیرا در عمل باید دید که شوراهای روستایی کدامین وظایف را می تواند در انطباق با مضمون عینی خویش به عهده داشته باشند با این حال بطور کلی می توان وظایف شوراهای روستایی را به دو دسته تقسیم نمود :

- ۱ - وظیفه ایجاد ارتباط بین توده دهقانان از یک سو و نهادهای انقلابی و ارگان های اجرایی و ادارات دولتی از سوی دیگر در جهت ارائه خدمات تولیدی و عمرانی و رفاهی به روستائیان
- ۲ - وظایف سیاسی - فرهنگی در جهت دفاع از دساوردهای انقلاب و ارتقاء سطح آگاهی توده دهقانان .

از زاویه همکاری در جهت ارائه خدمات تولیدی و رفاهی به روستائیان میتوان به موارد مهم و مشخص زیر اشاره نمود :

- بسیج نیروهای روستایی برای کمک به نهادهای انقلابی در جهت اجرای طرح های عمرانی روستایی .
- عمل کردن به عنوان مجرای رسمی برای انتقال نیازهای روستایی در جهت گسترش و هماهنگی برنامه ریزی اقتصادی
- عمل کردن به عنوان مجرای رسمی برای انتقال مشکلات دهقانی در جهت گسترش تعاونی های تولیدی ، توزیعی و مصرفی به ویژه در مراحل اولیه ایجاد آنها .
- جمع آوری وجوه و بسیج توده های دهقانی برای انجام کارهای عام المنفعه
- پارهای از اهم وظایف سیاسی - فرهنگی شوراهای روستایی را نیز می توان چنین بر سرمدن :

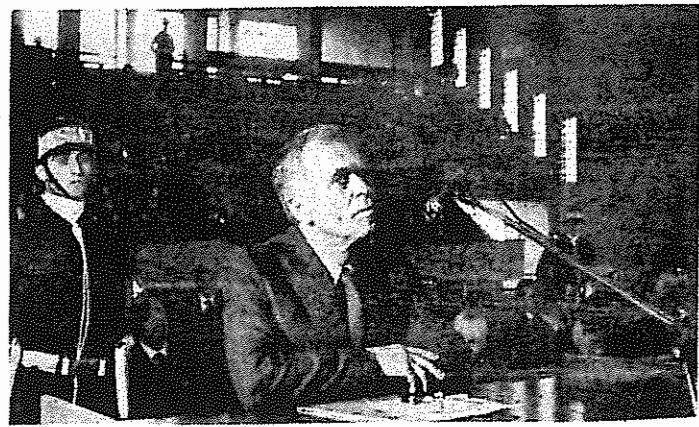
مستضعفان و ارتباط فعال آن .

- بسیج نیروهای روستایی جهت ساختن مدرسه ، کتابخانه ، مسجد و سایر مراکز فرهنگی و همکاری به نهادهای انقلابی در این جهت .
- حل اختلافات حاصل میان روستائیان و لازم الاجرا نمودن تصمیمات شورا در این موارد در حدودی که قانون آن را تعیین می کند .
- برخورد سنجیده و استناد از نفوذ مغوی و مردمی اعضای شورا و همکاری نزدیک با بزرگان و ریش سفیدان روستا .
- همکاری با نهادهای انقلابی در جهت از بین بردن بیسوادی .
- برقراری جلسات فیلد عکس و سخنرانی پیرامون مسائل انقلاب و آشنا ساختن توده های دهقانی به امپریالیسم ، عملکردها نقشه های آن و عوامل عناصر گوناگون و رنگارنگ داخلی آن .
- ایجاد شرایط لازم برای فعالیت احزاب ، سازمان هایی که بر طبق قانون اجازه فعالیت رسمی دارند .

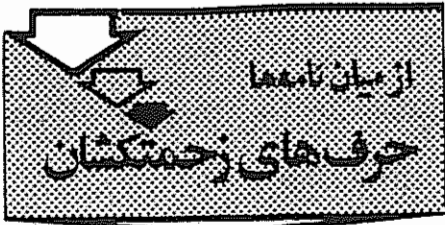
با کودتای ژنرالها در ترکیه برای استحکام هر چه بیشتر وابستگی به امپریالیسم آمریکا سرکوب آزادیخواهان و انقلابیون ترکیه گسترش وسیعی یافته است . ژنرالهای فاشیست ترکیه با بازگذاشتن دست گروه های تروریستی دست راستی در قتل عام و سرکوب نیروهای انقلابی با تمام توان خود به دستگیری و کشتار فعالین سندیکاهای کارگری پرداخته اند . عکس زینر عبدالله یاشی تورک دبیر کل کنفدراسیون سندیکاهای انقلابی ترکیه را در بیدادگاه های ژنرالهای فاشیست و آمریکایی ترکیه در تاریخ سوم بهمن ماه نشان می دهد .

این دادگاه ۲۰۰۰ تن از فعالین سندیکاهای کارگری را محاکمه می کند که عبدالله یاشی تورک یکی از ۵۲ متهم اصلی آنست . این کنفدراسیون کارگری یک میلیون عضو دارد ولی هرگونه حرکت اعتراضی کارگران به پشتیبانی از نمایندگان با وحشیانه ترین اشکال سرکوب می گردد . نظیر این دادگاه ها در سراسر ترکیه برپا شده است . ما به همراه تمامی نیروهای انقلابی جهان نفرت و انزجار خود را علیه رژیم ژنرالهای جنایتکار و فاشیست ترکیه اعلام می داریم .

کارگران در بیدادگاه های نظامی ترکیه



باید توجه داشته باشید آنچه که در بالا ذکر شد و هفتم همیشه شوراها است که سلما می باید متناسب با شرایط و اوضاع و احوال بصورتی متنوع و گسترده تر آنگاه به اختصار ذکر گردید انجام یابد . شوراهای روستایی همچنین در هر مقطع از انقلاب با برجست شدن یک یا چند مسئله ویژه می توانند در جهت انجام آن وظایف نیز کار ساز باشند . مثلا در هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی مردمی ، آنها می توانند با همکاری بسا هیات های هفت نفره در سرشماری دهقانان بی زمین و کم زمین تعیین عرف محل و شناسایی زمین های متعلق به بزرگ مالکان و سایر مسائل از این قبیل نقش با اهدیتی را به عهده بگیرند . و یا امروز که مبین ما درگیر جنگ تحمیلی علیه رژیم متجاوز صدام است ، شوراهای می توانند و باید همانطور که به اثبات رسانده اند ، نقش مسوئری در پشتیبانی از رزمندگان جبهه ها ، جمع آوری کمک های نقدی و جنسی روستائیان و همکاری با دولت در جهت آموزش و اعزام داوطلبان به جبهه ها داشته باشند .



نامه يك کارگر از قزوین :

وزیر کار در جمع کارگران

از چیزی که سخن نگفت مسائل کارگری بود!

می‌خواستم قدری درباره آقای توکلی که شب و روز به فکر ما "کارگران عزیز" است با شما وباهمه برادران زحمتکش صحبت کنم . روز دوازدهم بهمن ماه آقای توکلی وزیر کار و سخنگوی دولت برای بازدید از کارخانجات قزوین به این شهر آمد . وی در کارخانه‌های لوازم خانگی پارس و آسانسور سازی شنیدلر در جمع ۴۰۰ تا ۵۰۰ کارگر سخن گفت . کارگران که انتظار داشتند وزیر کارشان از دهها مساله مبرم کارگری سخن بگوید تنها چیزی که نشنیدند مسائل مربوط به کارگزاری و تولید بود . آقای توکلی تقریباً "در تمام طول سخنرانی خود سعی کرد به کشورهای سوسیالیستی حمله کند و با افتراوات و جعلیاتی که ساخته دشمنان طبقه کارگر است ، آذهان کارگران را تحت تاثیر قرار دهد . وی مطابق معمول از سفر خود به چند کشور سوسیالیستی از جمله "کشور سوسیالیستی سوئد" نام برد و به ناسزاگویی پرداخت . اغلب کارگران هاج و واج مانده بودند که این سخنان چه ربطی به مسائل آنان دارد ؟ کارگران انتظار داشتند که وزیر کار از "چگونگی برنامه ریزی برای افزایش تولید ، راه اندازی کارخانجاتی که به تعطیل کشیده شده‌اند یا در آستانه تعطیلی هستند ، از مبارزه برای قطع دست سرمایه داران و مدیران لیبرال و تقویت شررها و تدوین قوانین مترقی کارگری و لغو قوانین و مقررات طاغوتی ، جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و دهها مساله مبرم دیگر سخن بگوید . کارگران انتظار داشتند که سخنگوی دولت که قاعدتاً "باید سخنگوی دولت انقلابی باشد از مبارزه با دشمن اصلی آمریکا و اذتابش سخن بگوید و جنایات متجاوزین صدامی و توطئه‌هایی را که در منطقه در حال شکل گیری است افشاء کند . اما همه چیز گفته شد غیر از آن چیزهایی که باید گفته می شد ساعتی بد و بیراه گفتن و فحاشی به کشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقی ، این دوستان واقعی انقلاب ایران ، حاصل سخنرانی وزیر کار در جمع کارگران بود . آیا وزیر کار هیچ وظیفه‌ای برای خود جز "وظیفه" دشمنی با نیروهای مدافع انقلاب ، قائل نیست ؟

تصحیح

متأسفانه در تاپ پیام کمیته مرکزی سازمان به نسبت با لکرد انقلاب اشتباهاتی رخ داده است که بدین وسیله تصحیح می شود :

درست	سایات خارجی محتاج
تصحیحات جدی است	تصحیحات جدی است
محروریت‌های مردم	محروریت‌های مردم
کردستان	کردستان

همچنین در مقاله "عرصه‌ها و اشکال حرکت ضد انقلابی را بخناسیم" در اشاره به توطئه اعمال ثوراهای کارگری اشتباهاً "بجای اصل ۲۶ قانون اساسی اصل ۱۰۲ آمده است ."

برامون تشکیل اولین سمینار سراسری شوراهای اسلامی روستاهای سیستان

خوانین ، خوانین ! این آخرین پیام است کشاورز سیستانی آماده قیام است

آنگاه نماینده شورای روستایی سه‌کوه که سالها زیر ستم ظلم و ستم خوانین درباری چون ابراهیم خان پردلی بوده است با اشاره به مبارزات دهقانان روستای سه‌کوه اظهار داشت :

" ما مردم سه‌کوه ، خان بزرگ آنجا که چند سال نماینده بود را مثل موش از ده خودمان بیرون راندیم "

وی در مورد سد کوهک که به دلیل سیاست ضد مردمی رژیم گذشته به عنوان یک عامل کشاورزی سیستان را ویران کرده و چندین روستا را از سکنه خالی نمود گفت که مسئله سد کوهک که به خاطر منافع علم درست شده است باید بررسی گردد . در پایان سمینار قطعنامه شوراهای اسلامی روستا قرائت گردید که در بخشی از مفاد آن آمده است :

— ما کشاورزان و زحمتکشان سیستان از اقدامات انقلابی نهادهای انقلاب پشתיبانی تصدو و تا براندازی تمامی خان‌ها و سرمایه‌داران از پای نخواهیم نشست .

— ما دهقانان و کشاورزان محروم سیستان ضمن محکوم کردن شایعه پراکنی‌های خوانین مزدور و عوامل ستون پنجم دشمن خواستار تحقیق و رسیدگی به عمل خائنه و مجازات این عروسک‌های کوی آمریکا می‌باشیم !

— بند ج که حق قانونی کلیه کشاورزان می‌باشد مورد تأکید است و خواستار اجرای هرچه سریع‌تر این بند توسط ارگان‌های انقلابی می‌باشیم .

— ما ضمن قدردانی از زحمات شبانه‌روزی مجلس شورای اسلامی خواستار تصویب هرچه سریع‌تر اساسنامه شوراهای روستایی می‌باشیم .

— ما ضمن محکوم کردن تجاوزات صهیونیست جهانخواز پشתיبانی خود را از مواضع برحق کشور برادر سوریه اعلام می‌نمائیم .

گردهمایی به نحو جالب و روشنی توطئه‌های شیطان بزرگ آمریکا را یکایک برشمرد و از نقشه‌های فعلی آمریکا در جهت سزگونی جمهوری اسلامی ایران برده برداشت :

" نقشه دیگر آمریکا این است که بین ما تفرقه بیاندازد و مردم را از هم جدا کند شیعه و سنی را در مقابل هم قرار دهد پس ما باید بکوشیم هرچه بیشتر با هم متحد باشیم دست‌های یکدیگر را بفشاریم و به قول امام خمینی دوست کشور اگر همه دست به دست هم بدهیم تفرقه بین ما نباشد و در کارها به همدیگر کمک کرده و از انقلاب خودمان دفاع کنیم به قول امام آمریکا هیچ غلطي نمی‌تواند بکند "

در پایان وی از مسئولین خواست که :

۱ — شوراهای اسلامی روستاها باید قانونی شوند
 ۲ — حدود اختیارات شوراهای مشخص شود و برای این کار ضروری است اساسنامه شوراهای از جانب دولت تدوین و در مجلس تصویب گردد .

۳ — امکانات مالی به شوراهای داده شود .

۴ — سیاست مسئولین در رابطه با بازسازی شوراهای به تمام مناطق سیستان گسترش یابد .

سخنران بعدی که یکی از اعضای شورا بود در پشתיبانی از عملکرد جهاد چنین گفت :

" ما باید از جهاد سازندگی پشתיبانی کنیم چون جهاد به خاطر ما فعالیت می‌کند و حتی به خاطر ما جان خود را از دست می‌دهد . جهاد سازندگی به ما تراکتور می‌دهد نهرهای ما را لایروبی می‌کند زمین‌ها را از این بی‌خدایان می‌گیرد و به ما می‌دهد . پس ما باید از جهاد پشתיبانی کنیم "

بنابا به دعوت جهاد سازندگی اولین سمینار سراسری شوراهای اسلامی روستاهای سیستان با شرکت حدود ۱۰۰۰ نفر در تاریخ سیزدهم دی ۶۰ برگزار گردید . تشکیل این سمینار در تاریخ مبارزات دهقانان این منطقه رویدادی بی‌سابقه بوده است قبل از شروع سمینار ، روستائیان عضو شورا از محل خوابگاه جهاد سازندگی تا محل برگزاری سمینار با شعارهایی نظیر " سرگ بر آمریکا " ، و " خوانین خوانین ! این آخرین پیام است کشاورز سیستانی آماده قیام است "

تست به راهپیمایی زدند . در آغاز ، اطلاعیه شورای کشت در خصوص اهمیت برگزاری بین سمینار و هشدار به شوراهای اسلامی در شناخت خنثی نمودن توطئه‌های خوانین ، ضرورت کمک فعال دهقانان به هیات‌های هفت

فره در زمینه تقسیم اراضی برشمردن آن عواملی که در جام فعالیت‌های شورای شت کارشکنی می‌کنند قرائت دید . آنگاه مسئول کمیته هنگی جهاد سازندگی به راد سخنرانی پرداخت .

وی در بخشی از سخنان خود من توضیح ضرورت تشکیل شرها در آرزین بردن سلطه وانین و بقایای استبداد هتاشاهی وظایف شوراهای ان نمود . وی در ادامه خترانی خود به جنایات یانین اشاره کرد و در پایان بن برشمردن نقش آمریکا در نریک رژیم مرتجع صدام و یم‌های ارتجاعی منطقه به انقلاب ، مردم را به تاد و یگانگی دعوت نمود ظهار داشت .

" آمریکا می‌خواهد بین ما تفرقه بیاندازد شیعه و سنی راه بیاندازد شیعه را بر سنی برتری نیست اگر ما متحد باشیم دست دردست هم بدهیم می‌توانیم توطئه‌های آمریکا و خوانین را خنثی کنیم "

سپس یکی از اعضای شورا ن قدردانی از حرکت اد مبنی بر تشکیل این

ستون پنجم دشمن می خواهد در سیاست خارجی ما خرابکاری کند

تفاله های امریکا برای مرحوم نهان بر زخم عمیقی که انقلاب ما بر جان امپریالیسم امریکا نهاده است سازمان یافته اما مذبحخانه تلاش کردند " مرگ بر شوروی " را علم کنند .

در جریان برگزاری سومین سالگرد پیروزی انقلاب ، هنگامی که فریاد پرشکوه مرگ بر امریکا در سراسر مین انقلابی ما طنین افکنده بود ، و در میدان آزادی رزمندگان سیاه پاسداران ، بسیج مردمی و ارتش با مشت های گره کرده از روی پرچم سردسته جنایتکاران دوران ، امپریالیسم امریکا رژه می رفتند ، در گوشه و کنار ، عوامل دشمن با نفوذ در صفوف مردم ، ردیلا نه در تلاش بودند تا این شعار اساسی انقلاب را خاموش کنند . و به جای آن شعارهای ضدانقلابی را جایگزین آن سازند .

بسیاری از مردم در میدان آزادی و مسیرهای اصلی بارها مشاهده کردند که عده های اراد دل و اوباش جوان هایی را که پرچم امریکا را آتش می زدند و یا مترسک های امریکا و صدام را به معرض نمایش گذاشته بودند ، مورد ضرب و شتم قرار دادند ! و در هنگام انجام این عمل ضدانقلابی مرتب فریاد می کشیدند مرگ بر شوروی مرگ بر توده های ! مرگ بر اکثریتی !

علیرغم اینکه بارها و بارها از بلندگو تذکر داده شد که هیچ کس خودسرانه حق شعار دادن ندارد و تنها باید به شعارهای بلندگو پاسخ داده شود ، عوامل دشمن که در مقابل فریادهای مکرر مرگ بر امریکا عنان از کف داده بودند گاه و بیگاه فریاد مرگ بر شوروی سر می دادند ولی خیلی سریع صدای کره آنها در فضای عطر آگین شعارهای مردمی خفه می شد . در جریان مراسمی که در تالار وحدت با شرکت مهمانان خارجی شرکت کننده در جشن های انقلاب برگزار شده بود نیز ، بار دیگر همین دسته معلوم الحال با وقاحت تمام شعار مرگ بر شوروی سرداد که باعث اعتراض مهمانان شرکت کننده از شوروی گردید و آنها به انفاق تعدادی دیگر از مهمانان شرکت کننده از کشورهای دیگر با اعتراض تالار را ترک گفتند .

عوامل دشمن ، کسانی که به قول اسام خمینی شوروی را مطرح می کنند تا امریکا منسی شود ، کسانی که لگدکوب شدن پرچم امپریالیسم امریکارا چون لگدکوب شدن قلب خود

نظاره مگر بویگند ، برای نجات امریکا از زیر ضرب و مرحوم نهان بر زخم عمیقی که انقلاب ما بر جان امپریالیسم امریکا نهاده است ، در قسمتی از میدان ، پرچم اتحاد شوروی را نیز زیر پای رزمندگان بیسن کردند .

براستی هیچ چیز از این تاسف آورتر نیست که در سومین بهار آزادی و پس از تجارب بسیار گرانمایی که انقلاب ایران در زمینه شناخت از دوستان و دشمنان بدست آورده است هنوز این امکان در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که عوامل دشمن می توانند در حتن سالگرد پیروزی انقلاب چنین صحنه هایی را بوجود آورند . حجت الاسلام رفسنجانی در پایان جلسه شورای عالی دفاع در مورد این مساله گفت :

" موضوع دیگری که در دستور بود خرابکاری های عوامل ستون پنجم در داخل کشور است که این روزها بچشم می خورد . به نظر می رسد که دشمنان ما در این چند روز دست به اعمال مودیانه های زده اند و می خواهند در سیاست خارجی ما که در حال شکل گرفتن است خرابکاری کنند مثلا به سفیر آلمان غربی حمله کرده بودند و یا مزاحم خانه سفیر ژنر شده بودند و یا در مراسم رژه به دو سه کشور همسایه ما یک نوع اهانت هایی کرده بودند و به پرچم شوروی ها یا به پاکستان که بعضی عوامل این کارها شناخته شده اند و ما از مسئولان خواستیم

که به شدت تعقیب کنند و بط کلی جلوی اینگونه حرکات ناصحیح را بگیرند "

اگر واقعا به این امر باور دار . که مسبب این قبیل اعمال ، نیروها ستون پنجم دشمن هستند آنگاه خود این مساله طرح خواهد شد چرا دامنه خرابکاری های این ستون پنجم چنین گسترده است . و بدو استثنا ، بر در تمام ارگان ها حکومتی جلوه هایی از آن بچشم می خورد . آیا زمان آن فرا رسیده است که بدون هراس از سیاست شانتازی که همین عوامل بدان داه می زنند قاطعانه در مقابل این عواه ایستادگی کرد و در خرابکار آن را قطع نمود . بدون شک انقلاب در این عرصه ها هنوز کارهای آنجا نشده فراوان دارد ولی با استناد سخنان حجت الاسلام رفسنجانی سایر مسئولین طراز اول جمهور اسلامی ایران که صادقانه از خود ضداپریالیستی و مردمی اسما خمینی در مقابل خرابکاری ها ستون پنجم دشمن دفاع می کنند از هم اکنون می توان امیدوار بو که سرانجام انقلاب ایران دوستان و متحدین واقعی خود را در سراسر جهان باز شناسد و از سیاست آنها و همکاری با آنها قاطعانه دفاع برخیزد . باید یکبار برای همیشه درک نمود ، کسانی که با بگیرترتیر مدافعان انقلاب ایران آگاهان دشمنی می کنند ، نمی توانند دوست انقلاب باشند که سرسخت ترسیر دشمنان آن هستند .

نوشته است ، تا بنواں به واقع بینی بیشتر انقلابی با امید و نیرومندی بیشتر و با اطمینان به پیروزی ، به مبارزه برای تثبیت و تحکیم و شکوفایی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ادامه داد .

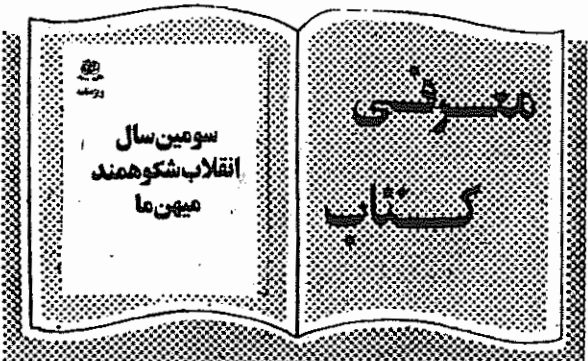
ما از حزب توده ایران که این ویژه نامه و به ویژه مقاله اصلی آن را انتشار داده است تجلیل می کنیم و بار دیگر از همه نیروهای راستین مدافع انقلاب ، به ویژه هواداران سازمان می خواهیم که با مطالعه دقیق مقاله رفیق کیانوری و همچنین سایر مقالات ویژه نامه حزب عرصه های گوناگون نبرد انقلاب و ضدانقلاب را در چهارمین سال انقلاب بیشتر بازشناسند و خود را در نبرد علیه دشمنان انقلابان و در رأس همه امپریالیسم امریکا بازم بیشتر مجهز سازند .

انقلاب برای دستیابی به سه هدف عمده انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی را تحلیل می کند . شرار از خوشبینی انقلابی است . نوظنه بزرگی که امپریالیسم سرکردگی امریکا در دست اجرا دارد ، همه جانبه بررسی شده دشواری های بزرگ انقلاب برشمرده شده . نیست به بقا ، برخیز آنها ایستاد نگرانی حدی شده ، ولی تحلیل ، چون علمی و شرار از روح زندگی است ، همراه با خوشبینی انقلابی و پایه خوشبینی انقلابی است .

ما با معرفی این نوشته آموزنده قصد ارائه فشرده آن را نداشته ایم . این کاری می بود نه مفید و نه ممکن . نوشته ، خود فشرده است . قصد ما از این معرفی ، ترغیب به مطالعه دقیق

دشواری ها و پرنجی ها و پیروزی های آن ، وظایف آن . این نوشته گرچه به بررسی سومین سال انقلاب ، یعنی بهترین و دشوارترین سال زندگی انقلاب " و در عین حال سال " گسترش چشمگیر انقلاب در عمده ترین سمت گیری های آن " اختصاص یافته ، ولی در عین حال خواننده را به کل جریان انقلاب در سه سال گذشته آشنا می سازد ، و مهمتر از آن ، دیدگاهی را که بر پایه آن بنواں جریان انقلاب راه روشنی و بدرستی دید ، در اختیار خواننده قرار داده است . نوصیه ما به همه اعضا و همه هواداران سازمان و حزب و نیز به همه انقلابیون راستین ، قطع نظر از اعتقادات مسلکی و سیاسی و مذهبی آنها ، این است که این نوشته را با دقتی درخور مطالعه کنند .

مجموعه نوشته رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ، که جریان مبارزات انقلابی در سومین سال



اخیرا حزب توده ایران ویژه نامه ای به مناسبت سومین سالگرد انقلاب شکوهمند میهن ما تحت همین عنوان انتشار داده است . حزب در این مجموعه عرصه های مختلف نبرد انقلابی که در سال سوم انقلاب و در لحظه گزینی جریان داشتند و دارد را برشکافته است . مقاله اصلی این ویژه نامه - مقابله های است به قلم رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران -

این مقاله بررسی علمی دقیقی است از اهمیت انقلاب ضد استبدادی دماپریالیستی و مردمی ایران در مقیاس منطقه ای و جهانی ، محتوا و هدف های آن ، نقش رهبری قاطع و سازش ناپذیر اسام خمینی در آن ، نیروهای خارجی و داخلی دشمن و دوست آن ،



صفحاتی از تاریخ جنبش کارگری ایران (۱)

فرآیند تکوین طبقه کارگر، پیدایش سندیکاها و اتحادیه‌ها و گسترش جنبش کارگری ایران بخش مهم و آتیه ساز تاریخ تکامل جامعه ما بطور کلی، نهضت‌رهای بخش ملی و ضدامپریالیستی بویژه، در صدسال اخیر است.

در جامعه شناسی علمی معاصر بطور کلی به هرکسی که کاری انجام می‌دهد، کارگر گفته نمی‌شود. بلکه طبقه کارگر به طبقه محروم از وسایل تولید گفته می‌شود که جز فروش نیروی کار خود، چون کالایی در بازار، وسیله دیگری برای زندگی ندارد. از نظر تاریخی، این طبقه از درون زحمتکشان شهر و روستای جامعه اریاب-رعیتی (پیشه‌وران، اصناف، کسبه، دهقانان و دیگر زحمتکشان) می‌روید. از لحاظ کمی و کیفی رشد می‌کند، شکل می‌گیرد، با شناخت علمی از منافع مادی و معنوی خویش، درک وحدت طبقاتی و همبستگی بین‌المللی خود، به نیروی‌رهای بخش جامعه از هرگونه استثمار و استکبار، ستم اجتماعی و ظلم ملی مبدل می‌شود. بدین ترتیب، تاریخ طبقه کارگر ایران نیز، مانند دیگر کشورها، در دوراستای بنیادین عمده پیش می‌رود. در راستای عینی رویش از درون زحمتکشان نظام اجتماعی کهنه (فتودالی)، پیدایش اتحادیه‌ها (سندیکاها) و گسترش جنبش کارگری، و در راستای ذهنی، آشنایی با جهان بینی علمی انقلابی معاصر، با سوسیالیسم علمی، و پیوند جنبش با این جهان بینی. چنین فرآیند تاریخی در ایران، در دوران گذار از مناسبات اجتماعی کهنه و منحط‌اریاب - رعیتی به مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری، یعنی در نیمه دوم قرن ۱۳ هجری آغاز شده، بطور کلی دوره‌های اساسی زیر را طی کرده است:

دوره تکوین طبقه کارگر و پیدایش نخستین نطفه‌های اتحادیه‌های کارگری که تا پایان جنگ جهانی اول (۱۳۹۳ - ۱۳۹۷)، اوج جنبش‌های‌رهای بخش ملی و ضدامپریالیستی در گیلان، آذربایجان و خراسان (۱۳۹۶ - ۱۳۰۰) و تشکیل حزب کمونیست ایران ادامه داشته است.

دوره پس از جنگ جهانی اول، یعنی دوره تشکیل و فعالیت حزب کمونیست ایران، (آخر خرداد - اوایل تیر ۱۳۹۹)، تشکیل اتحادیه‌های کارگری و گسترش جنبش سندیکایی که تا جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸ - ۱۳۲۴) ادامه می‌یابد.

دوره معاصر، که دوره تشکیل و فعالیت حزب توده ایران (۱۰ مهر ۱۳۲۰) و اوج نوین جنبش کارگری است، که از سقوط دیکتاتوری رضا شاه تا کنون ادامه دارد و با انقلاب ضداستبدادی و ضدامپریالیستی و مردمی میهنان شکوهی تازه یافته است.

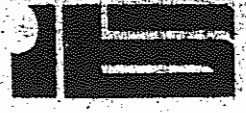
کار، ارگان سراسری سازمان فدائییان خلق ایران (اکثریت) اکنون خرسند است که دقیق‌ترین و آخرین جمع‌بندی علمی را، هرچند به اختصار در این زمینه منتشر می‌سازد. تا در راه زود شدن تحریف‌هایی که از سوی امپریالیست‌ها و متحدان آنان - وهم چنین از سوی نمایندگان بورژوازی ملی و خرده‌بورژوازی در تاریخ جنبش کارگری ایران صورت گرفته است گام بلند تازه‌ای به پیش بردارد.

سلسله مقالاتی که از این شماره زیر عنوان "صفحاتی از تاریخ جنبش کارگری ایران" در کار درج می‌گردد، به همه نیروهای جوان انقلابی صدیق کمک می‌کند که سموم سیاسی ساخته چپ امریکایی را از اذهان خود بزایند و با شناخت تحریقات مائوئیست‌های آشکار و شرمگین، که با مسخ واقعیات جنبش کارگری چه آشکار و چه در عمل به امریکا و دیگر دشمنان طبقه کارگر خدمت می‌کنند، بیش از پیش در خدمت تحکیم انقلاب شکوهمند مردم ما قرار گیرند.

ما مطالعه جدی این سلسله مقالات را به همه نیروهای انقلابی ایران، به ویژه به فعالین و هواداران صدیق جنبش کارگری توصیه می‌کنیم.

کار مزدی (مزدوری) در روستاها، محدودیت اقتصاد جنسی (طبیعی) و گسترش اقتصاد روستایی تجارتنی؛ سرنوشت صنایع پیشرو، کارگاه‌های دستی (مانوفاکتور) و پیدایش صنایع جدید ماشینی (کارخانه)، ورشکستگی پیشه‌وران، اصناف، کسبه و دیگر زحمتکشان، جدایی آنها از وسایل تولید و تبدیل نیروی کار به کالا، مرکز وسایل تولید در دست عده قلیل و گسترش کار مزدی (مزدوری) در شهر و روستا - همه و همه تحت تاثیر نیرومند سرمایه انحصاری خارجی قرار می‌گرفت. نتیجه تنها بازرگانی خارجی، بلکه سمت فعالیت بازار واحد داخلی، که تشکیل آن از نشانه‌های مهم گسترش مناسبات سرمایه‌داری در کشور است. بیش از پیش وابسته به تقاضای بازار جهانی سرمایه‌داری می‌شد. سرمایه تجارتنی، و بالتبع سرمایه‌داری دلال (کمبرادور) بیشتر از سرمایه صنعتی رشد می‌کرد. ضعف سرمایه صنعتی، نداشتن منابع پر توان جهت انباشت اولیه، عدم قدرت رقابت با سرمایه انحصاری خارجی، سبب شکستی هرچه بیشتر این سرمایه با سرمایه تجارتنی از یکسو و با زمینداری (سرمایه کشاورزی) از سوی دیگر می‌شد. رشته‌هایی از کشاورزی، دامداری و صنایع (شبه مواد خام و کالای نیم ساخته) رشد می‌کرد، که فرآورده‌هایشان برای انحصارهای امپریالیستی لازم بود. از بزرگترین تجار این دوره می‌توان از خانواده حاج امین‌الضرب (محمد حسن، متوفی در سال ۱۲۷۵ و پسرش محمد حسین)، نام برد. ثروت این خانواده، طبق اسنادیکه از آن زمان در دست است، بالغ بر ۲۵ میلیون تومان بود. (۲) این خانواده بازرگان در عین حال دارای مستغلات فراوان بود، به ایجاد موسسات صنعتی

شرایط تاریخی: مراحل اولیه تکوین طبقه کارگر ایران مصادف با دورانی می‌شود که، سرمایه‌داری رشد یافته (اروپای غربی، امریکا و ژاپن) رفته رفته به آخرین مرحله خود، امپریالیسم، قدم می‌گذاشت. تیرکز تولید و سرمایه، سبب پیدایش و گسترش انحصارها به مقیاس جهانی می‌شد. پیوند سرمایه صنعتی با سرمایه مالی و توسعه بانکداری، حاکمیت گروه کوچکی از بزرگین صاحبان سرمایه مالی (الیت‌گارش مالی) را بوجود می‌آورد. صدور سرمایه در بی‌حدود کالا، وسیله تازه‌ای برای تکمیل غارت کشورهای مستعمره و وابسته می‌شد. سیاست استعماری کهنه جنبه نوین امپریالیستی به خود می‌گرفت. نبرد بر سر تقسیم جهان بین قدرت‌های امپریالیستی به پایان می‌رسید و جنگ بزرگ جدید تقسیم جهان (جنگ اول جهانی نمونه بارز آن بود) آغاز می‌شد. تاثیر شدید و متضاد این روند فزاینده جهانی، گسترش مناسبات تولید سرمایه‌داری در ایران (و کشورهای نظیر) را از مسیر "عادی" تاریخی منحرف می‌کرد. اگر در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری انباشت اولیه سرمایه، که شرط اصلی شکل نظام سرمایه‌داری است، از راه غارت و خشنابنه مستعمرات و نیمه مستعمرات صورت می‌گرفت (۱)، ایران خود به یکی از این نوع منابع چپاول امپریالیسم و انباشت بیش از حد سرمایه انحصاری خارجی بدل می‌شد. همه اجزای اصلی روند رویش و گسترش مناسبات اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری در ایران، توسعه روابط پولی (کالا پول) در شهرها و نفوذ هرچه بیشتر آن در روستاها، خرده‌فروشی از سوی اشخاص زمین به موضوع خرید و فروش)، بی‌زمین شدن دهقانان کم‌زمین و گسترش



از صفحه ۱۴

می پرداخت. و به امر بانکداری هم مشغول بود. (نماینده گانی در لندن، پاریس، مارسل، مسکو، نیزنی نوکوزود چین و دیگر شهرهای اروپا، آسیا و آمریکا داشت). حاج محمداسماعیل مغازه های در عین حال تاجر بزرگ، بانکداری بانفوذ و صاحب موسسات صنعتی بود. و یسا حاج آقا محمد عین التاج، که تنها اموال غیر منقولش (در حوالی اهواز و سواحل خلیج فارس) به میلیونها تومان بالغ می شد. در عین حال صاحب بزرگترین سرمایه در جنوب، دارنده موسسات صنعتی، استخراج کننده معادن آهنی و تاجری بود با شبکه گسترده بازرگانی از هندوستان تا انگلستان. . . .

مؤلف کتابی درباره "محمدعلیشاه، شمال ایران، جنبش خلق در کشور شیروخوزشید" (الکساندر رویل، ۱۹۰۹) می نویسد: "بیساری از مالکان دهات در مدتی بس کوتاه تقریباً همه ثروت کشور را تصاحب کردند و از بزرگترین سرمایه داران شدند. تا سال ۱۸۸۰ (۱۲۵۹) مالکان و ثروتمندان میلیون در ایران اندک بود. اما در سال ۱۹۰۰ (۱۲۷۹) شماره آنها به صدها رسیده بود. خلاصه آنکه، پیدایش و گسترش مناسبات سرمایه داری و شکل گرفتن بورژوازی در ایران در شرایطی به صورتی "غیرعادی"، یعنی تحت فشار نیرومند سرمایه انحصاری خارجی (ونه مانند کشورهای پیشرفته سرمایه داری با اعمال فشار به خارج و غارت مستعمرات)، به نحوی یک جانبه (تنها صنایع تهیه مواد خام و نیمه ساخته های معدنی که برای انحصارات امپریالیستی لازم بود)، معیوب (اغلب حتی نیازمندیهای بازار داخلی نیز از خارج وارد می شد) و به کندی پیش می رفت. نتیجه کلی این روند عینی تاریخی برای مینم ما ایران، دوره گذار بسیار طولانی، تدریجی و پرشفت از مناسبات اجتماعی - اقتصادی پیش از سرمایه داری به نظام سرمایه داری بود، گذاری که با وجود تکان های انقلابی چند (از قیام تنباکو، انقلاب مشروطیت، جنبش های رهایی بخش ملی و ضد امپریالیستی در گیلان، آذربایجان و خراسان و غیره) تا پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همچنان ادامه یافت. بورژوازی نورسته ایران از همان اوان، به همراه طبقه کارگر، رودرروی دو نیروی عمده اجتماعی قرار گرفت. مناسبات کهنه و کهنسال (قریب ۱۵ قرن) استثماراری ارباب - رعیتی، که سلطنت مطلقه نماینده سیاسی آن بود. و سرمایه انحصاری غارتگر خارجی، که استثمار خونخوار امپریالیستی نماینده سیاسی آن بود.

طبقه کارگر ایران حدود یک سده پیش، در شرایط مبارزه با سرمایه داری نورسته علیه دو نیروی اجتماعی، خودکامگی فئودالی و سلطه فزاینده امپریالیسم، بوجود آمده و رشد می کند. نخستین کام های که حدود صد و پنجاه سال پیش جهت گسترش مناسبات سرمایه داری در ایران برداشته شده بود. نتایج موتری به بار نیاورد. اقداماتی به ابتکار میرزا تقی خان امیرکبیر برای توسعه صنایع ملی و تاسیس کارخانجات جدید معمول گردید، که در مقابل رقابت کالاهای خارجی چندان نتیجه نداد. از کارخانه نخ ریزی تهران، که در آن برای نخستین بار در ایران از ماشین بخار استفاده می شد، کارخانجات قند در ساری و بارفروش، کارخانجات بلورسازی و چینی سازی در تهران، قم و اصفهان. . . تا کارخانجات چدن ریزی، آهن سازی، تفنگ سازی و فشنگ سازی، اکثراً پس از مدت کوتاهی از کار افتادند. . .

لیکن حدود ۳ - ۴ دهه بعد، با موج دیگری از رشد صنایع پیشه وری و احداث کارخانجات جدید روبرو می شویم که دوام پیدا می کند، و گرچه با نوساناتی، ولی رویه پرفته پیش می رود. . .

بطوریکه معلوم است، صنایع (پیشه وری) خانگی بخش ضروری اقتصاد جنسی است. صنایع خانگی روستایی چنان صناعی است که فقط مواد خامی را که دهقان در اقتصاد خود بدست آورده است، به عمل می آورد. گرچه این صنایع (ریسندگی، بافندگی و غیره) بطور کلی بسرای رفع نیازهای خانواده دهقان است، ولی همینکه این دهقان با بازار تماس پیدا می کند (حتی همان بازارهای بسیار کوچک موقتی - هفته ای یکروز - در مناطق روستایی) به تدریج شروع به تولید محصول برای بازاری می کند، یعنی روستایی به تولیدکننده کالا مبدل می شود. دیگر جوراب، گیوه، پارچه، کونی، جوال، مفرش، پالاس، گلیم. . . تا قالیچه و قالی که بافته می شود تنها برای مصرف داخلی نیست، برای معامله در بازار است. البته این هنوز صنایع سرمایه داری نیست، ولی راه را به سوی آن باز می کند. اسنادی که در دست است نشان می دهد که در دوره ای که از آن صحبت می کنیم، بعضی از صنایع پیشه وری، از جمله قالی بافی، به مراحل اولیه مناسبات سرمایه داری قدم می گذارد. مثلاً "کرزن در کتاب "ایران و ساله ایران" می نویسد. "در ۱۵۰ روستای سلطان آباد (اراک) تقریباً ۵ هزار دستگاه قالی بافی وجود داشت که حدود ۱۰ هزار نفر روی آن کار می کردند. (چاپ لندن، ۱۸۹۲، جلد ۲، ص ۵۲۴) و یا مینورسکی در یکی از گزارش های مربوط به اوایل انقلاب مشروطیت اطلاع می دهد که، در

روستاهای اطراف یک شهر کردستان حدود ۵ هزار دستگاه قالی بافی به کار اشتغال داشته است. برای اینکه این منظره را تکمیل کرده باشیم، به نقل قولی از کتاب "ایران در زمان ناصرالدین شاه از ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۷" اکتذ می کنیم. مؤلف کتاب می نویسد. "نمایندگان سرمایه اروپایی و امریکایی در نواحی عمده روستایی، که اهالی به بافتن قالی مشغول بودند، سفر کرده با پیش پرداخت ناچیزی آنها را به کار کردن برای خودشان وادای می کردند" (سن پترزبورگ، ۱۸۹۷، ص ۱۷۴).

از اسناد و فاخذهای فراوانی که درباره صنعت قالی در دست است، یک سند دیگر هم اشاره می کنیم، که از نظر بررسی تحول ساختار طبقات جامعه ایران جالب است. این سند به سال ۱۸۹۹ (۱۲۷۸) یعنی ۶ سال پیش از انقلاب مشروطیت مربوط می شود. افسر بریگاد قزاق، نورعلی آقا می نویسد: "یکی از منابع عمده درآمد شوکت الملک امیر قاضی کارخانجات قالی بافی است. اکنون در قائن، بیرجند و روستاهای قائن تا ۴۷۳ کارخانه قالی بافی کار می کند، که هر یک از آنها از ۱۰ تا ۲۵ تومان مالیک سالانه به شوکت الملک می پردازند. از این ۴۷۳ کارخانه، ۱۰۰ کارخانه متعلق به شخص شوکت الملک است، که استادکارها و کارگران آن را امیر کار روزمزد، ماهیانه، حتی سالانه اجیر می کند. درآمد آنها تماماً با شوکت الملک تعلق دارد. ضمناً در "کتابچه دستورالعمل ولایت قائن" هیچ ماده ای درباره مالیات کارخانجات قالی بافی وجود ندارد. یعنی در واقع امیر قائن، که یک شاهی باب مالیات به دولت نمی پردازد، همعاین درآمد عظیم را به جیب می زند. سند دیگری تأیید می کند که در همان سال هادر قائنات رویه پرفته ۱۲ هزار نفر روی ۲ هزار دستگاه قالی بافی کار می کردند. این در واقع نمونه بارزی از تحول تدریجی یک امیر فئودال (خانواده امیراعلم بعدی) و مالک بزرگ به صاحب صنایع و سرمایه دار آینده است.

بررسی اسناد موجود نشان می دهد که در رشته های تولید ابریشم، پنبه، روغن نباتی (زیتون) و غیره، حتی در باروت سازی در روستاهای (تنها در یک روستا با چهل خانوار از محال اردبیل ۳۰۰ بود باروت تولید می شده است) به تدریج توسعه روابط "کالا - پول" راه را برای نفوذ سرمایه و به ویژه سرمایه انحصاری خارجی باز می کند. درباره صنایع (پیشه وری) شهری نیز باید گفت که در سده پیش از انقلاب مشروطیت تحول تدریجی جالبی صورت می گیرد. در آخر قرن ۱۲ هجری بطور کلی ۳ گروه پیشه ور در ایران به نظر می رسد.

- ۱- پیشهوران "آزاد"، که با گرفتن سفارش کار می کردند (عده شار زیادتر از دیگر گروه ها بود).
- ۲- پیشهورانی که برای دربار شاه یا امرای حکام ایالات کار می کردند (شمارشان زیاد نبود).
- ۳- پیشهورانی که برای اعیان و خان های جداگانه کار می کردند (تعدادشان کمتر بود).

لیکن سده بعد این منظره تغییر می کند. اولاً - از عده پیشهوران آزاد که برای انجام سفارشات کار می کردند، کاسته می شود. بسیاری از آنها برای فروش مصنوعات حاضر خود در بازار کار می کنند. ثانیاً - از پیشه وری، که برای اعیان و خان های جداگانه کار می کردند، نیز به شد کاسته می شود. شمار زیادی از آنها هم به کار برای بازار مشغول می شوند ثالثاً - کارگاه های صنایع پیشه وری تازه ای احداث می شود. که مستقیماً به تجار بزرگ تعلق داشتند. بازرگانانی، که به کار تجارت پنبه، توتور و تریاک و غیره اشتغال داشتند، خود کارگاه های لازم جهت به عمل آوردن این نوع محصولات و تهیه مواد خام نیم ساخته تاسیس می کنند. دره این نوع کارگاه ها فقط کارمزدی (روزمزد) معمول می شود. پژوهش ها نسبتاً مفصلی (در رشته های مختلف ریسندگی و بافندگی، نظیر تولید قتیغه و لنگ و بقچه تا کرباس، قدک، قلمکار، مخمل، تافته، برک، شال در صنایع رنگرزی، دباغی، فخاری، چینی، بلور، شیشه و کاشی سازی صنایع کاغذ، کبریت، قند تا مسگری، آهنگری، سفیدگری. . . صنایع ماهیگیری و نفت و دیگر معادن) شده حاکی از آنست که در دهه پیش از انقلاب مشروطیت ایران صنایع پیشه وری (شهری بیشتر، روستایی کمتر جنبه کالایی پیدا می کند، روند فزاینده تعویض تدریجی و نامحسوس مراحل مختلف گسترش صنایع - از صنعت خانگی، توسط کارگاه های صنایع پیشه وری تا به صورت کارخانجات جدید سرمایه داری - صورت می گیرند محض نمونه از صنعت دباغی و چرسازی نام می بریم، که تحول آن نقطه نظر بالا بسیار جالب است، زیرا در چرسازی پیش از همه شکل ک بردی معمول بود و تولیدات آن نیز مستقیماً با بازار، و بویژه با بازار خارجی، در ارتباط بود. اما صادرات چرم ایران به روسیه در دوره ای که از آن صحبت می کنیم حاکی از رشد این صنعت است.

سال ۱۲۷۲	۴۲۹ هزار روبل
سال ۱۲۷۵	۴۳۶ هزار روبل
سال ۱۲۷۶	۶۴۸ هزار روبل
سال ۱۲۷۷	۵۴۱ هزار روبل
سال ۱۲۷۸	۶۵۵ هزار روبل

در کتاب "رقابت منابع بازرگانی در خاورزمین" قیمت کل مواد چرمی که در سال ۱۳۸۰ از ایران صادر شده بود، بالغ بر یک میلیون و نیم (روبل) ذکر شده است که نسبت به زمان خود بسی چشمگیر است. لیکن این صنعت (مانند برخی رشته‌های دیگر) در سالهای پس از مشروطیت روبه کاهش می‌رود (در سال ۱۲۹۱ از ۴۰۰ کارگاه چرمسازی همدان تنها ۳۰۰ کارگاه و از ۲۰۰ کارگاه چرمسازی مشهد فقط ۵۰ کارگاه باقی مانده بودند). از رشته‌های دیگر تولیدی، چون ماهیگیری لیانازف در شمال یا صنایع نفت جنوب و غیره صحبت نمی‌کنیم و به ذکر جدول کلی که در نتیجه پژوهشهای زیاد درباره موسسات صنعتی و عده کارگران ایران در این دوره تهیه شده است اکتفا می‌کنیم. البته این جدول همه رشته‌ها را فرا نمی‌گیرد و بیکره‌های ذکر شده نیز تقریبی است. ولی درهرحال تصور کلی از وضع موجود آنگاه می‌دهد.

خلق‌هایی، که تولید آنها هنوز به شکل‌های نسبتاً "پست‌تر کار بردگی، بیگاری و غیره صورت می‌گیرد، شروع به جلب شدن به بازار جهانی می‌کنند، که در آن بازار شیوه سرمایه‌داری تولید، حاکم است و فروش محصول این تولید را در خارج از کشور پرسودتر می‌کند، در آن حال بر مصائب وحشیانه برده‌داری، سرواژ و غیره، مشقات متعدد کارزباده از حد نیز اضافه می‌شود." (کاپیتال، جلد ۱، ص ۲۴۱).

با گسترش مناسبات تولیدی سرمایه‌داری بر مصائب کارگران نیز افزوده می‌شود. سندی که در دست‌آستان نشان می‌دهد که کارگران صنایع ماهیگیری دریای خزر از ۶ صبح تا ۷ عصر کار می‌کردند، در صنایع ابریشم گیلان ۱۱ ساعت کار روزانه مقرر شده بود. در حالیکه دستمزد کارگران زن و کودک نسبت به کارگران مرد پائین‌تر بود، مدت کار روزانه برای همه یکسان بود. در سالهای پیش از انقلاب مشروطیت در کاخانات ابریشم، متعلق به امین‌الضرب، کارگران مرد روزانه از ۱/۵ تا ۳ قران، کارگران زن از ۱۰ تا ۱۵ شاهی و اطفال خردسال از ۷ تا ۱۰ شاهی دستمزد می‌گرفتند. با در نظر گرفتن قیمت خواربار در آن زمان پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که تنها خرج خوراکی روزانه یک خانواده لااقل ۳ قران می‌شده است، که در این محاسبه مخارج پوشاک و کفش، گرایه‌خانه، سوخت، معالجه، غیره در نظر گرفته نشده است.

رشته صنایع	عده کارگران به هزار نفر
صنایع فابریکی و کارخانه‌ای	۱/۷
صنایع نفت (شرکت نفت ایران و انگلیس)	۸ تا ۷
صنایع استخراج معادن	۰/۲
صنایع قالیبافی	۶۰ تا ۷۰
صنایع نساجی	۲۰
کارخانجات فلزکاری و آهنگری	۲
کارخانجات چرمسازی	۰/۹
رشته‌های دیگر صنایع پیشه‌وری	۱۰
ماهیگیری دریای خزر	۴/۲
استخراج مروارید	۴
کارگران موسسات بنادر و کشتیرانی	۴
کارگران باربری	۳
صنایع جنگل (چوب، الوار و غیره)	۰/۳
صنایع ساختمان راه آهن	۳
کارگران بهره‌برداری از راه‌های آهن	۰/۲
کارگران راه‌سازی	۰/۳
تأزگران چاپخانه‌ها	۰/۵
صنایع خانگی	۵

سبب شرکت فعال توده‌های زحمتکش شهروستا، در پیشاپیش آنها طبقه کارگر نورسته ایران در جنبش اجتماع‌یون عامیون و انقلاب مشروطیت ایران (۱۲۸۴ - ۱۲۹۰) در حقیقت تلخ وضع نابسامان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و شرایط طاقت‌فرسای زندگی توده‌های مردم نهفته است. به همین سبب است که در دوره مورد بحث، نه فقط روشنفکران مترقی و روحانیون مبارز اغلب مجبور به ترک وطن و انتشار مطبوعات در خارج از کشور (اختر در ترکیه، جلال‌المتمین در هند، پرورش و ثریا در مصر، قانون در انگلستان، عروقه‌الوثقی در فرانسه و غیره) می‌شدند بلکه هزاران و هزاران کارگر و روستایی زحمتکش، که از تهیه نان روزانه خانواده خود در میهن خویش عاجز می‌شدند، به کشورهای همجوار بویژه روسیه، رومی‌آوردند. در آنجا از نزدیک با جنبش‌های کارگری انقلابی آشنا می‌شدند. در عین حال باید گفت، که عقب‌ماندگی اجتماعی - اقتصادی، ضعف مناسبات سرمایه‌داری، کوچکی و پراکندگی موسسات صنعتی، عدم تمرکز کارگران و غیره، همه و همه در کیفیت طبقه کارگر درجه تفکک و سازمان‌یابی، میزان آگاهی آن و در نتیجه در پیدایش و گسترش جنبش کارگری، در ماهیت طبقاتی و فعالیت سیاسی حزب اجتماع‌یون عامیون (سوسیال دموکراسی) و در روند انقلاب مشروطیت و دستاوردهای نیمه‌کاره آن تأثیر داشت.

جمع کل ۱۲۶ هزار و ۳۰۰ نفر

ادامه دارد

(۱) از خروارها کتاب مربوط به دوران انباشت اولیه سرمایه به ذکر یکی - دونمونه اکتفا می‌کنیم. کشیش مسیحی هاویست در کتاب خود "استعمار و مسیحیت..." (چاپ لندن، ۱۸۳۸) اعتراف می‌کند که "بربریت و فجایع بیشرمانه‌ای، که نژادهای به اصطلاح مسیحی در هر نقطه جهان و علیه هر کشور مسخر مرتکب شده‌اند، در هیچ عصری از اعصار تاریخ جهان و نزد هیچ نژادی، هر قدر هم وحشی، عقب‌مانده، بی‌رحم و فحیح هم که بوده باشد، نظیر ندارد".

توماس استافورد رافل در کتابی بنام حاوه (لندن، ۱۸۱۷) در توصیف "تاریخ اقتصاد استعماری هلند" - کشوری که نمونه سرمایه‌داری در قرن ۱۷ محسوب می‌شد - می‌نویسد: "آنها مناظری از خیانت، فساد، آدم‌کشی و شناعت بوجود آوردند که تا آن زمان بی‌سابقه بود".

کارمند کمپانی هند شرقی وارن هستینگ، که نخستین فرمانروای کل هندوستان شد، چنان مردم آن کشور را غارت کرد که ناچار پارلمان انگلستان (در سال ۱۷۸۶) او را مورد پیگیری قرار داد. اما پس از ۱۷ سال حکم تبرئه او صادر شد و کمپانی استعماری هند شرقی مبلغ گزافی سالیانه برایش مقرر کرد.

(۲) برای مقایسه کافی است یادآور شویم که کل مالیات سالانه ایالت بلوچستان در آن سالها (که نسبت به گذشته ۲ برابر هم شده بود) به مبلغ ۳۷ هزار تومان می‌رسید.

آمار و اسناد موجود، همچنین پژوهشهایی که شده است نشان می‌دهد که دهه‌های هفتم و هشتم قرن ۱۳ هجری، دورانی است که در ایران، با وجود موانع معین، روند پیدایش و گسترش طبقه کارگر آغاز شده است. گرچه در ترکیب مجموعه این طبقه عده پرولتاریای معاصر صنعتی بسیار اندک است، معذالک عده زیادی به کار مزدی در صنایع کوچک و متوسط شهری و روستایی، در حمل و نقل، در ساختمان و غیره به کار اشتغال داشته‌اند. در تاریخ گسترش مناسبات تولیدی در ایران، این سالها درست همان دوره‌ای است که به گفته مارکس "سرمایه، کار را ابتدا با همان شرایط فنی، که آنرا از نظر تاریخی بدست می‌آورد، تابع خود می‌کند. بنابراین سرمایه، شیوه تولید را به یکباره تغییر نمی‌دهد." (کاپیتال، جلد ۱، ص ۱۹۵۵، ۳۱۵)

اواخر دهه هشتم شرکت‌های سهامی نظیر شرکت "مسعودیه"، و سپس "اسلامیه" (با سرمایه‌ای در حدود ۱۵۰ هزار تومان)، شرکت "محمودیه" شرکت "اتحادیه"، شرکت "دادیه" و غیره بوجود می‌آیند، که از طریق پیوند صنایع با بازرگانی، به روند تجمع سرمایه در کشور کم و بیش کمک می‌کنند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که بویژه آن رشته‌هایی از صنایع گسترش می‌یابند و کم کم از شکل صنایع عقب‌مانده، دستی و پیشه‌وری به سوی صنایع جدید و ماشینی پیش می‌روند. که محصولاتشان مورد نیاز سرمایه‌داران خارجی است (مانند صنایع پنبه‌پاک‌کنی، ابریشم، تهیه تریاک، توتون و غیره) بسیاری از این نوع موسسات مستقیماً توسط سرمایه‌داران خارجی (صنایع ماهیگیری شمال، نفت جنوب، صنایع پنبه پاک‌کنی و غیره) احداث می‌شد. ایران رفته رفته به منبع تولید مواد خام برای صنایع امپریالیستی مبدل می‌شود؛ کشاورزی تجارتی رونق می‌یابد، که این نیز به نوبه خود به گسترش بازار واحد داخلی و وابستگی آن به بازار جهانی سرمایه‌داری کمک می‌کند. سرمایه‌داری ایران - به فقط در بخش مربوط به تجارت (کمپرادور)، بلکه حتی صنایع صنعتی نیز وابسته به بازار جهانی سرمایه‌داری و سرمایه‌انحصاری غارتگر امپریالیستی می‌شود. چنانکه مارکس در کتاب جاویدش "سرمایه" می‌نویسد: "همچنین که

چرا گروهک‌ها هضم‌حکلی نمی‌شوند؟

• لازم است مسئولین در تهیه این لیست (عفو) سخت‌گیری ننمایند و هرچه بیشتر گوش نمایند تا زندانیان به مردم عزیز ما ملحق شده و هنگام با آنان راه انقلاب اسلامی را ببینایند.
از پیام تاریخی امام در سالگرد انقلاب

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیهای در تاریخ بیستم بهمن ماه ۶۰ اعلام نمود:

"دیروز در نتیجه محاصره یکی از مخفیگاه‌های سازمان مجاهدین در خیابان زعفرانیه تهران، موسی خیابانی (جانشین مسعود رجوی در ایران) اشرف ربیعی همسر رجوی، آذر رضایی همسر خیابانی و بیش از ده نفر دیگر از مسئولین و اعضاء سازمان کشته شدند!"

متعاقب این خبر در اطلاعیه دیگری اعلام شد که در نتیجه پیگیری نیروهای سپاه پاسداران و کمیته‌ها تعداد زیادی از کادر مرکزی و مسئولین گروهک آمریکایی پیکار (از جمله علیرضا سیاسی آشتیانی و حسین احمدی روحانی و عده‌ای دیگر از جمله فریدون اعظمی) دستگیر شده‌اند.
پس از ضربات مهلکی که در ماههای اخیر باند رجوی - خیابانی و سایر گروهکهای چپ‌رو و ضدانقلابی متحمل شده بودند و پس از سرکوب توطئه آمریکایی گروهکهای ضدانقلابی در آمل، موارد فوق جدی‌ترین ضرباتی است که بر پیکر سازمان مجاهدین و پیکار و نظایر آن وارد می‌شود.

اگر تا دیروز عمدتاً این اعضاء و هواداران مجاهدین و سایر گروهکهای هم‌سخن آن بودند که دسته‌دسته در خیابان‌ها و خانه‌های تیمی کشته و دستگیر می‌شدند، اکنون در میان کشته‌شدگان درگیری‌های خیابانی و خانه‌های تیمی و در میان افراد دستگیر شده، تعداد هرچه بیشتری از عناصر رهبری و مسئول دیده می‌شوند و این مسأله بهروشنی نشان می‌دهد که زمان، تا چه پایه بر تحلیل‌های ذهنی، کج و کوله و ماهیتا ضدانقلابی چنین جریان‌هایی مهر باطل کوبیده است و امروز که هشت ماه از آغاز حرکت آشکارا ضدانقلابی و سرنوشت غم‌انگیز رهبری مجاهدین می‌گذرد، با نگاهی مختصر به مسیری که آنها از آن هنگام تاکنون پیموده‌اند، نشان خواهد داد که جریان تلاشی و اضمحلال شتابان آنها نه به واسطه عدم رعایت این یا آن مسأله آگاهانه و ناآگاهانه بشریت بلکه ناشی از ماهیت آن اندیشه‌ای است که فرصت‌طلبانه به کجراه می‌رود و به انکار و تقابل با انقلابی برخاسته که سرسخت‌ترین دشمنان بشریت با کینه‌های حیوانی برای نابودی آن هرروز توطئه‌های جدید علم می‌کنند.
در یک کلام این گروهکها آگاهانه و ناآگاهانه سرنوشت خود را با سرنوشت ضدانقلاب باسرنوشت تفاله‌های آمریکایی در میهن انقلابی ما پیوند داده‌اند. آری این انقلاب است که در جریان بالندگی، ناخالصی‌ها را بدور می‌ریزد و خائنین را در زیر گام‌های سنگین و استوار خود له می‌کند!

در جستجوی علل ضربات

پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷، سازمان‌ها و گروهکهای سیاسی متعددی که برخی آنها سالها پیش از پیروزی انقلاب تشکیل شده بودند و برخی دیگر در فضای پس از پیروزی انقلاب تشکیل و گسترش یافتند، فعالیت تبلیغاتی گسترده‌ای را آغاز کردند. آنها بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای جوان و پرشور را در صفوف خود متشکل ساختند.

خصوصیت مشترک تمامی این سازمان‌ها و گروهکها آن بود که عموماً توسط نیروهایی رهبری می‌شدند که تجربه سیاسی اغلب آنها بندرت از یک دهه تجاوز می‌کرد. و به واسطه ضعف تجربه سیاسی و عدم درک عمیق نسبت به قانونمندی‌ها و مشکلات انقلاب نسبت به آنچه در ایران اتفاق افتاده بود، تصویری غیرواقعی داشتند. آنها از اینکه انقلاب درست مطابق الگوهای ذهنی آنها به پیروزی نرسیده بود، با تحلیل‌هایی که ریشه در تمایلات ذهنی و طبقاتی آنها داشت، در چاله چوله‌هایی که سر راه کنده بودند در ماندند و از پس حل بفرنجی‌ها و پیچیدگی‌های کاملاً مفرط انقلاب ما برنیامدند.
چنین وضعیتی باعث گردید که تنگ‌نگری و خودمحوربینی همراه با

ماجراجویی سیاسی بر حرکات آنها حاکم گردد و زمینه بسیار مساعد برای سوءاستفاده و نفوذ دشمنان شناخته‌شده و آگاه انقلاب در میان سازمان‌ها و گروهکهای سیاسی فراهم آید.

اما سیر وقایع بسیار مهم سه ساله انقلاب بسیاری از پیچیدگی‌ها را بر کرد و این امر باعث شد در ترکیب نیروهایی که دچار توهم و شناخ نادرست بودند، تغییراتی پدید آید. بخش قابل ملاحظه‌ای از این نیروهای جوان در جریان تعمیق سمت‌گیری ضدامریالیستی و برده انقلاب و طرد روزافزون لیبرالها از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و د عین حال تحت تأثیر تشدید و ادامه توطئه‌های امریالیسم بداعبا فاجعه‌آمیز خطاهای خود در قبال انقلاب آگاهی یافتند و موفق شدند طرد عناصر و دست‌بندی‌های چپ‌رو و منحرف از صورت جریان منفی بازدارنده خارج شده و در صف مدافعان پیگیر انقلاب ضدامریالیستی مردمی ایران به رهبری امام خمینی قرار گیرند.

بخش دیگری از این نیروها علیرغم گسترش سمت‌گیری مردمی انقلاب به واسطه عقب‌ماندگی مفرط سیاسی و تئوریک و گرفتارشدن دردا تبلیغات ضدانقلاب و امریالیسم علیه انقلاب نتوانستند چشمان خود ر بروی حقیقت انقلاب بکشایند و عوض تصحیح دیدگاههای انحرافی سیر؛ قهقرایی رادرییش گرفتند. خودبزرگ‌بینی و تنگ‌نگری در مورد برخی این گروهکها از جمله سازمان مجاهدین نقش بسیار مهمی در کنشیدن آنها به دامن ضدانقلاب ایفا نمود. رهبری مجاهدین خودمحوربینی را بداندجا کشانید که می‌پنداشت تنها جریان برحق برای فرارگرفتن د رهبری انقلاب خود است و دیگران رهبری را به صورت اتفاقی فرصت‌طلبانه غصب کرده‌اند!

این جریان‌ها در ادامه دشمنی با خط ضدامریالیستی و مردمی امام خمینی تا بدانجا پیش رفتند که منطبق با سیاست اعلام‌شده امریالیسم امریکا، رسماً جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند. و در این روند به جریان شاخه‌شده حب امریکایی پیوستند سیاستی که امروز رهنمون عمل مجاهدین، اقلیت و نظائر ایشان است. در ماهیت امر با سیاست جریان‌های شناخته‌شده حب امریکایی چون رنجبران و پیکار و کومله و نظائر آن و حتی با کارهای باندهای تروریست ساواکی و سلطنت‌طلب تفاوی ندارد.

امروز با متلاشی‌شدن تشکیلات اغلب این گروهکها، حفظ افراد باقی‌مانده و تهیه امکانات امن و مخفیگاه برای پنهان شدن، مهم‌ترین مشغله آنها را تشکیل می‌دهد و حتی برخی از آنها تا بدانجا رسیده‌اند که رسماً به اعضاء و هواداران خود اعلام کرده‌اند که در شرایط موجود فعالیت سازمانی امکان‌پذیر نیست، زیرا باعث نابودی کادرها و اعضاء می‌شود. آنها درحالیکه انقلاب مردم در حال شکوفایی و اغلاست شعار حفظ افراد و فعالیت پراکنده محلی را مطرح ساختند که در زمینه سازمانی نیز حکایت از بن‌بست علاج‌ناپذیر آنها می‌نماید.

شاید هنوز هم افرادی اینجا و آنجا پیدا شوند که وضعیت فلاکت‌بار گروهکهای چپ‌رو و چپ‌نما را نه ناشی از ماهیت اندیشه و عمل انحرافی آنها، بلکه در این یا آن محاسبه غلط تاکتیکی و عدم تشخیص درست موقعیت بدانند. و با چنین توجیهاتی خواسته باشند همچنان راه شکست‌خورده آنها را ادامه دهند. ولی این ضربات به‌هیچوجه تصادفی نیست. این سرنوشت دردناک تمام کسانی است که آگاهانه و یا ناآگاهانه بنام مردم علیه مردم توطئه می‌کنند. در عین حال ممکن است که برخی از عناصر این گروهکها بتوانند همچنان به موجودیت فلاکت‌بار خود ادامه دهند. ولی چنین حیاتی بامرگ فاصله‌چندانی ندارد. مرگ یک جریان سیاسی زمانی فرا می‌رسد که قادر به هیچگونه حرکتی در میان توده‌ها نبوده و هیچ گوش شنوایی برای شنیدن شعارهایش وجود نداشته باشد و امروز بقایای افراد مجاهدین و اقلیت و نظائرشان دقیقاً در چنین وضعیتی قرار گرفته‌اند. و مطمئناً هیچ چیز جز بازگشت به دامن انقلاب آنها را از این نابوی حتمی نجات نخواهد داد. علت فای آنها در راه کجی است که می‌روند. این سرنوشت تلخ و محتوم همه کسانی است که نه راه دریا که راه مرداب را در پیش دارند. علت اساسی ضربات اخیری که بر پیکر گروهکها وارد شده است را نه در اشتباهات تکنیکی و تاکتیکی، نه در قدرت اطلاعاتی و نظامی نیروهای انتظامی و نه در هیچ‌جایی خارج از گروهکها نباید جستجو کرد. علت اصلی ضربات اخیر تحولی است که در درون گروهکها در حال وقوع است. اکنون جستجوی این علل اهمیت ویژه‌ای کسب کرده است.

موج تزلزل و بی‌ایمانی در میان اعضای گروهکها

پدیده بسیار قابل ملاحظه‌ای که همزمان با گسترش ضربات بر پیکر مجاهدین و سایر گروهکها مشاهده می‌شود موج "ارتداد" و بازگشتی است که از صدر تا ذیل رده‌های تشکیلات آنان را دربر گرفته است.

خود که یا سرخورده می شوند و یا دچار یأس و ناامیدی می گردند و با نهادهای انقلابی جوش می خورند. در زمان نیست. از این پس عامل عمده تلاشی سازمانی گروهکها دقیقاً رشد و تزايد عناصری در میان گروهکهاست که به سرخوردگی و ورشکستگی و یأس مبتلا می شوند. آنها خودشان، خودشان را از بین می برند. همکاری وسیع و همه جانبه مردم با نهادهای انقلابی در مقابله با گروهکها در قبال چنین وضعیتی نقش درجه دوم دارد.

بدین ترتیب می توان جمع بندی نمود که فقدان یک بنیان عقیدتی استوار و شکست کامل خط مشی سیاسی در شرایطی که انقلاب این کامهای بلند را به پیش، به سوی پیروزیهای باشکوه برمی دارد و تاثیر این دو بر روی هم، آنها را به اوج تشنگی فکری و سیاسی رسانیده است که بازتاب این تشنگی در فعالیت سازمانی، بصورت گسیختگی تشکیلاتی، تلاشی سازمانی و بی اعتقادی به رهبری خود را نشان می دهد. برای نابودی چنین جریانهایی نیازی به وجود سازمانهای اطلاعاتی عریض و طویل نیست. حقیقت تاریخی انقلاب از چنان قدرتی برخوردار است که ستون فقرات گروهکها را درهم می شکند. علت بنیادین اضمحلال گروهکها پیشرفت انقلاب و تشدید تقابل آنها با این پیشرفت است. این پدیده، گروهکها را از درون می شکند.

دو انگیزه متفاوت بازگشت

اکنون دیگر اصلا صحبت از این نیست که عوامل گروهکها از راه خود باز نمی گردند. همه می بینیم که موج عظیم بازگشت، همه آنها را فرا گرفته است. اکنون صحبت بر سر انگیزه های بازگشت است. در میان خیل افرادی که نسبت به گذشته خود تجدیدنظر کرده اند، دو جهت کاملا متفاوت را می توان تشخیص داد:

اول: کسانی که از شکست به این نتیجه رسیده اند که چون زورشان کمتر از حکومت بوده نتوانستند حکومت را سرنگون کنند. پس اشتباه کرده اند و سیاست غلطی را برگزیده اند. این دسته در واقع گذشته خود را بصورت تاکتیکی نفی می کنند. زیرا همواره فکر می کنند در صورتی که توازن قوا را درست تشخیص داده بودند، آنگاه دست بدین حرکت خونین نمی زدند و برای فرارسیدن چنان روزی که بتوانند رژیم را سرنگون سازند باید زمان بیشتری می گذشت و نیروی بیشتری فراهم می آمد. کسانی که نسبت به گذشته چنین فکر می کنند طبعاً هنوز به عمق انحراف فکری خود پی نبرده اند. ترس از نابودی است که آنان را به سوی ندامت کشانیده نه شوق پیروزی. چنین کسانی در آخرین تحلیل نجات خود را برتر از نجات انقلاب قرار می دهند. زیرا هنوز انقلاب را درک نکرده اند. برای چنین کسانی اغلب هیچ ایده آل انسانی و تیراقتمندانهای که زندگی خود را وقف آن نمایند، دیگر وجود ندارد. چنین عناصری تن به پست ترین و رذیله ترین کارها می دهند. آنها برای نجات خود حتی آماده اند علیه دوستان سابق خود پرونده سازی کنند. علیه همدیگر دروغ بگویند آنها حاضرند تمام شرف و حیثیت و شخصیت خود را لگدمال کنند. اینها و اخورده های لجن شده های هستند که باید یک دوره بازآموزی طولانی را طی کنند.

دسته دوم: که اکثریت افراد بازگشته گروهکها را تشکیل می دهند کسانی هستند که از نفی گذشته اسفبار خود بدین نتیجه رسیده اند که خط رهبری انقلاب، خط امام، دارای ماهیت ضدامپریالیستی و مردمی است. آنها درک می کنند که با خط امام در یک سنگر قرار دارند و انحراف اساسی آنها در گذشته این بوده است که با این خط همچون دشمنان انقلاب و در راس آن امپریالیسم آمریکا دشمنی می کرده اند. آنها صف انقلاب و ضدانقلاب را به روشنی تشخیص می دهند و این بار استوار در صف انقلاب می ایستند. انبوه این افراد از پیروزیهای همه نیروهای مدافع انقلاب از ته قلب شادمان می شوند و خود را در آن شریک می دانند. از نزدیکی و اتحاد نیروهای انقلاب بکرمی استقبال می کنند. چنین افرادی آرزو دارند که ای گاش فرصت می یافتند تا همه هستی خود را در رهی نهند که انقلاب از آنان می طلبد. آنچه مصفاي شخصیت این نیروها همانا سعادت ها و جانفشان وظیفه ها هستند. آنها مهمترین رسالت خود را نجات یاران سابق خود و گشودن راه برای بازگشت آنان می بینند. آنان آماده اند تا خود را فدا کنند تا نادرستی راه یاران سابق خود را به آنها نشان دهند. برای این دسته امروز هیچ خبری لذت بخش تر از آن نیست که ببینند و یا بشنوند که پیله های کینه و سوطن میان نیروهایی که اهداف انقلابی را دنبال می کنند شکسته می شود و جای خود را به اتحاد و دوستی می دهد. انبوه افراد این دسته آماده اند تا نهادهای انقلابی توهمه نیروهای مدافع انقلاب را با تمام وجود در راه شکستن این بیخها یاری دهند.

مانی که در مرداد ماه وصیت نامه سعادت می منتشر می شد رهبران خائن جاهدین شایع کردند وصیت نامه ناخستگی است. آنها در مورد حرفهای فردی چون "جانفشان وظیفه" چنین داستانهایی سرهم کردند بطور واضح و آشکار که گویا چون حرفها و وعده های مجاهدین صد در صد صحیح و اصولی است تمام انقلابیون "واقعی" بدان وفادار می مانند. یکی طولی نکشد که شمار افراد گروهکها که راه گذشته خود را نفی می کردند و راه انقلاب را تأیید می کردند چنان بالا گرفت که دیگر هیچ جای انکار و توجیه باقی نماند. و سرانجام امروز تقریباً تمام افراد مجاهد دستگیر می شوند دیگر حاضر نیستند از راهی که رفته اند دفاع کنند. و اسرار گروه خود را برملا نکنند.

چنین پدیده های کاملاً قابل تعمق است. ضدانقلاب، مذبوحانه می کوشد بطور روانمود کند که فشار در زندانها چنان بالا است که تقریباً هیچ کس را از ای مقاومت نیست. این حرف یک یابو ابلهانه است. مگر نه اینکه شدید فشار سزاوار در زمان شاه خود ناشی از اعتلای روحی زندانیان جنبش انقلابی بود که خود به توبه خود موجب اعتلای روحی بیشتری در میان زندانیان می گردید؟ چگونه است که امروز همین پدیده اگر وجود داشته باشد (این چنین توانسته است موج عظیمی از ارتداد" و سرخوردگی و یأس و از همه مهمتر و برجسته تر بازگشت گاهانه و مصمانه به اردوی انقلاب پدید آورد و راهبان کجراه دیروز به مبارزه علیه جریان می کشاند که تا دیروز خود را وابسته به آن پیدانستند. توسل به بهانه "فشار" فقط برای فرار از پاسخگویی جدی علمی به مساله است. راست این است که اگر اعضای گروهکها با همان بانی که فدائیان خلق و یا مجاهدین خلق و دیگر انقلابیون در الهای قبل از انقلاب به حقانیت راه خود داشتند، به میدان آمده بودند هیچ فشاری و مطلقاً هیچ فشاری قادر نبود صف آنان را درهم کند و بیگانه آنان را براه مقابله آشکار با همراهان دیروز خود سوق دهد. بجزرات میتوان گفت که محمدرضا سعادت می ها و مهدی بخارایی ها کان نداشت زیر فشاری صدها بار مرگبارتر از آنچه که سزاوار بود روز بها آورد همان حرفهایی را بزنند که این بار پس از صدور حکم اعدام در واقع در وصیت نامه خود گفتند.

به راستی چرا این موج "ارتداد" و بازگشت اینقدر وسیع است و از راند کادر مرکزی تا پائین ترین سطوح هواداران را دربر می گیرد؟ بسیاری که از افراد آزاد شده از زندان می رسد ابعاد بازگشت را بسیار وسیع تر از آنچه در خارج انعکاس می باید ترسیم می کند. آنها می گویند زندانها بدون اثراتی تقریباً تمام افراد وابسته به گروهکها از سازمان ود بریده اند. اگر در گذشته کسی در زندان در برابر رژیم شاه سرود می آورد بسرعت منقرض میشد و شدیداً مورد نفرت مردم و زندانیان از بی گرفت. امروز عکس این پدیده در زندان چشم می خورد. برآستی تا کسرش این پدیده چیست؟

چرا گروهکها مضمحل می شوند؟

اگر خواسته باشیم در میان سلسله عوامل مختلف که باعث تضعیف اضمحلال گروهکها گردیده است به عامل اساسی اشاره کنیم بدون دیدن عامل تناقض حاد میان ایده آل های انقلابی و عمل ضدانقلابی نیست. اعضا و هواداران گروهکها هنگامی که در تجربه عملی و یا ظالمه و تعمق در تحلیل های خود به این تناقض آشکار پی می برند، رانجام تمام مقاومت میان تهی و یونالی خود را از دست می دهند که نس وضعیتی عموماً با ابراز بی اعتقادی به رهبری و صلاحیت سیاسی ن همراه است و بی از اندکی به تمام عرصه های زندگی آنها گسترش می یابد افراد ساده و صدیق این گروهکها پس از یک دوره بحرانی و پرکشاکش لاجرم موفق خواهند شد با تشخیص راه درست، همچنان انرژی و شور قلابی خود را در خدمت انقلاب و توده های مردم قرار دهند. برخی آنان نیز دچار سرخوردگی، یأس و بی اعتمادی شدید شده و به فردی مارکون که می تواند بسیاری خصائل غیر اخلاقی و غیر انسانی را در خود و زس دهد. تنزل خواهند یافت.

هرگاه این مساله درک شود که تناقض میان شعار انقلابی و عمل دانقلابی، تناقض میان گفتار و کردار، تشدید تناقض میان پیشرفت قلاب و سیرت آنها از مواضع انقلابی قابل اساسی در تلاشی و مضمحل گروهکهاست. آنگاه روشن می شود که منبع اصلی ضربات به وکها بطور عمده درونی است. وجود اعضا و هواداران بیشمار که یک بروسه نه چندان طولانی تناقض موجود را به زبان سازمان خود ل می کنند. منبع اصلی ضرباتی است که زنجیروار به گروهکها وارد شود. تشکیلات آنها هیچگاه از خطر ارتداد پنهان و آشکار عناصر

وضعیت اعضای گروهکها در ماههای آتی

قبل از پرداخت به مطلب اشارهای به گذشته ضروری است در ماههای پس از ۳۰ خرداد (تابستان) که رهبری خیانتکار مجاهدین، سازمان خود را به یک شبکه بسیار گسترده تروریستی تبدیل نمود و پشتیبانی سایر گروهکها از باند رجوی - خیابانی که به آتش تروریسم گور در جامعه دامن زد، سرکوب قاطع تروریست‌هایی که با اعمال جنایتکارانه خود نابودی انقلاب را طلب می‌کردند یک ضرورت مبرم بود. هرنوع تردید در این زمینه مسلماً به سود ضدانقلاب تمام می‌شد. نیروهای انقلابی می‌بایست ضمن خویشتن‌داری و پرهیز از سراسیمگی و شتاب‌زدگی

شرکت‌کنندگان مستقیم در عملیات تخریب و ترور را با قاطعیت تمام سرکوب نمایند که متأسفانه به واسطه ضعف سازماندهی در ارگان‌های انقلابی و نفوذ قابل ملاحظه نیروهای ناسالم در برخی از نهادهای انقلاب باعث آن گردید که جان افراد بسیاری که در هیچ‌گونه عملیات مسلحانه نیز شرکت نداشتند تپا گردید و اعتماد به عدالت دستگاه قضایی نیز در میان قشر وسیعی از مردم، نقصان گیرد.

از اواخر تابستان به بعد تا اوایل زمستان، جریان تروریسم با ضربات مهلکی که بر بیکر آن وارد آمد در اساس با شکست مواجه شد. از اواخر تابستان، دیگر برای اغلب هواداران گروهکها روشن می‌شد که اهداف سیاسی مورد نظر آنها در شرایط موجود غیرقابل تحقق است. ولی هنوز تیم‌گامی از سطره وسیع تشنت فکری همه‌جانبه و بحران سازمانی در میان مجاهدین و همراهان ایشان فاصله داشت. هنوز مجاهدین در گوشه و کنار کشور فعال بودند و هزار چندگانه تعدادی از مردم و اگر دستشان می‌رسید، این آن امام جمعه کهنسال را ناخواسته در دزدانه و ردیانه ترور می‌کردند. در این ماهها که دیگر نیروی تروریسم بطور عمده ته می‌کشید اصولی‌ترین شیوه برای مقابله با گروهکها صرف انرژی هرچه بیشتر برای ارشاد و آموزش خیل عظیم اعضاء و هوادارانی بود. که جرات یافته بودند با شک و تردید نسبت به صحت تحلیل‌های سازمان بنگرند و آن را به‌گونه‌ای جدی زیر علامت سؤال بکشند. در آن روزها باید با قاطعیت علیه هرگونه سیاست ایجاد رعب و وحشت که تأثیر آن ادامه گمراهی و بی‌اعتقاد نگاهداشتن عناصر صادق گروهکها به انقلاب و جمهوری اسلامی بود، مبارزه می‌شد. در آن ماهها سیاست حداکثر عطف و ایجاد شرایط مناسب در زندان برای جذب آنها به سوی انقلاب و مردم می‌بایست در مرکز توجه مسئولین قرار می‌گرفت.

و اما از ماههای آخر پاییز تا به امروز گروهکها وارد مرحله جدیدی از حیات رو به اضمحلال خود شده‌اند. در این مرحله علاوه بر شکست اساس تروریسم و خواب‌های خرگوشی گروهکها، بحران فکری، سیاسی و سازمانی هم سراپای آنها را دربر گرفته است. اکنون ما در شرایطی قرار گرفته‌ایم که عناصر گروهکها خود احساس می‌کنند در اساسی‌ترین عرصه‌های حیات سازمانی دچار شکست‌های مهلک شده‌اند. احساس دردناک شکست در این دوره عوارض و بی‌آمدهای منفی گوناگونی را در پی دارد که برای مقابله با آنها قبل از همه باید آنها را شناخت، این عوارض عمدتاً عبارتند از: انحطاط اخلاقی و شخصیتی، عزلت‌گزینی و فرار از مردم، محدود کردن روابط به یک یا دو نفر خاص و بریدن از دوستان قدیم، از فامیل، از مردم محل و از همکاران و در کنار آن، پناه‌بردن به زندگی غیرسیاسی و غیرجمعی، بی‌اعتقادی و بی‌تفاوتی نسبت به همه چیز و همه کس و آمادگی برای تسلیم به هرنوع فشاری و تن‌دادن به هرنوع پستی. به علاوه مسلماً "عده‌های هم برانحرافات خود اصرار می‌ورزند و چون رجوی‌ها آشکارا خیانت می‌کنند و رسماً به آغوش دشمن پناه می‌برند.

سیاست درست در برخورد با عناصر گروهکها در فاز جدید چیست؟

در اینجا کیفیت برخورد مسئولین اجرایی با این وضعیت می‌تواند در سر نوشت آنها تأثیرهای بسیار تعیینانی برجای گذارد چنانکه در پیش گرفتن سیاست غلط عوارض منفی را تشدید می‌کند و در پیش گرفتن سیاست درست باعث تعدیل این عوارض خواهد شد. بحرات می‌توان گفت هیچگاه چون امروز تا این اندازه شرایط مساعد برای روشنگری و ارشاد عوامل وابسته به گروهکها وجود نداشته است. صرف انرژی هرچه بیشتر برای ارشاد گمراهان، اجرای بدون خدشه و عاجل رهنمودهای امام خمینی، تنها سیاست درستی است که در شرایط موجود باید در قبال عوامل گروهکها اتخاذ شود.

پیروزی‌های انقلاب زمینه را برای نجات آنان از سیاه‌چال‌های یاس نمودیدی و احیای اعتقاد آنان به انقلاب بیش از پیش فراهم کرده است. در مرحله‌ای که اکنون چندی است آغاز گردیده، این ساله هرچه بیشتر اثبات خواهد شد که گروهکها روزهای تلاشی فکری، سیاسی، سازمانی را پشت سر می‌گذارند. آنها دیگر قادر به حفظ موجودیت خود به عنوان جریان‌هایی فعال نیستند. تشنت فکری و سردرگمی تا بالاترین سطوح، آنها را فرا گرفته است. آنها مدتی است قدرت هدایت و رهبری هواداران خود را از دست داده‌اند. در گوشه و کنار، هواداران سرخورده، سرگردان آنها دیده می‌شوند که بانگرانی چشم به آینده‌های دوخته‌اند که دیگر هیچ چشم‌انداز روشنی برایشان ترسیم نمی‌کند. اعتقاد آنها به رهبران سابق خود بطور کلی درهم شکسته شده است. در چنین موقعیتی نیروهای انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید که سیاستی را در قبال عوامل گروهکها اتخاذ کنند که باعث جلب اعتماد آنها ایجاد امید نسبت به زندگی آینده و احیای شخصیت فروریخته و درهم شکسته آنها شود. هرنوع حرکت خشن و رعب‌انگیز باعث سلب اعتماد و سرخوردگی بیشتر آنها خواهد شد. عناصر و نیروهای قشری و تنگ‌نگر که همچنان در دادگاه‌های انقلاب از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردارند علیرغم تأکیدات امام خمینی و آیت‌الله منتظری و سایر مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پرهیز از خشونت بی‌مورد و رعایت موازین قانونی، همچنان تلاش دارند سیاستی مبتنی بر آزار و انتقام‌جویی در قبال عوامل گروهکها را ادامه دهند. آنها از این طریق می‌خواهند بر سر راه آزادی فعالیت دست‌کم بخشی از نیروهای مدافع انقلاب مانع تراشی کنند. گروهکها و عناصر و جریان‌های قشری و انحصارطلب در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هر دو در این خصیصه مشترک بوده‌اند. آنها هر دو با استقرار قانونیت و ایجاد فضای سالم در مناسبات میان نیروهای مدافع انقلاب سر مخالفت داشته‌اند. باید به فشارهای موجود در زندان‌ها پایان بخشیده شود و مسئولین برای آن دسته از افراد وابسته به گروهکها که در درستی راهشان بطور جدی تردید کرده‌اند (و نمی‌توانند نکنند) شرایط لازم جهت بازگشت مجدد به جامعه را فراهم آورند. سیاست تحقیر و فشار که منجر به درهم شکستن شخصیت انسانی افراد می‌شود، جز تحویل افرادی از هر جهت بیمار و حتی خطرناک به جامعه نمی‌تواند دیگری نخواهد داشت. در چنین موقعیتی ادامه‌موج اعدام عوامل گروهکها نه تنها هیچ مشکلی را از انقلاب حل نمی‌کند، بلکه بر سر رشد گرایش مثبت و بی‌وستن خیل عناصری که می‌توانند احیاء شوند و در خدمت انقلاب فرار گیرند مشکل ایجاد می‌کند. به نظر ما بخش مهمی از اعدام‌هایی که تاکنون در نتیجه تنگ‌نگری و کینه‌توزی بی‌مورد عناصر قشری در حاکمیت صورت گرفته است ضربات بسیار جدی به انقلاب وارد ساخته است.

انقلاب نیازمند آن است که سیاستی آزادمتشانه و توأم با سعه‌صدر و بلندنظری در قبال عوامل گروهکها دنبال شود. اگر چنین سیاستی که همواره مورد تأکید رهبر انقلاب بوده است دنبال نشود حتی در میان نیروهای مومن به جمهوری و در درون دستگاه حکومتی هم رعب و ترس و بی‌ایمانی را جایگزین اعتقاد به درستی راه و هدف خواهد کرد و دستگاه حکومتی را به طرف تباهی درونی سوق خواهد داد هر چند ممکن است علائم آن بسرعت ظاهر نشود.

اکنون دیگر واقعا هیچ بهانه‌ای برای عدم اجرای اطلاعیه ده ماده‌ای و تأمین آزادی فعالیت سیاسی برای تمام نیروهای مدافع انقلاب باقی نمانده است. هیچ سیاستی امروز بجز استقرار قانونیت که باعث ایجاد فضای سالم و تحکیم اعتماد مردم نسبت به انقلاب خواهد شد، در جلب عوامل گروهکها به جانب انقلاب، موثر نیست.

رهنمودهای خلافت‌انه و امیدآفرین امام

هرگاه بار دیگر سیاست امام خمینی از ابتدا تا امروز در برخورد با یکایک نیروهای سیاسی را در نظر آوریم می‌بینیم که جهت اساسی این سیاست همواره در راستای جلب حمایت آنان از انقلاب و از دستاوردهای آن سمت‌گیری داشته است. بی‌پرده ادعای می‌کنیم که این سیاست به‌ویژه از مقطع تسخیر سفارت، ما را در غلبه مشکلاتی که بر آنها فائق آمده‌ایم یاری داده است. تصور ما این است که سیاست امام در برخورد با نیروهای سیاسی چنان بوده است که از نیروهای صادقی که برائش بر خرنجی‌های شرایط راه نادرستی می‌روند، فرصت غلبه بر خطاها گرفته نشود. مجموعه گفتارهای امام از آغاز تا امروز شاهد همین ادعاست. آخرین دستور امیدآفرین امام نیز که بدون کوچکترین شائبه‌ای بیانگر یک سیاست کاملاً درست است، در جهت کمک هرچه وسیعتر به عناصری است که می‌کوشند رابطه گسسته خود را با انقلاب از نو احیاء کنند. امام بقیه در صفحه ۲۱

بودجه آمریکا سند رسوائی نظامیگری لجام گسیخته

سیاست‌های جنگ‌افروزان و نظامی‌گری لجام گسیخته آمریکا که از اواخر دهه هفتاد وارد و به نوبت خود گسترده بود، در زمان حاضر ناگزیر بود. رادرفورد راجز، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، در سخنرانی خود در مجلس سنا، در تاریخ ۲۱ بهمن دولت سوریه به کمک نیروهای مردمی عملیات گسترده‌ای را علیه تروریست‌های اخوان المسلمین در شهر "حما" آغاز و با موفقیت به انجام رساند. این اقدام دولت سوریه مبنای همه تحریقات و دروغ‌برآکنی‌های بیشرمانه خبرگزاری‌ها و اظهارنظر و قبحانه سخنگوی وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت. در شرایطی که سیاست‌های تجاوزگرانه و ضدبشری رژیم صهیونیستی با حمایت آشکار و همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا سوریه را هدف گرفته است و در شرایطی که کشور سوریه به عنوان یکی از مرفه‌ترین کشورهای عرب در خط مقدم مقابله با اسرائیل استوار ایستاده است، این شیوه رذیلت‌آمیز در جعل و تحریف حقایق توسط امپریالیسم خبری هدف دوگانه‌ای را تعقیب می‌کند. از یک سو ضربه‌زدن به اعتبار رژیم سوریه در انظار مردم جهان (همان شیوه‌ای که وسیعاً علیه انقلاب بکار گرفته می‌شود) و از سوی دیگر منحرف کردن افکار عمومی از اقدام تجاوزگرانه و توسعه‌طلبانه اسرائیل. احمد اسکندر-احمد، وزیر اطلاعات سوریه ضمن اعلام واقعیت قضیه، اخبار منتشرشده توسط خبرگزاری‌ها را تکذیب کرد و وزارت خارجه سوریه، با اصرار سفیر آمریکا به موضع‌گیری آن کشور شدیداً اعتراض نمود و آن رایه عنوان مداخله در امور داخلی سوریه محکوم کرد. دولت سوریه در عین حال این موضع‌گیری وزارت خارجه آمریکا را دلیل دیگری بر ارتباط سازمان تروریستی اخوان المسلمین با سازمان‌های جاسوسی غرب دانست.

اینکه رسانه‌های گروهی ایران این بار در دام امپریالیسم خبری نیفتادند (چیزی که در مورد لهستان در سطح بسیار وسیع اتفاق افتاد) بسیار خوشحال‌کننده است. اما می‌توان به سوریه حق داد که از انقلاب ایران بیش از این انتظار داشته باشد. با توجه به سیاست روشن ایران نسبت به سوریه، توقع بیجایی نیست که خواسته شود جمهوری اسلامی در مقابل آن نیروهای اجتماعی در سوریه که با حمایت سازمان‌های جاسوسی غرب به تضعیف رژیم تفرقی آن کشور متعولید موضع روشنی اتخاذ کنند. اهمیت این امر وقتی بیشتر درک می‌شود که بدانیم هر موضعی که ایران در قبال چنین مسائلی از جمله انفجار بمب در سوریه که چندی پیش متجر به کشته‌شدن بیش از ۱۵۰ نفر گردید، اتخاذ کند تأثیر قابل توجهی در افکار عمومی مردم منطقه بجا می‌گذارد.

در بودجه نظامی اخیر آمریکا، به تولید سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های ام-۱۰۰ ایکس و سلاح‌های مخوف شیمیایی توجه بسیار شده است. بن درحالی است که ایدئولوگ‌های امپریالیسم سوسیالیستی بودجه آمریکا سند رسوائی این سیاست و زانی سیاست، زبان فسرده سیاست و عمل امپریالیسم جهانی‌سرگردگی آمریکای جنایتکار است.

در بودجه نظامی اخیر آمریکا، به تولید سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های ام-۱۰۰ ایکس و سلاح‌های مخوف شیمیایی توجه بسیار شده است. بن درحالی است که ایدئولوگ‌های امپریالیسم سوسیالیستی بودجه آمریکا سند رسوائی این سیاست و زانی سیاست، زبان فسرده سیاست و عمل امپریالیسم جهانی‌سرگردگی آمریکای جنایتکار است.

در بودجه نظامی اخیر آمریکا، به تولید سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌های ام-۱۰۰ ایکس و سلاح‌های مخوف شیمیایی توجه بسیار شده است. بن درحالی است که ایدئولوگ‌های امپریالیسم سوسیالیستی بودجه آمریکا سند رسوائی این سیاست و زانی سیاست، زبان فسرده سیاست و عمل امپریالیسم جهانی‌سرگردگی آمریکای جنایتکار است.

در مقابل توطئه‌های امپریالیسم خبری از سوریه حمایت کنیم

اخیرا خبرگزاری‌های غرب جار و جنجال وسیعی درباره به اصطلاح موج نارضایتی مردم سوریه علیه رژیم این کشور بپا کردند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز از تظاهراتی که گویا بر ضد حکومت انجام گرفته است، صحبت کرد. واقعیت قضیه این است که در تاریخ ۲۱ بهمن دولت سوریه به کمک نیروهای مردمی عملیات گسترده‌ای را علیه تروریست‌های اخوان المسلمین در شهر "حما" آغاز و با موفقیت به انجام رساند. این اقدام دولت سوریه مبنای همه تحریقات و دروغ‌برآکنی‌های بیشرمانه خبرگزاری‌ها و اظهارنظر و قبحانه سخنگوی وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت. در شرایطی که سیاست‌های تجاوزگرانه و ضدبشری رژیم صهیونیستی با حمایت آشکار و همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا سوریه را هدف گرفته است و در شرایطی که کشور سوریه به عنوان یکی از مرفه‌ترین کشورهای عرب در خط مقدم مقابله با اسرائیل استوار ایستاده است، این شیوه رذیلت‌آمیز در جعل و تحریف حقایق توسط امپریالیسم خبری هدف دوگانه‌ای را تعقیب می‌کند. از یک سو ضربه‌زدن به اعتبار رژیم سوریه در انظار مردم جهان (همان شیوه‌ای که وسیعاً علیه انقلاب بکار گرفته می‌شود) و از سوی دیگر منحرف کردن افکار عمومی از اقدام تجاوزگرانه و توسعه‌طلبانه اسرائیل. احمد اسکندر-احمد، وزیر اطلاعات سوریه ضمن اعلام واقعیت قضیه، اخبار منتشرشده توسط خبرگزاری‌ها را تکذیب کرد و وزارت خارجه سوریه، با اصرار سفیر آمریکا به موضع‌گیری آن کشور شدیداً اعتراض نمود و آن رایه عنوان مداخله در امور داخلی سوریه محکوم کرد. دولت سوریه در عین حال این موضع‌گیری وزارت خارجه آمریکا را دلیل دیگری بر ارتباط سازمان تروریستی اخوان المسلمین با سازمان‌های جاسوسی غرب دانست.

گوشه‌ای از کمک‌های بیدریغ (شورای همیاری اقتصادی)

به کشورهای رشد یابنده

کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" به ۹۰ کشور رشد یابنده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین کمک اقتصادی، علمی و فنی می‌کنند. این شمار در آغاز سالهای ۶۰ تنها ۲۴ بود. "بانک سرمایه گذاری بین‌المللی" این شورا صندوق ویژه‌ای بالغ بر ۱۰۰۰۰ میلیون روبل قابل انتقال (پول جمعی کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی") برای کمک اقتصادی و فنی به کشورهای رشد یابنده اختصاص داده است. این کشورها می‌توانند برای توسعه و بازسازی اقتصادی وام‌هایی تا برای مدت ۱۵ سال از این بانک دریافت دارند. کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" همچنین صندوقی برای دادن بورس تحصیلی به دانشجویمان کشورهای رشد یابنده ایجاد کرده‌اند.

شورای همیاری اقتصادی "تاکنون ۳۵۰۰۰۰ کارشناس برای کشورهای رشد یابنده آموزش داده است.

"شورای همیاری اقتصادی" تاکنون ۱۵۰۰۰ میلیون روبل (هر روبل برابر است با تقریباً ۱/۴ دلار ایالات متحده) وام دولتی در اختیار کشورهای رشد یابنده گذاشته است. به خلاف "کمک" کشورهای امپریالیستی، ۷۰ درصد این مبلغ برای پی‌ریزی صنایع کلیدی بکاررفته است، که به ایجاد پایه صنعتی و علیه برابستی و وابستگی کشورهای رشد یابنده کمک خواهد کرد.

به کمک "شورای همیاری اقتصادی" در حدود ۴۴۰۰ واحد صنعتی و دیگر پروژه‌های اقتصادی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین احداث شده است و می‌شود. از این شماره ۳۰۰۰ واحد هم‌اکنون شروع به کار کرده است. اینگونه کمک‌ها گستره فعالیت استثمارگرانه انحصارات سرمایه‌داری را محدودتر کرده و در بسیاری از موارد آنها را واداشته است که شرایط اعطای وام و "کمک" را به کشورهای رشد یابنده آسانتر سازند.

حجم بازرگانی میان کشورهای شورای همیاری اقتصادی و کشورهای تازه از بندرسته پیوسته روبه افزایش است. مناسبات بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی، بازار باثباتی برای کشورهای رشد یابنده پدید می‌آورد و از وابستگی آنها به بازار برنوسان جهان سرمایه‌داری می‌کاهد. در سالهای ۷۰ یک سوم صادرات کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" به کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی بود.

موشک‌های هسته‌ای میان‌برد از اروپا برچیده شده و سلاح‌های طرفین در اروپا تا سال ۱۹۹۰ تا حد یک سوم کاهش یابد. امپریالیسم جهانی برای حفظ مصالح ضدبشری خود علیرغم اراده جمعی مردم جهان و ختی توده‌های مردم کشورهای امپریالیستی، بی‌شرمانه به سودتولید جنگ‌افزارهای مرگبار و سلاح‌های استراتژیک و به زبان آگاهی، بهداشت و تغذیه و در یک کلام به سود انحصارات و به زبان توده‌ها، رای داده و عمل می‌کند.

امروزه در انظار عمومی کاملاً رسوا و آشکار شده است. "واش‌برگر" به این ادعا توسل می‌جوید که همه محافل اجتماعی جهان به یاد دارند که این امریکابود که در تابستان سال ۱۹۸۰ مذاکرات منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی را تحریم کرد. دولت آمریکا در بودجه نظامی مذکور، بخش مهمی را به تولید موشک‌های هسته‌ای میان‌برد اختصاص داده است و این هزمان با طرح صلح‌جویانه اتحاد شوروی است که بر مبنای آن اتحاد شوروی به آمریکا پیشنهاد نموده است که

اتحاد شوروی

باردیگر بر پشتیبانی خود از انقلاب ایران قاطعانه تأکید کرد

به مناسبت جشن‌های سومین سالگرد انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران، اتحاد شوروی بار دیگر مراتب همبستگی و پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام نمود. بدین مناسبت رادیو مسکو سلسله گفتارهایی را پخش نمود که در آنها آمده است:

"تجربه انقلاب ایران دوستان واقعی و دشمنان آن را که خود را دوستان وانمود می‌سازند بروشنی شناساند. مردم ایران همیشه با قلب و عقل خود به این واقعیت پی می‌بردند. تضادنی نیست که شعارهای "مرگ بر شاه خائن" مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، که در میان توده‌های مردم بوجود آمد شعارهای انقلاب ایران شد. آیت‌الله خمینی طی تطق اول خود پس از ورود به ایران اعلام کرد که ایران از این به بعد پایگاه‌های نظامی به کشور ایالات متحده آمریکا نخواهد داد. در عین حال اعلام شده بود که ایران به حفظ مناسبات حسن همجواری با اتحاد شوروی علاقه‌مند است. این اعلامیه در ایران عکس العمل مثبت پیدا کرد. هشدار جدی مسکو به آنهایی که مقدمات مداخله مسلحانه در ایران را تهیه می‌کردند به آتش برخی‌ها در آن سوی اقیانوس آب سرد باشید. روش اتحاد شوروی همچنین به حصول توفیق در مبارزه انقلابی میهن‌پرستان ایرانی کمک نمود.

امپریالیست‌های ایالات متحده آمریکا بسا ضدانقلابیون ایرانی ارتباط بسیار نزدیک دارند و در تمام توطئه‌های ضدایرانی شرکت می‌کنند و مقدماتی برای حمله نظامی به ایران مهیا می‌سازند. برقراری محاصره اقتصادی، امتناع از استرداد ثروت‌های غارت‌شده توسط "سیا" قدرت‌نمایی در نزدیکی سواحل ایران، چنین است کارهای امپریالیست‌های ایالات متحده آمریکا در عرض سه سال گذشته. اما اتحاد شوروی بیوسه ایران را همسایه نیک خود می‌شمارد. در زمینه ساختمان واحدهای صنعتی و برقی کردن راه‌آهن‌ها به ایران کمک میکند و اجازه می‌دهد حمل و نقل ترانزیتی از ایران به اروپا و بالعکس، از خاک اتحاد شوروی صورت گیرد. این حقایق، بخودی خود، گویا و بیانگر است رادیو مسکو گفت:

"وقتی سه ماه پیش از پیروزی ۲۲ بهمن،

خطر مداخله امپریالیستی، ایران را تهدید می‌کرد و سرنوشت انقلاب در خطر بود، اتحاد شوروی بدون تزلزل مراتب پشتیبانی خویش را از مبارزات ایران در راه آزادی و علیه مداخله امپریالیستی در امور کشورتان ابراز داشت. در آن لحظه پرستولیت، لئونید برژنف رهبر شوروی اظهار داشت: اتحاد شوروی جدا و قطعاً اعلام می‌کند که ما مداخله در امور داخلی ایران، از طرف هرکس، به هر شکل و به هر بهانه، مخالف است. در این کشور حوادث صرفاً داخلی روی می‌دهد و مسائل مربوط به آن باید توسط خود ایرانیان حل و فصل شود. بطوریکه شما می‌دانید در آن سوی اقیانوس نتوانستند این هشدار جدی مسکو را، که در سراسر جهان طنین‌انداز شده بود، در نظر نگیرند، روشی که اتحاد شوروی اتخاذ کرد، موجب گردید که نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم در مورد ایران نقش بر آب شد. رادیو مسکو گفت:

پس از پیروزی انقلاب ایران اتحاد شوروی خوشوقتی خود را ابراز داشت و اعلام نمود که خواستار گسترش مناسبات حسن همجواری و همکاری با ایران نوین، ایران انقلابی است. در تلگرام لئونید برژنف به عنوان آیت‌الله خمینی در رابطه با اعلام برقراری نظم جمهوری در ایران آمده است:

سیاست اتحاد شوروی در مورد ایران، سیاست دوستی صادقانه و حسن همجواری است. این سیاست عبارت است از کوشش در راه گسترش و توسعه مناسبات همه‌جانبه میان دو کشور ما و بر مبنای اصول برابری حقوق و احترام متقابل به حق حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر. سه سالی که از آن زمان گذشت، وفاداری اتحاد شوروی را به این اصول در مورد کشورتان کاملاً تأیید کرد. بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی هم پشتیبانی خود را از مبارزه عادلانه مردم ایران و انقلاب آنان اعلام کرد و تأکید نمود که انقلاب ایران جنبه ضدامپریالیستی دارد. کنگره تمایل کشور ما را به توسعه مناسبات مبنی بر برابری حقوق و علاقه متقابل تأیید نمود و این موضع‌گیری اتحاد شوروی در مورد ایران، همیشگی و خلل‌ناپذیر است

توطئه آمریکا...

افغانستان در سازمان ملل پیشنهاد کرده بود که عضویت اسرائیل در سازمان ملل به حال تعلیق درآید و گفت: "افغانستان آماده است برای خنثی کردن نقشه‌های صهیونیستی، امپریالیستی اجرای مجازات‌های شدید علیه اسرائیل را طبق فصل هفت منشور سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار دهد"

پیروزی مجمع عمومی سازمان ملل در مقابل شانتازهای امپریالیسم آمریکا که سازمان ملل را در صورت محکوم ساختن اسرائیل و تصویب مجازات‌های اقتصادی و سیاسی علیه آن به قطع کمک مالی شهید کرده بود بار دیگر قدرت عظیم همبستگی و اتحاد ملت‌ها را که می‌خواهند آزاد و مستقل زندگی کنند به نمایش گذاشت. این پیروزی بخصوص برای جمهوری اسلامی ایران که هم‌اکنون در کانون توطئه امپریالیسم آمریکا در منطقه قرار گرفته است حاوی آموزش‌های بسیار گرانبایی است. انقلاب ایران برای دفاع از موجودیت خود، باید که بپوندهای خود را با همه انقلاب جهانی که کشورها، سوسیالیستی در کانون آن قرار دارند، بشمارد. سه سال موجودیت انقلاب ایران برای تمام کسانی که حتی اندک حسن نیتی داشته‌اند به روشنی ثابت کرده است که برخلاف پنداورهای، افتاعات و تبلیغات دشمنان انقلاب، کشورهای سوسیالیستی نه تنها دشمن ما نیستند، بلکه بزرگترین مدافعان انقلاب ایران می‌باشند. آنها از موجودیت ایرانی آزاد و مستقل دفاع می‌کنند.

- ۱ - یک سوریه قوی
 - ۲ - یک همبستگی منجمد عرب حول محور سوریه.
 - ۳ - یک رابطه مستحکم بین اعراب و اتحاد شوروی
- چنین سیاسی حاصل سالهای طولانی مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم در مقدم‌ترین شرکهاست. جمهوری اسلامی ایران باید از تجربه گرانبهای کشورهای جنبه پایداری عمیقاً بیاموزد تاریخ، وظیفه بزرگی بر دوش رهبران جمهوری اسلامی ایران نهاده است. محروم ساختن انقلاب ایران از پشتیبانی و کمک تمام‌دوران آن، در شرایطی که اسرائیسم با تمام نیرو علیه انقلاب ما خیز برداشته است قابل جبران نیست. خنثی کردن توطئه هشم آمریکا، بیش از هر زمان، بر دوش رهبران جمهوری اسلامی ایران برخورد موفقی واقع‌یافته در برخورد دوستان واقعی - انقلاب‌آیاران را طلب می‌کند. برای حذف انقلاب باید به نیازها، انقلاب باخ انقلابی داد از اهم این نیازها، نامر اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب، قطع نظر از مرام سلکشان در داخل و تحکیم بیوندهای جمهوری اسلامی ایران با جنبه جهانی ضدامپریالیستی است.

از صفحه ۱۹

چرا گروهک‌ها...

در پیام تاریخی خود به مناسبت سومین سالگرد انقلاب اولین رهنمود و دستور خود را به همین ساله اختصاص داده‌اند. و این نشانه اهمیت فوق‌العاده‌ای است که امام برای کمک به خیل افراد صادقی که به اشتباه راه کج برگزیده‌اند، قائلند. امام با توجه به تأثیر عمیق این بازگشت روی تحکیم هرچه بیشتر اعتماد توده‌های میلسونی به خلافت جمهوری اسلامی به این امر تا آنجا بها می‌دهند که بار دیگر پایان این پیام تاریخی را با همین رهنمود پایان می‌دهند و تأکید می‌کنند:

"اینجانب به شکرانه این نعمت‌های بزرگ و با احترام دهه فجر و بیست و دوم بهمن سالروز پیروزی ملت عظیم‌الشان از جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی رئیس محترم دیوان عالی کشور می‌خواهم تا به عموم دادستان‌ها و قضات محترم ابلاغ کنند که علاوه بر اسامی تهیه‌شده برای آزادی در اسرع وقت ممکن و حداکثر تا دو ماه به پرونده‌ها رسیدگی نموده و لیست اسامی زندانیانی را که به حسب شرع

مقدس عفوشان مانعی ندارد، تهیه و نزد اینجانب بفرستند. لازم است مسئولین امور در تهیه این لیست سختگیری ننمایند و هرچه بیشتر کوشش نمایند تا زندانیان به مردم عزیز ما محقق شده و همگام با آنان راه انقلاب اسلامی را بیمایند مقتضی است تأکید کنند تا در این امر سامحه نشود و همانطور که قبلاً تذکر دادم دادستانی‌ها و محاکم شرع موظفند در اسرع وقت ممکن به پرونده‌هایی که به عللی رسیدگی به آنها به تعویق افتاده است رسیدگی نموده و آن را در اولویت قرار دهند."

گفتار امام نیاز به هیچ تفسیری ندارد. کلام بسیار صریح و موکد است. تمام کوشش ما مطالعه بی‌تأکید احیای زندگی کسانی است که به علت بی‌تجربگی، بفرنجی شرایط، خیانت رهبران و اغواگری‌های موزیانه امپریالیسم و ضدانقلاب به بیراهه رفته‌اند. امام می‌گوید: "تا زندانیان به مردم عزیز ما ملحق شده همگام با آنان راه انقلاب اسلامی را بیمایند" باشد که این سخن، آویزه گوش کسانی گردد که به جای پیش‌گرفتن چنین مسی خلافت‌های راه اعمال خشونت بیشتر و ارباب را می‌پسندند.

مناسبت برگزاری دهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی درهاوانا

امروز، اتحادیه‌ها با نیروی عظیم شان در حل حادترین مسائل

دوران تاثیر جدی دارند

در ۱۷-۱۲ فوریه ۱۹۸۲ (۲۵-۲۰ بهمن ۱۳۶۰) عزم کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی (F.S.M) هاوانا پایتخت جمهوری سوسیالیستی کوبا گزار شد. با اطمینان خاطر می‌توان گفت که گره‌های فدراسیون که از آغاز تاسیس آن در اکتبر ۱۹۴۴ تاکنون، هر چهار سال یکبار برگزار شده است، در حاشیای فرازهای کارنامه فدراسیون و از جسته‌ترین روندهای تاریخ جنبش بین‌المللی سندیکائی بود و هست. در هر یک از این کنگره‌ها، نمایندگان سازمان‌های سندیکائی کشورهای مختلف در آن حضور دارند. وضعیت جنبش سندیکائی جهانی و جهات گوناگون پیشرفت و نالی آن بررسی و ارزیابی شده و از این طریق بهترین رهنمودهایی که می‌توانند پایه عمل همه آزماها و فعالین سندیکائی در سراسر جهان باشند، ارائه می‌شود. این برنامه عمل‌نرکلی‌ترین حوه خود، وظایف مبارزه در راه صلح، تنش‌زدایی، قطع مسابقه تسلیحاتی، در راه استقلال و آزادی لی و اتحاد و استقرار نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، در راه دموکراسی و تامین صفوف و زانی‌های دموکراتیک، سندیکائی، در راه عدالت ترقی اجتماعی را در فاصله بین دو کنگره برای آزماها و فعالین سندیکائی سراسر جهان تعیین می‌نماید. در همان حال عمیر تناسب نیروها در قیاس بین‌المللی به زبان جنبه نیروهای ارتجاع جهانی را در خود انعکاس می‌دهند و بر اساس جنبه گیری در اوضاع بین‌المللی راه‌های پیشبرد و نجام آن وظایف را نیز نشان می‌دهند.

آلکسی تیبایف رئیس‌شورای مرکزی اتحادیه‌های شوروی و سیرتس هیات نمایندگی شوروی در کنگره هاوانا در اهمیت کنگره دهم F.S.M و مباحث مطرحه در آن چنین گفت:

"دهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی بزرگترین واقعه جنبش بین‌المللی اتحادیه‌ها در سالهای اخیر است. اهمیت کنگره هاوانا تنها ناشی از این وضع نیست که تعداد زیادی مراکز و سازمان‌های اتحادیه‌های جهان حاضر شدند در کنگره هاوانا شرکت کنند بلکه مهم‌ترین نکته این است که تاریخ، مسئولیت بسیار بزرگی را به عهده جنبش جهانی اتحادیه‌ها در اوضاع بین‌المللی کنونی متشنج جهان گذاشته است. مساله گسترش مبارزه در راه حقوق زحمتکشان و در وحله اول در راه حق زندگی - که مهم‌ترین حق بشری است - مساله عمده مورد بحث در کنگره هاوانا است."

ابراهیم دکریا قائم مقام دبیرکل F.S.M نیز در تشریح هدف عمده کنگره دهم اظهار داشت:

"هدف عمده کنگره، تامین بهم‌فردگی بیشتر نهضت اتحادیه‌ای در مبارزه برای تامین منافع زحمتکشان یعنی تامین امکان کار و زندگی آنها در صلح است. بدین جهت ما باید پیگیرانه در راه صلح و تامین تشنج‌زدایی و خلع سلاح مبارزه کنیم. در این مبارزه هیچکس نباید ناظر لا قیدوبی تفاوت باشد. فقط در این صورت ما خواهیم توانست راه جنگ افروزان را مسدود کنیم. ما همچنین مسائل مبارزه زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای در حال رشد را برای تامین حق کار و حق زندگی عادی‌علیه

سیاست دول امپریالیستی و انحصارات چند ملیتی را که تلاش می‌کنند با نابسامانی‌های اقتصادی و مسابقه تسلیحاتی را به دوش زحمتکشان بگذارند، مورد بحث قرار خواهیم داد."

ابراهیم دکریا با ابراز اطمینان نسبت به موفقیت کنگره دهم تاکید کرد که:

"اتحادیه‌های امروزی، نیروهای عظیمی هستند که قادرند در حل حادترین مسائل دوران حاضر تاثیر جدی داشته باشند."

طبقه کارگر جهانی دهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی را در شرایطی برگزار کرد که در نتیجه تشییات نیروهای امپریالیستی، تجاوزکار و جنگ طلب، مار سنگین مسابقه تسلیحاتی بر دوش زحمتکشان و خلق‌هاستگینی می‌کند، سرکوب بیرحمانه

زحمتکشان و خلق‌هایی که برای آزادی ملی و اجتماعی خود پیکار می‌کنند، گسترش یافته‌است. دهمین کنگره فدراسیون سندیکائی جهانی از حمله با بیان صریح مواضع خود نسبت به جنگ هسته‌ای و اعلام مبارزه پیگیر در راه حفظ صلح و تامین تشنج‌زدایی در اسناد خود، بکار خویش پایان داد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برگزاری پیروزمندانه دهمین کنگره، فدراسیون سندیکائی جهانی (هاوانا) را به رفیق ابراهیم دکریا، به همه اتحادیه‌های شرکت‌کننده در کنگره و همه کارگران و زحمتکشان جهان تبریک می‌گوید.

دو خبر کوتاه

* روزنامه تشرین، ارگان سوریه نوشت:

اتحادیه کارگران سوریه، ضمن بررسی سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا در خاورمیانه، طی قطعنامه‌ای مصرف کالاها را امریکائی را تحریم کرد و از تمامی نیروهای انقلابی خواست که در جهت افشای اتحاد آمریکا با صهیونیسم مبارزه کنند.

* بنا به گزارش خبرگزاری فلسطین وفا: یک هیئت کارگری اردن به سفیر آمریکا در دمشق هشدار داد که این هیئت برای ابراز همبستگی با سوریه، سازمان آزادیبخش فلسطین و لیبی تمامی امکانات و منابع خود را علیه امپریالیسم آمریکا بکار خواهد گرفت.

بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست فرانسه

تجلی انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم

تأیید شد که در برتو وجود سوسالیزم و قدرت آن بشریت به برتگاه جامعه جنگ سوق داده نشده است و ثانیاً - در پرتو موجودیت کشورهای سوسیالیستی و دستاوردهای آنها کمونیست‌های فرانسه می‌توانند امروز امکان ایجاد جامعه سوسیالیستی در فرانسه را مورد بررسی قرار دهند. کمونیستهای فرانسه حوادث لهستان را با انگار به مواضع انترناسیونالیستی ارزیابی کردند و دروغ‌پردازهای جنون آمیزی را که وسایل ارتباط جمعی بورژوازی پیرامون حوادث لهستان راه انداخته‌اند محکوم ساخته اعلام کردند که واشنگتن از حوادث لهستان بعنوان دستاویز، جهت افزایش تشنج اوضاع استفاده کرده است.

کمونیستهای فرانسه یک‌دل و یک‌جهت آرزو مند شدند که خود مردم لهستان مسایل خود را حل و فصل کنند. بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست فرانسه عزم‌راسخ کمونیستهای فرانسه را برای تحکیم همبستگی خود با تمام نیروهای جهان که علیه امپریالیزم و استعمارنوی و در راه صلح و خلع سلاح و دموکراسی و سوسیالیزم مبارزه می‌کنند ابراز داشتند.

بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست فرانسه در پاریس به کار خود پایان داد. خبرنگار رادیو مسکو از این کنگره گزارش می‌دهد که: در عرض پنج روز دوهزار کمونیست که در کنگره شرکت داشتند، استراتژی و تاکتیک حزب کمونیست را در شرایط تازه‌ای که پس از پیروزی نیروهای چپ‌گرا در انتخابات سال گذشته فرانسه بوجود آمده، تنظیم کردند و همچنین مسایل مربوط به مبارزه در راه صلح و امنیت ملتها و در راه خلع سلاح و تقویت پایه‌های همبستگی بین‌المللی کمونیستهای فرانسه با تمام نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه جهان را مورد بحث و گفتگو قرار دادند.

در کار این کنگره هیات‌های نمایندگی قریب ۱۲۰ حزب کمونیست و کارگری و جنبشهای ملی آزادی‌بخش شرکت داشتند. هیات نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی بریاست کنستانتین چرننکو عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این کنگره شرکت نمود.

شرکت‌کنندگان در کنگره مسایل میرم و حیاتی مبارزه در راه دفاع از منافع مردم زحمتکش زحمتکش فرانسه را مورد بررسی قرار داده اشاره کردند که اجرای سیاست اصلاحات در رشته امور اجتماعی و اقتصادی فقط بشرط تشدید فعالیت بیشتر از پیش توده‌های زحمتکش امکان‌پذیر است.

کمونیستهای فرانسه با درک خطر بروز جنگ هسته‌ای به مسایل مربوط به تحکیم مبانی صلح همگانی توجه زیادی مبذول داشته و در سخنرانیهای خود به سهم مهم اتحاد شوروی در امر همزیستی مسالمت‌آمیز و در مبارزه برای خلع سلاح و تامین امنیت واقعی خلق‌ها اشاره کردند. کنگره کمونیستهای فرانسه به مدافعان امپریالیسم که سعی دارند - دستاوردهای سوسیالیزم واقعی را بد نام کنند پاسخ دندان شکنی داد.

در گزارش رزومارته دبیر کل حزب کمونیست فرانسه و در سخنرانیهای شرکت‌کنندگان در کنگره

لئونید برزنف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت گزینش مجدد رزومارته بعنوان دبیرکل حزب کمونیست فرانسه تلگرام شادباشی بعنوان وی مخابره کرد. در این تلگرام آمده است: "بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست فرانسه که تازه به پایان رسید واقعه بزرگی بود در زندگی حزب و تاریخ جنبش کارگری فرانسه و اروپا. در مبارزه تمام نیروهای دموکراتیک فرانسه در راه آینده سعادت مند و سوسیالیستی و در راه حفظ صلح، برزنف موفقیت‌های بزرگ رزومارته و تمامی اعضای رهبری حزب کمونیست فرانسه را در کار و فعالیتشان در مرحله نوین و پر مسئولیت رشد و تکامل حزب و کشور برای تمام مردم فرانسه آرزو مند شد."

ما يك سازمان سياسي هستيم

فعالیت سیاسی در چارچوب آن است. سازمان های سیاسی کشور بود که از اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان شهید قدوسی استقبال کرد و همه نیروهای مدافع انقلاب را به استقبال از این اطلاعیه فراخواند. همچنین ما نخستین سازمان سیاسی بودیم که از اطلاعیه روابط عمومی کمیته‌های انقلاب مبنی بر دعوت مردم به تحویل سلاح پشتیبانی کردیم. صدور چنین اطلاعیه‌ای را پایبندی به مصالح انقلاب دانستیم و از همگان خواهانیم که سلاح‌ها و وسائل نظامی را که از روزهای نخست انقلاب در خانه‌هایشان دارند به مراکز سپاه و کمیته‌های انقلاب تحویل دهند.

برای یادآوری موضع اصولی سازمان خاطرشان می‌سازیم که کمنه مرکزی سازمان ما اقدامات ملحقان علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم دانسه و از جمله در اطلاعیه تعبیر نام سازمان که در اول ماه مه سال ۵۹ انتشار یافت اعلام کرد:

**افتتاح کوره دوم
ذوب آهن اصفهان
گامی بلند در راه
شکوفائی
جمهوری اسلامی ایران**

در سالگرد پیروزی انقلاب کوره دوم ذوب‌آهن اصفهان افتتاح گردید و مسوود بهره‌برداری قرار گرفت. همزمان با افتتاح این کوره، کوره‌های مس اصفهان و سرچشمه، فرسند رادیویی جنوب شرقی و کارخانه پارچه‌بافی ایرانشهر نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت. مجموعه این اقدامات چشم‌انداز مثبتی را آغاز چهارمین سال انقلاب در جهت استقلال اقتصادی میهنمان عرضه نمود.

در مراسم افتتاح کوره دوم ذوب‌آهن نخست‌وزیر، وزیر صنایع و معادن گروهی از خانواده شهدا و... شرکت داشتند. هنگام افتتاح کوره، آقای موسوی نخست‌وزیر

" سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فعالیت مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کند، سازمان ما دامن‌زدن به فضای تشنج قهر و نفاق میان نیروهای ضدامپریالیست و دمکراتیک را محکوم می‌کند و آن رامستقیم و غیرمستقیم در خدمت تضعیف جنبه انقلاب و در جهت نقشه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب می‌شناسد"

دفاع پیگیر و توأم با فدائکاری و قهرمانی‌های (اکثریت) از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های جنبه براندازی سرکردگی امریکایی‌ها نسبت به صداقت ما بی‌امون مواضع یادشده همچون تهنیت‌های بافی نگذاشته است.

روح سخنان رئیس دیوان عالی کشور حاکی از اثبات این صداقت از جانب فدائیان خلق ایران (اکثریت) است با این‌همه حا داشت که در آنجا که سخن از سواستفاده

طی سخنانی در جمع کارگران صن اطهارتسنگراز تلاش‌هایی که در جهت راه‌اندازی این کوره صورت گرفته است اظهار داشت:

" این نشان می‌دهد که در نظام جمهوری اسلامی مکتب و تخصص هر دو در کنار هم برای رهایی انسان‌هاست و برای غلبه بر مستکبرین باید بکار گرفته شود و گرفته می‌شود"

(کیهان ۲۵ بهمن)

همچنانکه نخست‌وزیر خاطرشان ساخته افتتاح کوره ذوب‌آهن گامی است برای " غلبه بر مستکبرین " و با به عبارت دیگر رهایی اقتصادی مردم ما از چنگال اسارت‌بار نظام جهانی اقتصاد امپریالیستی سرکردگی امریکا. صنایع ذوب‌آهن که با همکاری نزدیک اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده برعکس اکثریت مطلق صنایع موجود در کشورمان هیچگونه وابستگی را برای ما به همراه نیاورده است. اتحاد شوروی نیز بنا به ماهیت خود، برخلاف

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اتهامات ناروا وارد کردند. به‌علاوه چنانچه عده‌ای پیدا شوند که به دروغ و برای فرار از پیکرد قانونی بکوشند نام اکثریت را وسیله قرار دهند همواره این امکان در سراسر ایران برای مقامات دادستانی و کمیته‌ها و سپاه وجود داشته است که با مراجعه روابطعمومی سازمان از حقیقت مطلع شوند.

در هر حال اکنون بار دیگر اعلام می‌کنیم که سازمان ما به مجرد اعلام اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان انقلاب اسلامی پایبندی خود را بدان اعلام داشته است و به همین دلیل هیچ اکثریتی در مدافع است و نه در عملیات خرابکاری علیه جمهوری شرکت نداشته است. جای اکثریتی‌ها عرصه‌های پیکار علیه امپریالیسم و تجاوزگران است اکثریتی‌ها مدافع پیگیر انقلاب هستند. آنان پیگیرانه در راه تعالی جمهوری اسلامی ایران می‌رزمند و بازمه به همین دلیل تا امروز هیچ اکثریتی، مسلح دستگیر نشده است. تا امروز حتی یک مورد هم نبوده است که یک اکثریتی در فعالیت مسلحانه و یا خرابکارانه

کشورها و شرکت‌های امپریالیستی که هرگونه همکاری اقتصادی برای تحکیم بندهای اسارت‌بار سه سیستم جهانی امپریالیستی است پس از پیروزی انقلاب سیاست تخریب و ورشکستگی صنایع ما را در پیش گرفته‌اند. همواره از ایجاد صنایع سنگین نیرومند و مستقل در ایران که گام بسیار مهمی برای رهایی اقتصادی میهن ماست، دفاع کرده و در این راه از هیچ باری و کمکی دریغ نوزیده است. افتتاح کوره دوم ذوب آهن اصفهان محصول این همکاری است.

راهی که ...

دومین مواضع دولت جمهوری اسلامی و خط مردمی و ضدامپریالیستی اسام خمینی است. ما با به تجربه سه ساله انقلاب از آقای توکلی می‌خواهیم بیشتر به آنچه گفتند و کرده‌اند دقیق شوند و تجربه سه ساله انقلاب نشان داده که هرکس با هر موضعی به نیروهای مدافع انقلاب پیروزه نیروهای پیروزه می‌شود. ما این همه هنوز هم نمی‌بینیم. ما این همه هنوز هم نمی‌خواهیم اسدوار نیام که آقای توکلی حاضر نشود از اسرار پسر جدا کردن خود از راهی که انقلاب می‌رود. دست بردارد.

که سازمان ما و مدافعان استقلال کشور را نادمان ساخته است. ما امروز هم که در چهارمین سال انقلاب در راه سکوفائی جمهوری اسلامی گام‌های بلندتری به پیش برداشته بود از نیروی لایزال و بالنده انقلاب در داخل و نیز از امکاناتی که حسب جهانی انقلاب در اختیار دارد. انقلاب پس از این بهره‌مند کردن با جمهوری اسلامی سکوفائی در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد.

راهی که برای راه‌اندازی کوره دوم ذوب‌آهن اصفهان بکار گرفته شد، راهی است که اقتصاد کشور ما را مستقل می‌کند و آن را از نظام اقتصاد اسارت‌بار امپریالیستی می‌رهاند. این راه همکاری و تعاون نزدیک و صمیمانه براساس همبستگی متقابل کشورهای است که مدافع انقلاب ما هستند و قادرند از نظر ساختمان اقتصادی مستقل به ما کمک کنند در

وزیر امور خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل پشتیبانی پیگیر از دوستان در برابر تجاوزات امپریالیسم

● احلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد که از روز جمعه ۹ بهمن ۶۰، به منظور طرح مجدد سیدگی به اقدام تجاوزکارانه و بیترمانه اسرائیل در مورد الحاق غیرقانونی بلندی‌های جولان به خاک خود، شروع شده بود سرانجام در روز ۱۶ بهمن ۶۰ به کار خود پایان داد.

در پایان این دوره ۹ جلسات مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای به تصویب اکثریت نمایندگان شرکت‌کننده رسید که براساس آن از همه کشورهای عضو جامعه ملل خواسته شده است "از صدور تسلیحات به اسرائیل خودداری شود، همکاری اقتصادی، مالی و فنی خود را با اسرائیل متوقف سازند و روابط دیپلماتیک و بازرگانی و فرهنگی با متجاوز را قطع کنند

جنایتکار و غارتگر امریکا، حامی اصلی و پشتیبان واقعی تمام رژیم‌های متجاوز و اشغالگر و نژادپرست می‌باشد. در جلسات عمومی مجمع عمومی سازمان ملل متحد که با شرکت بیش از ۱۵۰ هیئت نمایندگی از کشورهای گوناگون تشکیل می‌یافت، نمایندگان کشورهای مختلف پیرامون اقدام تجاوزکارانه اسرائیل سخنانی ایراد کردند آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه نیز که در راس هیئتی به منظور اعلام حمایت دولت جمهوری اسلامی ایران از کشور برادر سوریه و محکوم ساختن اقدام تجاوزگرانه اسرائیل به آن مجمع رفته بود در نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل سخنانی پیرامون تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم به سرزمین فلسطین ایراد کرد.

عدالت انسانی " تأمین شده باشد. آنگاه آقای ولایتی اصول پیمناهی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با صهیونیسم و دفاع تجاوز را بیان می‌دارد. براساس یکی از آن اصول:

" حمایت همه‌جانبه سیاسی، نظامی اقتصادی و معنوی همه نیروهای آزادیخواه و انسان‌دوست جهان از مبارزین خط مقدم جبهه به‌ویژه کشور سوریه، سازمان آزادیبخش فلسطین و مردم مقاوم و آزاده جنوب لبنان و همچنین از جبهه پایداری عرب که راه مبارزه شرافتمندانه را بر صلح تسلیم طلبانه ترجیح داده‌اند

می‌تواند مقابله با صهیونیسم و حامی آن یعنی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا را تأمین کند.

اطهارات آقای ولایتی در اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی سازمان ملل که سمت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نشان میدهد بیانگر آن است که ضرورت اتخاذ سیاست مشترک، قاطع، ترقیخواهانه و انقلابی در برابر تجاوزات و ستم‌گری‌های امپریالیسم و صهیونیسم، جمهوری اسلامی را به سمتی رهنمون شده است که بتواند بر ابهامات و سردرگمی‌ها اگرچه بطور کامل، اما به میزان قابل‌توجهی فائق آید. و بتواند در جهت رسیدن به درک روشن‌تری از دوستان و دشمنان انقلاب در عرصه جهانی گام بردارد. موضع انقلابی و سنجیده جمهوری اسلامی در اجلاس فوق‌العاده اخیر همچنین این واقعیت را باز می‌نمایند که جمهوری اسلامی ایران می‌رود تا جایگاه واقعی خود را در جبهه جهانی انقلاب که خود جزئی از مجموعه آن است پیدا کند. جایگاهی که شایسته انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی یک کشور مستقل و یک حاکمیت استقلال‌طلب و مردمی است.

به هنگام بحث و گفتگو درباره این قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که پیش‌نویس آن توسط گروهی از کشورهای عرب، کشورهای غیرمتحد و کشورهای سوسیالیستی تهیه و ارائه شده بود، یک بار دیگر چهره واقعی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پیوند ناگسستنی آن با صهیونیسم متجاوز و اشغالگر نشان داده شد. ایالات متحده امریکا به هنگام طرح قطعنامه، وقیحانه سعی کرد با اعمال شانتاژ و تهدید سازمان ملل به اتخاذ اقدامات مجازاتی و از جمله نبرداختن حق عضویت کشورهای عضو جامعه ملل را به سمتی که خود خواهان آن بود بکشاند. اما آنطور که انتظار می‌رفت، نه تنها این اقدامات امریکایی جنایتکار نتوانست مانع تصویب آن قطعنامه گردد، بلکه نشان داد دولت امریکا عملاً اقدامات راهزانه اسرائیل را که برخلاف تمام قوانین و مقررات بین‌المللی است، تأیید می‌کند و رژیم متجاوز و اشغالگر اسرائیل را در کف حمایت خود درمی‌آورد. و نشان داد که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم

" ما موظفیم نقش نیروهای استعماری را که عامل تمام فجایع این منطقه و سایر مناطق زجرکشیده جهان از جگرهای عرب، کشورهای غیرمتحد و کشورهای سوسیالیستی تهیه و ارائه شده بود، یک بار دیگر چهره واقعی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پیوند ناگسستنی آن با صهیونیسم متجاوز و اشغالگر نشان داده شد. ایالات متحده امریکا به هنگام طرح قطعنامه، وقیحانه سعی کرد با اعمال شانتاژ و تهدید سازمان ملل به اتخاذ اقدامات مجازاتی و از جمله نبرداختن حق عضویت کشورهای عضو جامعه ملل را به سمتی که خود خواهان آن بود بکشاند. اما آنطور که انتظار می‌رفت، نه تنها این اقدامات امریکایی جنایتکار نتوانست مانع تصویب آن قطعنامه گردد، بلکه نشان داد دولت امریکا عملاً اقدامات راهزانه اسرائیل را که برخلاف تمام قوانین و مقررات بین‌المللی است، تأیید می‌کند و رژیم متجاوز و اشغالگر اسرائیل را در کف حمایت خود درمی‌آورد. و نشان داد که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم

سختان خود، درباره ماهیت " عامل تمام فجایع این منطقه و سایر مناطق زجرکشیده جهان از جگرهای عرب، کشورهای غیرمتحد و کشورهای سوسیالیستی تهیه و ارائه شده بود، یک بار دیگر چهره واقعی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پیوند ناگسستنی آن با صهیونیسم متجاوز و اشغالگر نشان داده شد. ایالات متحده امریکا به هنگام طرح قطعنامه، وقیحانه سعی کرد با اعمال شانتاژ و تهدید سازمان ملل به اتخاذ اقدامات مجازاتی و از جمله نبرداختن حق عضویت کشورهای عضو جامعه ملل را به سمتی که خود خواهان آن بود بکشاند. اما آنطور که انتظار می‌رفت، نه تنها این اقدامات امریکایی جنایتکار نتوانست مانع تصویب آن قطعنامه گردد، بلکه نشان داد دولت امریکا عملاً اقدامات راهزانه اسرائیل را که برخلاف تمام قوانین و مقررات بین‌المللی است، تأیید می‌کند و رژیم متجاوز و اشغالگر اسرائیل را در کف حمایت خود درمی‌آورد. و نشان داد که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم

رفیق اردشیر کمالی دردفاع از جمهوری اسلامی در جبهه دزفول شهادت رسید

رفیق شهید اردشیر کمالی:

" من عشق به پیروزی کارگران و زحمتکشان و نفرت از سرمایه‌داری را در پای کوره‌های داغ آجریزی آموختم "

رفیق اردشیر کمالی که پس از طی دوره آموزشی مأمور خدمت در بندرجاسک بود بنا به تقاضاهای مکرر شخصی مبنی بر انتقال به خطوط مقدم جبهه به دزفول اعزام گردید و پس از ماهها تلاش و فداکاری سرانجام به تاریخ پنجم آذرماه سال جاری به درجه شهادت رسید مردم قهرمان دزفول و رزمندگان سلحشور سنگرهای مقاومت در برابر متجاوزین صدامی امریکایی هیچ‌وقت خاطره افتخارآفرین این فرزند و هم‌رزم ایثارگر خود را فراموش نمی‌کنند.

اردشیر که به قول خودش: (خوب می‌دانم چرا صدام به مردم ما حمله کرده است و وظیفه ما چیست) با تکیه بر درک روشنش از ماهیت این جنگ و وظیفه انقلابیون این مرز و بوم با تمام وجود در مقابل متجاوزین ایستاده و کمر همت به خدمت مردم بسته بود.

رفیق اردشیر کمالی که به علت عدم استطاعت مالی خانواده مجبور بود در تمام طول عمر خود در ضمن تحصیل به کار بپردازد و هر سال چند ماه از عمر خود را در کوره‌های آجریزی کار کند بخوبی از شدت سستی که به کارگران و زحمتکشان میهنمان در زمان رژیم منور شاهنشاهی روا داشته می‌شد آشنا بود.

رفیق اردشیر درباره انقلاب بیست و دوم بهمن می‌گوید:

" ارزش این انقلاب عظیم را کارگران و زحمتکشان درک می‌کنند. این انقلاب ما را گام بسیار عظیمی به جلو برد. زنجیرهای سنگینی را از دست و پای ما باز نمود. و دلیل حمایت همه‌جانبه زحمتکشان و دشمنی امپریالیست‌ها و عوامل آنها با این انقلاب در همین جا نهفته است. "

رفیق اردشیر کمالی در مورد تجاوز جنایتکارانه رژیم صدام به میهن انقلابیان می‌گوید:

" بهتر است از زبان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی شنید که می‌گوید این دست امریکا است که از آستین صدام بیرون آمده است. من نمی‌دانم چگونه هواداران گروهکهای چپ‌رو این خروش انقلابی را از زبان رهبر انقلاب و همه مردم انقلابی میهنمان می‌شنوند، کهرچه فریاد دارند بر سر امریکا بکشید " ولی نمی‌توانند خود را از دام امپریالیسم ساخته براندازی جمهوری اسلامی برهانند "

رفیق اردشیر کمالی در سال ۱۳۴۰ در شهرکرد در یک خانواده زحمتکش دنیا آمد و علیرغم عمر کوتاهش همچون فرزندان سایر زحمتکشان میهنان طعم تلخ محرومیت و ستم را کشید و به کمک احساسات پاک انسانی و روحیه انقلابی‌اش پای در میدان مبارزه با ستم‌گری و استثمار نهاد. در سال ۱۳۵۷ به سازمان ما پیوست خود قبل از شهادتش در این باره طی نامه‌ای که به یکی از رفقایش می‌نویسد می‌گوید:

" من امروز که در جبهه جنگ با متجاوزین به میهن انقلابییم هستم و به سرنوشت دردناک هواداران گروهکهای چپ‌رو واقفم که چگونه به جای خدمت به مردم در دام توطئه‌های امپریالیسم‌گرفتار آمدند و به صورت کارگران بی‌جیره و مواجب نقشه‌های پنتاگون درآدمه‌اند بیشتر از هر زمانی هوادار سازمان هستم و واقعا از داشتن چنین رهبریتی احساس سرافرازی می‌نمایم "

ما خاطره شهادت و جانبازی رفیق شهید اردشیر کمالی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی را آرج می‌نویسیم و به خانواده رنج‌دیده رفیق، درود می‌فرستیم و برای رزمندگان قهرمان میهنان آرزوی پیروزی می‌کنیم

نه!

این قافله را سرباز ایستادن نیست

- ۱۱ - رفیق شهید مهندس مهدی شمس‌خامنه
- ۱۲ - رفیق شهید موثقی نژاد
- ۱۳ - رفیق شهید نوروزی نوروزی
- ۱۴ - رفیق شهید اکبر طایبی
- ۱۵ - رفیق شهید احمد خیاط مقدس
- ۱۶ - رفیق شهید کامران واحسدی

از زمان توقیف ناعادلانه " نامه مردم " که امکان انعکاس زندگی و شهادت دلیرانه رزمندگان توده‌های در جبهه‌های جنگ از رفقای توده‌های گرفته شده است ، رفقای توده‌های که در زیر نامشان می‌آید دوش به دوش پاسداران ، سربازان و فدائیان و دیگر نیروهای میهن‌دوست و مردمی در جبهه‌های جنگ با تجاوزگران صدامی به شهادت رسیده‌اند :

- ۱ - رفیق شهید خسرو مساح
- ۲ - رفیق شهید خسرو علیمراد نصرآبادی
- ۳ - رفیق شهید سعید صدرا (چویداران)
- ۴ - رفیق شهید داوود محجل صادقی
- ۵ - رفیق شهید حسین ننادری
- ۶ - رفیق شهید علی سعدونی
- ۷ - رفیق شهید کیوان فتوره‌چی که در روز تولدش به شهادت رسید .
- ۸ - رفیق شهید سیامک سلیمی نژاد .
- ۹ - رفیق شهید محمد حسین آذرکیش
- ۱۰ - رفیق شهید عیسی کوچک‌تبار

همچنین رفقا

- ۱ - گیتا علیشاهی
 - ۲ - مصطفی بختی
- نیز در همین فاصله در اوج وفاداری به جمهوری اسلامی ایران و در دفاع از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی ، شهید شده‌اند .
- ما یاد این رفقای قهرمان را گرامی می‌داریم و با خاطره همیشه جاویدان آنها میثاق می‌بندیم که راه آنها را تا ریشه‌کن کردن سلطه امپریالیسم از خاک میهن انقلابی ادامه بدهیم .

نامشان جاوید و یادشان گرامی باد

امام خمینی: این پائین شهری‌ها و این پابرنه‌ها ولی نعمت ما هستند

سخنرانی امام در هشتمین روز از دهه فجر در حضور رئیس جمهور ، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی تعدادی از وزرا و پرسنل ارتش چون ستارهای بر سرآغاز چهارمین سال پیروزی انقلاب می‌نرخشند . امام در سخنان خود برجسته‌تر از هر بار دیگر به طرح آن مسائلی پرداخت که در صورت حل شکست‌ناپذیر خواهد شد امام در آغاز سخنان خود گفتند :

" اساس سلطه‌ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است ، افراد مرفه و کسانی که سرمایه‌های بزرگ داشته‌اند ، یا قدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته است . مآذایی که مجلس و ارگان‌های دولتی و همه اینها و مردم از این طبقه متوسط و مادن متوسط تشکیل بشود ، امکان ندارد که یک دولت بزرگی یک قدرت بزرگی به هم برند اوضاع را "

کتردی و عمق این کلام داهیا نه امام برای تمام کسانی که درد انقلاب را با تمام وجود احساس می‌کنند واضح و آشکار است . مردم محروم و مستضعف در طول تاریخ با انزوا و تنوالتها و سرمایه‌داران بزرگ سر سازگاری نداشته‌اند . اگر استثمار و امپریالیسم موفق شد ، ستم را یک قرن سلطه جا برانه خود را بر میهن ما تحمل نماید و آزاده ، استقلال ما

را به زنجیر کشیده و مردم را در بند محرومیت و فقر نگاهدارد ، جز از طریق همدستی با فئودالها ، تجار و سرمایه‌داران بزرگ نبوده است . مردم زحمتکش و محروم ، ماهیتاً با هر نوع سلطه‌جویی مخالفند . و در طول تاریخ بیرون خود در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی پیکار کرده‌اند ، اینها همه آموزشی‌های تاریخ است ، ولی امام از تاریخ برای امروز سخن می‌گوید و با این جمله هشدار و رهنمود می‌دهد که اگر همچنان " افراد مرفه و کسانی که سرمایه‌های بزرگ داشته‌اند ، همچنان به غارت و جباران مردم مشغول باشند ، اگر انقلاب دهان‌های حریص و سیری‌ناپذیر آنها را سنبندد و اگر حلقه نرسناندوری بی‌حد گروهی فیل در جامعه گرفته نشود بر سر انقلاب ما با تمام عظمتش آن خواهد آمد که در گذشته شاهدش بودیم .

اساس استضعاف ملت‌ها از خودشان و از قدرتمندان بین خودشان بوده و شما سکر کنید که یک همچو مجلسی دارید که از طبقه مرفه در آن هیچ نیست "

بدین ترتیب حقوق نثار استقلال آزادی و جمهوری اسلامی از نظر امام عبارت از این است که عدالت اجتماعی در جامعه تأمین گردد . با وجود قدرتمندان و مستکبران در جامعه و استضعاف ملت‌ها مردم زحمتکش تحققی چنین ستمگری امکان‌پذیر نیست . ادامه داری تنوالتها و سرمایه‌داران بزرگ دیگر وابستگی هرچه بیشتر به کشورهای

اقتصادی به به جنگا در یک کلام شاهد نایس عدالت اجتماعی برای محرومان جامعه ما باشد .

نرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا پیروز باد انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران

گرامی باد خاطره تابناک شهدای ۲۹ بهمن تبریز

سارمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - کمیته ایالتی آذربایجان ۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۰

" اساس سلطه‌ای که بر کشورها و بر کشور ما از طرف غیر واقع شده است ، افراد مرفه و کسانی که سرمایه‌های بزرگ داشته‌اند ، یا قدرت برای حفظ خودش و حیثیت خودش در دست داشته است (بود) (امام خمینی)

امپریالیستی و در رأس آن امپریالیسم آمریکاست . برای آنها آزادی معنایی جز آزادی برای جباران مردم ندارد . آنها از آن اسلامی دفاع می‌کنند که امروز در عربستان سعودی و پاکستان و نظایر آن حکومت می‌کند . و امام می‌داند که با وجود اینها چیزی از این عمارت اساسی انقلاب برجای نخواهد ماند و رهنمود می‌دهد :

" خدمت به خلق کنید و خدمت به احکام اسلام کنید و برای آنها که اولیا ما هستند این پائین شهری‌ها و این پابرنه‌ها به اصطلاح شما اینها ولی نعمت ما هستند . اگر اینها نبودند ما با خودی و باکستان و نظایر آن حکومت می‌کنیم . و امام می‌داند که با وجود اینها چیزی از این عمارت اساسی انقلاب برجای نخواهد ماند و رهنمود می‌دهد :

خدمت به خلق کنید و خدمت به احکام اسلام کنید و برای آنها که اولیا ما هستند این پائین شهری‌ها و این پابرنه‌ها به اصطلاح شما اینها ولی نعمت ما هستند . اگر اینها نبودند ما با خودی و باکستان و نظایر آن حکومت می‌کنیم . و امام می‌داند که با وجود اینها چیزی از این عمارت اساسی انقلاب برجای نخواهد ماند و رهنمود می‌دهد :

گرامی باد خاطره تابناک شهدای ۲۹ بهمن تبریز

سارمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - کمیته ایالتی آذربایجان ۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۰

گرامی باد خاطره تابناک شهدای ۲۹ بهمن تبریز

گرامی باد

خاطره قیام ۲۹ بهمن مردم قهرمان تبریز

۲۹ بهمن ۱۳۵۶ روز خروش متحد و مجسم مردم قهرمان تبریز علیه سلطنت ، استبداد و امپریالیسم است در این روز زحمتکشان و رنج‌دیدگان شور تبریز یکجا رجه به خیابان آمدند ، بر سکوت مرگبار آن زمان نوریدند و هرآنجا را که وابسته به رژیم منحوس پهلوی و مرکز اعمال ستمگری سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی بود ، مورد بورس قرار دادند ۲۹ بهمن ندای وحدتی بود با تلاش قهرمانانه مردم قم در ۱۹ دی و صدای رسایی بود که نوید از ۲۲ بهمن می‌داد .

مردم قهرمان تبریز ! اسال چهارمین سالگرد

پس روزتر از گذشته ما می‌خواهیم

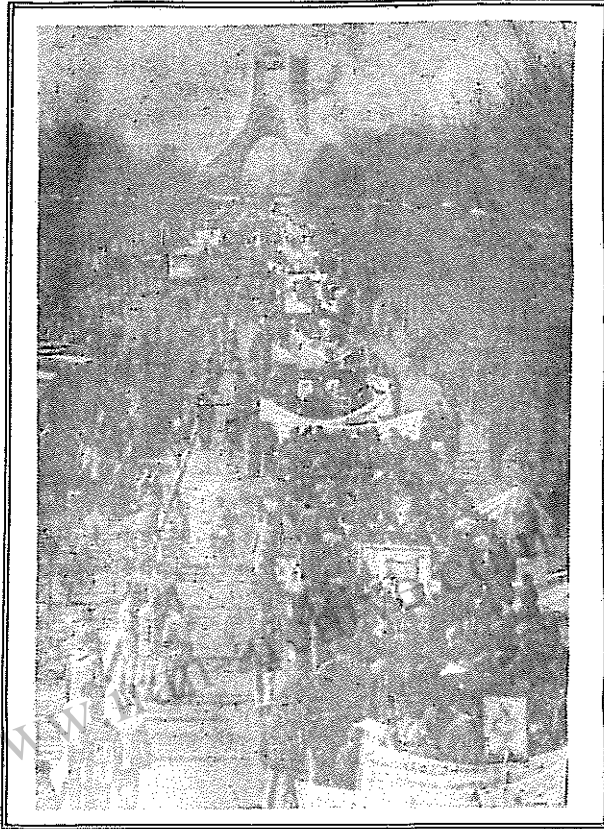
شادیم که اتوار ترمی مانیم

با خلق پانخاسته - این جبهه عشق -

برگشته سسیده ما می‌رانیم

ایران در سومین سالگرد انقلاب خروش برداشت :

مرگ بر آمریکا



مراسم و جشن‌های بزرگداشت لایب ، دهه فجر " که از ۱۲ من ماه آغاز شده بود ، با مراسم نیکو روز ۲۲ بهمن ماه ، سالروز لایب شکوهمندان پایان یافت . م. قهرمان میهنان در روزهای آن سومین سال انقلاب ، خاطره لایب بزرگ خود را با عظمت تر و نیکوتر از هر زمان دیگر ارج دادند و برگزار کردند. از سوی غولین جمهوری اسلامی نیز ، میت بزرگداشت انقلاب پیروزمند من ۵۷ ، جدی تر و چشمگیرتر از وقت دیگر مورد تاکید قرار گرفت چنین مردم جهان فرصت آن را تشنه پیوند همچنان زنده مردم ضر در صحنه را با انقلاب و عزم لادین آنان را در تثبیت ، تعمیق گسترش دستاوردهای این انقلاب بنند و تحسین کنند .

بزرگداشت انقلاب و زنده پداشتن خاطره حماسه‌های عظیمی برای پیروزی انقلاب انجام گرفته یله موثری است برای نشان دادن مت مبارزه سترگ مردم به خود ان مردم که جنگند تا آزاد و قل زندگی کنند. اما آنچه که متر و موثرتر است آن است که خاستگان همچنان پریا بمانند و ن دهند که انقلاب زنده است و دهمچنان زنده بمانند. هدف اصلی قدم از بزرگداشت مراسم آن بود توده‌های مردم، روزهای قهرمانی سود را بیاد آورند، تا با مانی‌های بیشتر، اهدافی را که د از بی درهم کوفتن نظام غوت تحقق یابد ، مصمتر و ی. سرب بکینند. برگزاری پرشکوه س‌های دهه فجر و به‌ویژه مراسم وهمند ۲۲ بهمن در میدان آزادی در دریای خروشان خلق برگزار بار دیگر نشان داد که انقلاب ان همچنان استوار باقی است و یونها تن با مشت‌های گره کرده نروشن‌تر از همیشه فریاد می‌زنند " مرگ بر آمریکا " و بیگنرو قاطع راه گ خود را به سوی تحقق ج‌های انقلاب شکوهمندان ادامه دهند .

ما امروز خوشحالیم که برگزاری سم و جشن‌های بزرگداشت انقلاب اهداف اساسی خود رسیده است و برافرازیم از اینکه هواداران مان در پاسخ شایسته‌شان به خوان سازمان مبنی بر شرکت ل و گسترده در مراسم جشن‌های لایب ، نقش جدی ، چشمگیر و لی در برگزاری هرچه باشکوهتر هرچه کوبنده‌تر این مراسم ایفاء ند و توانستند در کنار دیگر وهای مدافع انقلاب و جمهوری وظایف انقلابی خود عمل نمایند

دروود بر شهیدان ، مرگ بر آمریکا

مراسم " دهه فجر " از روز ۱۲ ن ، روز تاریخی " آمدن اسام " ز شد. اولین روز مراسم در

بهشت‌زرها ، با گرامیداست خاطره دهها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق که خون خود را نثار کردند تا نهال انقلاب آبیاری شود و به بار بشیند ، آغازشد. احترام به شهیدان راه انقلاب ، از نخستین روز دهه فجر یادآور حرکت درس‌آموز و داهیبانه اسام خمینی بود که در سال ۵۷ به محض مراجعت به مین ، از فرودگاه ، مستقیم به بهشت‌زرها رفتند که به شهیدان خفته در خون انقلاب ادای احترام کنند .

وزیر ارشاد در این روز درباره اهمیت بزرگداشت مراسم " دهه فجر " در نشان دادن تداوم انقلاب و خنی کردن تبلیقات وسیع امپریالیست‌ها سخنرانی کرد. و سپس پیام بسیار سهم آیت‌الله منتظری که حاوی رهنمودهای بسیار ارزنده و هشداردهنده و راهگشا در حفظ و تداوم انقلاب بود ، قرائت گردید . آنگاه پیام انقلابی حجت‌الاسلام خامنه‌ای ، رئیس‌جمهور خوانده شد در این پیام به مراجعت به‌موقع امام اشاره شد و بر پیوند گسست‌ناپذیر اسام خمینی با مردم بیخاسته ایران برای مبارزه با آمریکا و دیگر دشمنان انقلاب ایران تاکید ویژه‌ای بعمل آمد. در پیام رئیس‌جمهور آمده‌است :

" اما امام می‌بایست بیاید تا سراسیمگی امپریالیسم جهان‌خوار و عوامل حقیر داخلی اش ، کامل شود تا دشمن، خوار و بیمقدار گردد تا ملت مصمتر و استوارتر بمانند و انقلاب به پیش برود "

در اولین روز مراسم ، دیگر مسئولین طراز اول جمهوری نیز پیام‌هایی دادند که در کار پیام‌های خوانده‌شده در بهشت‌زرها ، این امید را در میان مستضعفان و اقشار محروم و زحمتکش جامعه ما برانگیخت که :

افق‌ها روشن‌ترند ، بایسد مصمانه به پیش رفت .

همه‌جا زنده‌باد " مرگ بر آمریکا "

از روز سیزدهم بهمن‌ماه تا آخرین روز مراسم یعنی بیست‌ودوم بهمن‌ماه مراسم برگزار شده عبارت بود از تشکیل نمایشگاه‌هایی از دستاوردهای انقلاب که کار بسیار ارزشمندی در معرفی انقلاب و پیروزی‌های آن بود . گزاری مسابقات ورزشی متعدد با م مشترک جام ۲۲ بهمن ، فستیوال عیلم و تئاتر ، مراسمی برای نشان دادن نقش مهم مساجد به عنوان

مراکز بسیج و تشکل توده‌های زحمتکش در جریان تدارک پیروزی انقلاب و حفظ انقلاب از گزند توطئه‌های آمریکا . نشان دادن گوشه‌هایی از جنایت جنگ امریکایی صدامی ، بازدید از آسایشگاه‌های معلولین و اردوگاه‌های مهاجرین جنگ تحمیلی صدام علیه ایران و دیدار با خانواده‌های شهدا و ... آگاه‌ساختن میهنان خارجی از حقایق انقلاب ایران یکی دیگر از برنامه‌ها بود. میهنان خارجی با رئیس مجلس دیدار کردند و حجت‌الاسلام رفسنجانی در این دیدار بر روی موضع ضدامپریالیستی جمهوری اسلامی ایران و مواضع وحدت‌طلبانه ایران با دوستان ضدامپریالیست منطقه تاکید کرد. برای میهنان خارجی که از آسایشگاه‌های وابسته به بنیاد شهید دیدار کردند ، روحیه بالای معلولین انقلاب که در یکی از کاخ‌های سابق طاغوت بسر می‌برند ، بسیار جالب بود .

در مورد فیلم‌ها و تئاترهایی که برصحنه آورده شد ، ضمن اینکه باید گفت که موضوع اصلی این فیلم‌ها مبارزات قهرمانانه مردم ما در سرنگون کردن طاغوت بود و مورد استقبال مردم نیز قرار گرفت ، اما مردم هنگامی شنیدند که آقای توکلی سخنگوی دولت فیلم‌های ضدامپریالیستی مربوط به مبارزات قهرمانانه خلق‌های ویتنام ، کوبا کاصوح و ... را که قرار بود روی اکران سینماها آورده شود ، ممنوع اعلام می‌کند ، بسیار متاسف و متعجب شدند. هنوز هم روشن نیست که به چه علت مردم باید از کسب نهارب خلق‌هایی که قهرمانانه یوزه شیطان بزرگ، آمریکا را به خاک مالیند ، محروم بمانند ؟

علاوه بر مراسم فوق‌الذکر ، تشکیل نمایشگاه بین‌المللی و نیز نمایشگاه‌های مربوط به عکس‌های انقلاب و جبهه‌ها و پوستر توسط وزارت ارشاد ، سپاه جهاد و سایر نهادها و ادارات بر شکوه روزهای جشن می‌افزود و عظمت انقلابی را که می‌رود تا پیروزی‌های بزرگتری بدست آورد ، به نمایش می‌گذاشت . بر بالای درگاه تمام نمایشگاه‌ها نخستین جمله این بود :

مرگ بر آمریکا

قانون ، مورد حمایت قرار گرفت

در صبح روز هجدهم بهمن ، گروهی از مردم برای حمایت از قانون در مقابل مجلس شورای اسلامی گرد آمدند . مردم شعار می‌دادند : " مرگ بر آمریکا " اجرای قانون در وطن خواهیم - کيفر - قانون‌شکن خواهیم . " از اجرای عدالت باید حمایت گردد - قانون این جمهوری باید رعایت گردد . این مراسم که اهمیت سیاسی زیادی برای پیشرفت انقلاب داشت با آتشزدن پرچم آمریکا پایان گرفت

با هر مذهبی علیه آمریکا متحد شویم!

مراسم مشترک اقلیت‌های مذهبی به مناسبت دهه فجر از روز یکشنبه ۹ بهمن‌ماه که با شرکت رهبران مذهبی اقلیت‌ها و وزیر ارشاد و نیز نمایندگان هم‌میهنان ارضی، آشوری، کلیمی و زرتشتی در مجلس شورای اسلامی صورت گرفت، از مراسم وحدت‌بخش و موثر "دهه فجر" بود در این مراسم پیام آقاه هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی خوانده شد و چند تن از نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، سخنرانی کردند. حجت‌الاسلام معادیخواه سخنرانی بر مضمونی کرد و در پایان سخنان خود گفت:

" همه ادیان لاقبل می‌توانند در شعار برگ بر آمریکا مشترک باشند "

این مراسم با شعارهای درود بر خمینی - مرگ بر آمریکا و درود بر شهیدان - استقلال، آزادی جمهوری اسلامی - خاتمه یافت.

رزم مشترک برای درهم‌شکستن تجاوزات آمریکا عامل وحدت نیروهای مسلح

برگزاری مراسم وحدت نیروهای مسلح در دانشگاه تهران و خواندن نماز وحدت در روز نوزدهم بهمن ماه از مراسم باشکوه و موثر دیگری بود که نشان می‌داد انقلاب در ارتش جمهوری اسلامی همچنان رو به گسترش است. در این مراسم، پاسدار ارشدی همصدا با یکدیگر فریاد زدند: " مرگ بر آمریکا " و همقدم با همدیگر روی پرچم آمریکا پای کوبیدند و رژه رفتند. آنها با تانک‌هایشان که رو به سوی مترسک‌های آمریکا نشانه رفته بودند علامت پیروزی را ساختند و پیروزی‌های بزرگتر انقلاب را بر آمریکا نوید دادند.

صدا و سیماي جمهوری اسلامی، تصویرگر عظمت انقلاب

صدا و سیماي جمهوری اسلامی نیز در طول دهه فجر، در مقابله با دوره‌های پیشین، مجموعاً چهره مثبتی از خود نشان دادند. اجرای نمایشنامه‌های مربوط به دوران انقلاب انعکاس خاطرات مردم از روزهای انقلاب و فیلم‌های مستند دوران انقلاب فیلم‌های سینمایی متعدد که غالباً مضامین و سوزهای ضدامپریالیستی و مردمی داشتند، بخش سرودهای اوائل

انقلاب پخش کلیه مراسم دهه فجر و سخنرانی‌ها و تظاهرات و رژه‌ها و ... و از همه مهمتر ترتیب‌دادن یکسری مصاحبه‌ها یا مسئولین طرازاول خط‌امام و جمهوری که در آگاه‌کردن توده‌های محروم نسبت به آماج‌های انقلاب بسیار موثر بود، از برنامه‌های مثبت و فوق‌العاده رادیو و تلویزیون بود.

روز ۲۲ بهمن اوج نمایش قدرت خلق علیه آمریکا

بانگ تکبیر شب ۲۲ بهمن که عین مرگ بر آمریکا بود، همه فضای میهن را سرشار کرد و پیشوازی بود برای نمایش عظیم قدرت خلق علیه آمریکای جنایتکار که در صبح ۲۲ بهمن، در میدان آزادی همه‌جهان شاهد آن بود،

تهران در صبح ۲۲ بهمن، دریای خروشان خلق بود، انبوه مردم در حالیکه مترسک‌های ریگان و عموام را آتش می‌زدند با تصاویر امام در میدان آزادی و خیابان‌های اطراف گرد می‌آمدند. همه جا فریاد مقدس " مرگ بر آمریکا " بگوش می‌رسید و کاخ مستکبران جهان زلزل می‌لرزاند.

از پرنکوه‌ترین لحظات مراسم ۲۲ بهمن میدان آزادی، رژه پاسداران نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، و بهویژه نیروهای ارتش ۲۵ میلیونی بسیج و نیروهای مردمی بود. رژه دانش‌آموزانی که قلم‌هایشان عین مسلسل‌هایی بود که قلب آمریکا را نشانه گرفته است بر شکوه مراسم بسیار می‌افزود.

به هنگام نیمروز، در اوج خروش خلق علیه آمریکای جنایتکار، پیام رهبر انقلاب به مناسبت سومین سالگرد انقلاب توسط حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی خوانده شد.

در میان خروش " مرگ بر آمریکا "ی مردم که با فریاد خمینی رهبر آذین می‌یافت پیام امام در فضای آزاد طنین انداخت:



ایران دیگر جای تاخت و تار آمریکا و دست‌نشانده‌گانش نیست.

* خواب‌های شیرینی که مخالفان داخلی و پشتوانه‌های خارجی آنان دیده بودند، و رویاهای امیدبخشی که گانه‌های طلایی برایشان بنا نموده بود یکی پس از دیگری با هست والای ملت عظیم‌الشان و جوانان پرورنده اسلام فرو ریخت.

* سرنوشت حسین اردنی همان سرنوشت شاه مخلوع یا آن قدرت بزرگ شیطانی و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ و کوچک خواهد بود و چنانچه سرنوشت صدام، بخواست خداوند قادر همان است.

* ملت و دولت ایران نمی‌خواهند که به کشورهای اسلام‌صدمه و ضرری وارد شود، بلکه می‌خواهند ... چپاولگران جهان‌خوار را از سلطه بر کشورهای اسلامی و مسلمانان و مستضعقان جهان باز دارند و دست چپاولگران و ستمکاران را قطع کنند.

* از جمله (نصرت خدا) اجرای عدالت اجتماعی در تمام دستگاه‌های قضایی و اجرایی در سراسر کشور و از جمله سبک‌دستی و رسیدگی سریع به پرونده‌های زندانیان و خصوصاً آنان که جرمشان مادون جرم گروهبکهای مفسدین و ملحدین اغتشاش‌گر است و رسیدگی به پرونده‌های کسانی که به عللی به تعویق افتاده است اولویت دارد.

* صدای مظلومیت ملت و جرائم فدرت‌مندان ستمگر را به اطلاع ملت‌ها و مظلومان جهان برسانند.

* باید بدانند که اکثر کسانی که علیه انقلاب سپاهی می‌کنند از طبقاتی هستند که جلو استفاده‌های نامشروع آنان گرفته شده است ... و الا طبقه محروم که اکثریت قاطع را تشکیل می‌دهند وفادار به اسلام و جمهوری اسلامی می‌باشند.

* ایجاد نظم و انضباط در حوزه‌ها که لازم است از حوزه علمیه قم شروع شود و بطور جدی و اساسی عمل شود البته این امر برای حفظ حوزه‌ها از ورود عناصر منحرف از حجت‌عقاید و اخلاق و اعمال، از اهم وظایف شرعی است.

* ملت و دولت جمهوری اسلامی ... صلح‌جویی و رندگانی مسالمت‌آمیز با تمام دولت‌ها و ملت‌ها را طلب می‌باشند ... از همه کشورهای ملتها می‌خواهند که با هم متحد و یکصدا در مقابل تجاوزگران - هرکس که باشد قیام کنند و خود را از چنگ جهانخواران نجات دهند ... با ملت و دولت ایران دست برادری دهند تا به اتفاق، اسرائیل غاصب را از کشورهای اسلامی و زمین‌های منسوب بیرون رانیم.

* ملت با این خسارات هرچند بزرگ باشد از صحنه خارج نمی‌شود.

* مراتب تشکر و سپاس خود را متواضعانه تقدیم ملت بزرگوار متعهد ایران (می‌نمایم) .

* استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نمائیم .

* با احترام دهه فجر و بیست و دوم بهمن سالروز پیروزی ملت عظیم‌الشان از رئیس محترم دیوان عالی کشور می‌خواهم تا به عموم دادستان‌ها و قضات محترم ابلاغ

کنند که علاوه بر اسامی تهیه‌شد، برای آزادی در اسرع وقت ممکن حداکثر تا دو ماه به پرونده‌ها رسیدگی نموده و لیست اسامی زندانیانی را که به حسب سره مقدس عفوستان مانعی ندارد تهیه و نزد اینجانب بفرستند. لازم است مسئولین امور در تهیه این لیست سخت‌گیری ننمایند و هرچه بنشد کوشش نمایند تا زندانیان به سره عزیز ما ملحق شده و همگام با آر راه انقلاب اسلامی را بیمایند مقتضی است تاکید کنند تا در این امر مساعدت نشود.

سرار وراثت امام، روز پاسداران، کمیته‌ها و گروه‌ها، مسیح مردمی ادامه یافت. سرار پایان مراسم رژه یکی ا اعضای خانواده شهدا سخنانی ایراد کرد. سخنران با تاکید خاطر بسیار حاجت:

" اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارز با آمریکای جنایتکار است عمل کنیم فردا یعنی شهید پیروزی را خواهیم چسبید

معاد جواد، وزیر ارشاد، در سخنانی کوتاه از استقبال بی‌سوز یکم نظیر مردم تشکر کرد و مراتب دهنده فجر را به درستی تشکر بزرگ دستگاه‌های تبلیغاتی ستیظار بزرگ - آمریکا و انادی آن توصیف کرد.

در پایان، قطعنامه مراسم، قرائت شد. در این قطعنامه، اسرار، توطئه‌های آمریکای جنایتکار علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، بودند ماکسیسم، سوسیالیسم، خمینی و سوسیالیسم را روحانیت مبارز مورد تاکید قرار گرفت. در قطعنامه، جناب صدام، استقبال بلندی‌های حولان از سوز اسرائیل صهیونیست محکوم شد و به رژیم‌های ارتجاعی منطقه د آحرای توطئه‌های آمریکا، براندازی جمهوری اسلامی ایران، اخطار داده شد. در قطعنامه، از جمله آمده است:

" از مجلس شورای اسلامی نیی می‌خواهیم تا به منظور مبارز با تروریسم و رفع محرومیت‌ها؛ بجای مانده از رژیم طاغوتی هرچه سریع‌تر لوایح و طرح‌هایی را جهت رفع مشکلات اقتصادی؛ مستضعفین و اقشار محروم جامعه به تصویب رساند و ما خواستاً به تاجرا درآمدن سریع برنامه‌ها؛ کوتاه‌مدت میان‌مدت و درازمدت اقتصادی از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران هستیم "

مراسم با سرود زندگی‌ساز انقلاب به پایان رسید. با سرود:

مرگ بر آمریکا!

پیرامون مصاحبه رئیس دیوان عالی کشور

ما یک سازمان سیاسی هستیم

هیچ اکثریتی مسلح نیست و هیچ یک از ما اکثریتیها در اقدام مسلحانه و خرابکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران شرکت نداشته است و به همین دلیل هیچ یک از بازداشت شدگان وابسته به سازمان ما نه مسلح بوده‌اند و نه در عملیات خرابکارانه و ضدانقلابی شرکت داشته‌اند

با کمال تأسف تا امروز بارها شاهد بوده‌ایم که برخی دادگاهها اعضا و هواداران صدیق سازمان ما را که پیگیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند با برجست اقلیتی بازداشت و حتی برای آنان احکامی کاملاً ناعادلانه صادر شده است. ما از مقامات قضایی بصراً تقاضا می‌کنیم به این موارد نقض قانون رسیدگی کنند.

رئیس دیوان عالی کشور، محمدا سلام موسوی اردبیلی در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (شنبه هفدهم بهمن ماه ۱۳۶۰) در پاسخ سئوال خبرنگار اطلاعات که «... بعد از آنکه هواداران کدام گروهها را باید بگیرند؟» گفته است: «کافی کسی فعالیت مبنایی می‌کند تا او را

می‌گیرند می‌گویند من جز اکثریتیها هستم... الان داریم با اسلحه گرفتند مسلحانه در سر قرار گرفته‌اند می‌گویند من اکثریتی هستم، اگر اکثریتی هستی در سرفراز چه می‌کردی؟ چرا با سلاح چرا با نارنجک چرا با اسلحه کمری؟»
سخن رئیس دیوان عالی کشور به خبرنگار اطلاعات حاوی نکاتی است که توضیح پیرامون آن خالی از فایده نیست.
سازمان ما بارها تاکید کرده است که شرط مقدم دفاع یکم از انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری امام خمینی، یاییدی به قانون اساسی و بدین سرفراز

در صفحه ۲۳

چهارمین سالگرد قیام

۲۹ بهمن چهارمین سالگرد قیام قهرمانانه مردم تبریز علیه رژیم آمریکایی شاه و اربابان آمریکایی آن فرارسید قیام تبریز نمونه‌ای بود از جانفشانی و حماسه‌آفرینی زحمتکشان شهر و روستا و این برپادارندگان و پاسداران حقیقی انقلاب. قیام تبریز نشان داد که انقلاب از آن زحمتکشان است. بر دوش آنان به پیش می‌رود، به همت آنان پیروز می‌شود، بر اثر پایمردی آنان در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی متحد آن پایدار می‌ماند و از حضور آنان در صحنه نیرو می‌گیرد و به پیش می‌تازد.

در آستانه سالگرد قیام تبریز بهترین قدردانی نسبت به مردم و بهترین گرامیداشت خاطره دهها شهید آن این است که این سخنان گرانقدر امام خمینی سرمشق قرار گرفته و بدان دقیقاً عمل شود که:

"ملت صد در صد کار خودش را خوب انجام داد... حالا نوبت آقایان است که در مقابل این همه زحماتی که آنها کشیده‌اند و محبتی که آنها کردند و فداکاری که آنها کردند حالا نوبت آقایان است"

کمیته ایالتی آذربایجان سازمان ما، بدین مناسبت اعلامیه‌ای داده است که متن آن در این شماره از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.
بقیه در صفحه ۲۵

صفحاتی از

تاریخ جنبش کارگری ایران

در صفحه ۱۴

تشکل‌های روستائی، مضمون وظایف و ترکیب طبقاتی آنها

در صفحه ۱۰

علی ساکی را از زندان خرم‌آباد آزاد کنید

در پی اقدامات مستی که از سوی مقامات قضایی صورت گرفته است، محمد جودکی در خرم‌آباد آزاد شد. ولی متأسفانه علی ساکی یکی دیگر از اعضا سازمان ما همچنان در بازداشت سر می‌برد. ما با ابواب نگرانی نسبت به ادامه بازداشت ایشان، انتظار داریم با آزادی این مدافع پیگیر انقلاب گام دیگری در جهت استقرار قانون برداشته شود.

احمد معروض را از زندان مراغه آزاد کنید

مسئولین دادگاه انقلاب مراغه نیز طی اقدامی مسئولانه عده‌ای از هواداران ما را از زندان آزاد کردند. اما هنوز به پرونده احمد معروض و یک تن دیگر از هواداران ما رسیدگی نشده است. نابادآوری ناکیدات اخیر رهبران انقلاب در ضرورت رسیدگی عاجل به وضعیت بازداشت شدگان، آزادی مرجه سریعتر آنها را خواستاریم.

وزیر امور خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل

پشتیبانی پیگیر از دوستان در برابر تجاوزات امپریالیسم

در صفحه ۱۲۴

به مناسبت برگزاری دهمین کنگره فدراسیون سندیکایی جهانی در هاوانا
امروز، اتحادیه‌ها با نیروی عظیم شان در حل حادترین مسائل دوران تاثیر جدی دارند
در صفحه ۲۲

بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست فرانسه
تجلی انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم
در صفحه ۲۲

در مقابل توطئه‌های امپریالیسم خبری از سوریه حمایت کنیم

امپریالیسم خبری عملیات انقلابی گسترده اخیر دولت سوریه را که با کمک نیروهای مردمی و ترقیخواه علیه تروریست‌های به اصطلاح مسلمان دو آتشه وابسته به جریان مشکوک اخوان المسلمین با موفقیت پیش برد، وقیحانه تظاهرات مردم شهر "حما" بر ضد حکومت سوریه وانمود کرد. این یک توطئه تفرقه‌جویانه امپریالیسم خبری است. برای خنثی کردن این توطئه، قاطعانه از اقدام انقلابی دولت سوریه در سرکوب قشریون اخوان المسلمین مرتبط با محافل جاسوسی امپریالیستی حمایت کنیم.

در صفحه ۲۰